



و



وظایف منظران



منشی پور
محمد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

انتظار و وظایف منتظران

مهدی نیلی پور



انتشارات سلسبیل

انتظار و وظایف منتظران

نویسنده: مهدی تیلی پور

ناشر: سلسبیل

چاپ: شرف

نوبت چاپ: اول (تابستان ۸۶)

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

بها: ۸۵۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۹۰۳-۵۴-۶

مرکز پخش: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام

شعبه اصفهان - تلفن: ۹-۲۲۵۵۱۱۵

کلیه حقوق محفوظ است

فهرست

مقدمه.....	۱
انتظار در لغت.....	۳
توصیف انتظار.....	۴
ادله‌ی لزوم و وجوب انتظار.....	۸
دلیل عقلی لزوم انتظار.....	۸
ادله‌ی شرعی وجوب انتظار.....	۹
الف) آیات شریفه قرآن در موضوع انتظار.....	۹
ب) روایات شریفه اهل بیت (علیهم السلام) در موضوع انتظار.....	۱۰
عناصر اخلاقی تشکیل دهنده‌ی انتظار.....	۱۳
۱- امید.....	۱۴
۲- معرفت و اطمینان.....	۱۴
۳- نزدیک دیدن ظهور.....	۱۵
۴- محبوبیت موضوع.....	۱۵
۵- منفور بودن شرایط موجود و مأیوس شدن از آن.....	۱۵
۶- آمادگی و تلاش عملی و زمینه‌سازی (مَنْ إِنْتَظَرَ أَمْرًا تَهَيَّأَ لَهُ).....	۱۶
۷- صبر و پایداری.....	۱۷
۸- عزت طلبی.....	۱۸
۹- تقوی محوری.....	۱۹
۱۰- جدیت و پشتکار.....	۲۰
۱۱- احساس یتیمی.....	۲۱
۱۲- اندیشه حسینی.....	۲۲
لایه‌های انتظار.....	۲۳
۱- لایه اول، نمای توحیدی.....	۲۷
۲- لایه دوم، مهدی (علیه السلام) عصارة انبیاء.....	۳۰
۳- لایه سوم، قدرت و سیاست.....	۳۲
۴- لایه چهارم، احیاء و اجراء دیانت.....	۳۶
۵- لایه پنجم، انتظار فضیلتها و ارزشها.....	۳۹
الف) وحدت و یکپارچگی.....	۳۹

- ب) عدالت، امنیت و شکوفایی ۴۰
- ج) معنویت، عدالت ۴۲
- ۶- لایه ششم، انتظار ظهور امام عصر علیه السلام ۴۴
- ۷- لایه هفتم، لایه تخریب و کوبندگی ۴۵
- اقسام انتظار (صادق و کاذب) ۴۷
- انتظار ویرانگر ۵۵
- انتظار سازنده ۵۶
- مراتب انتظار فرج ۵۸
- ۱) انتظار در جهت گشایش امور شخصی ۵۸
- ۲) انتظار جهت گشایش در امور مؤمنین ۵۹
- ۳) انتظار جهت گشایش امور آحاد انسانی ۶۰
- ۴) انتظار جهت گشایش امور جامدات، گیاهان و حیوانات ۶۱
- ۵) انتظار جهت گشایش امر انبیاء و اولیاء ۶۳
- ۶) انتظار جهت گشایش در امور آل محمد علیهم السلام ۶۳
- ۷) انتظار جهت گشایش امور ملکوتیان ۶۶
- ۸) انتظار جهت گشایش در امور امام زمان علیه السلام ۶۷
- ارمغانهای انتظار ۶۹
- ارمغان اول: ارتباط و مقام معیت ۶۹
- ارمغان دوم: عبودیت ۷۱
- ارمغان سوم: درک ثواب مجاهدت در رکاب رسول الله صلی الله علیه و آله ۷۲
- ارمغان چهارم: آرامش ۷۴
- ارمغان پنجم: اقتدا به پیشوایان و ورود در خیل منتظران ۷۴
- ارمغان ششم: تقویت مثبت اندیشی و مثبت رفتاری ۷۵
- ارمغان هفتم: رجعت و حضور در رکاب حضرت مهدی علیه السلام ۷۵
- ارمغان هشتم: درک پاداش شهادت ۷۷
- ارمغان نهم: بردباری و تحمل بالا ۷۹
- ارمغان دهم: دین محوری و تلاش ارزشی مداوم ۷۹
- ارمغان یازدهم: فعالیت در مسیر خدا و اجر مضاعف ۸۰
- ارمغان دوازدهم: همجواری با اهل بیت علیهم السلام در بهشت ۸۰
- ارمغان سیزدهم: رشد عقلانی و فهم رشد یافته ۸۱

آداب انتظار، اخلاق منتظر.....	۸۲
(۱) ورع و رعایت محاسن اخلاقی.....	۸۳
(۲) پرهیز از شگاکیت و پیروی از راه ائمه پیشین.....	۸۴
(۳) سفارش یکدیگر به صبر.....	۸۴
(۴) دوری از صفات ناپسند مردم آخرالزمان.....	۸۵
(۵) اختیار گمنامی و پرهیز از شهرت کاذب و حفظ زبان.....	۸۶
(۶) زمینه سازی ظهور.....	۸۶
(۷) ذکر کثیر و عبادت.....	۸۷
(۸) اخذ معارف دین از دین شناسان امین و رجوع به علماء.....	۸۷
(۹) آمادگی نظامی.....	۸۸
(۱۰) تقیه.....	۸۸
(۱۱) دعا.....	۸۹
(۱۲) مراجعه به کتب دانشمندان امین و اصیل.....	۹۱
(۱۳) تعاون بین شیعیان و حدیث شناسی.....	۹۱
(۱۴) مسئولیت پذیری نسبت به شیعیان.....	۹۲
آفات و موانع انتظار و دوران انتظار.....	۹۵
مراتب و مقامات منتظران.....	۱۰۱
جمعه های انتظار تا جمعه ی ظهور.....	۱۰۴
راه های کسب انتظار.....	۱۰۹
راه علمی.....	۱۰۹
راه عملی.....	۱۱۰
خیل منتظران.....	۱۱۲
الف) فرشتگان آسمان.....	۱۱۴
ب) پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small> و حضرت علی <small>رضی الله عنه</small>	۱۱۴
ج) امام باقر و امام صادق <small>رضی الله عنهما</small>	۱۱۶
د) امام زمان <small>رضی الله عنه</small>	۱۱۶
ه) رجعت کنندگان.....	۱۱۷
فهرست منابع و مآخذ.....	۱۱۹

مقدمه

ایده‌ی مهدویت، ایده‌ای است برگرفته شده از جهان‌بینی توحیدی که اساس آن اعتقاد به حاکمیت نظام احسن در حدوث و بقاء عالم تکوین و تشریح می‌باشد. ریشه‌ی تفکر مهدویت در مثبت‌اندیشی، سبقت رحمت الهی بر غضب وی و آینده‌نگری روشن، جلوه‌گر می‌شود.

هر چند تمدن بشریت از دیرباز، دارای افت و خیزها و جزر و مدهایی در دو سوی جبهه‌ی حق و باطل بوده و همواره خیر و شر و ظلم و عدالت با هم در ستیز بوده‌اند، اما در روند کلی، این سیر به سوی خیر و همراه با فرجامی روشن می‌باشد که قرآن کریم فرموده:

«إِنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»^۱

«همانا زمین را بندگان صالح من به ارث خواهند برد.»

حکومت‌های ظالم نیز اگر چند صباحی پابرجا مانده‌اند تنها به خاطر آن بوده که لایه‌هایی از حق و عدالت را یدک می‌کشیده‌اند و گرنه باطل محض قابلیت ماندگاری و حتی بقاء کوتاه‌مدت را نیز ندارد، زیرا «إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقاً»^۲

در فرهنگ اسلام و به ویژه از دیدگاه مکتب تشیع، این روشن‌بینی و خوش‌بینی در واژه‌ی «انتظار» تبلور می‌یابد. بر اساس جهان‌بینی و ایدئولوژی مثبت شیعی، در پایان شب تاریخ بشریت سپیده‌ی عدالت خواهید دمید. تشیع این

۱. انبیاء، ۱۰۵.

۲. اسراء، ۸۱.

سرانجام را با مختصات دقیق‌تری نسبت به سایر مکاتب تبیین نموده است، و نشانه‌ها و علامات قبل از ظهور، بعد از ظهور و شرایط و خصوصیات آن را به همراه معرفی شخصیت جهانی منجی، شیوه‌ی حکومتی او و اوصاف یاران برگزیده‌ی وی را معرفی می‌کند.

در روایات شیعه از حالت انتظار و منتظران بسیار ستایش و تمجید شده و از امام منتظر به عنوان ذخیره‌ی الهی برای سامان‌بخشی به نظام فاسد سیاسی حاکم بر جهان، یاد شده است.

از میان مؤمنین، بهترین آنها بیشترین چشم‌به‌راهی و نگرانی‌ها را در خصوص بحث ظهور دارند و برای ایجاد زمینه‌سازی ظهور منجی به صورت شبانه‌روزی در تلاش و تکاپو هستند.

بحث حاضر نگاهی گذرا به تعریف و توصیف انتظار و سلسله مباحث مفیدی در این خصوص است. آرزو مندیم از منتظران خالص و صدیق امام منتظر علیه السلام باشیم و ادعیه و الطاف قدسی آن خورشید عالمتاب، گرمابخش وجودمان باشد.

مهدی نیلی پور

رمضان المبارک ۱۴۲۷ هـ. ق

انتظار در لغت

الانتظارُ هي كَيْفِيَّةٌ نَفْسَانِيَّةٌ يُتَّبَعُ مِنْهَا التَّهَيُّؤُ لِمَا تَنْتَظَرُهُ.^۱

انتظار کیفیتي درونی و برانگیزاننده است که انسان را مهبیای استقبال از امر منتظر الیه می نماید.

انتظار کیفیتي درونی و صفتي نفسانی است که موجب خیزش و ایجاد آمادگی برای امر مورد انتظار در انسان می گردد.

انتظار یعنی مطالبه و پی جویی برای ادراک چیزی که در آینده واقع می گردد، به شکلی که گویا هر لحظه چشم به راه وقوع آن چیز می باشد.

انتظار یعنی چشم به راهی برای انجام کاری که مورد نظر و مطابق میل انسان است.^۲

۱. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۱۵۳

۲. منتخب الاثر، ج ۳، ص ۲۱۶

توصیف انتظار

انتظار یعنی چشم به راهی، اما نه چشم به راه یک موجود زمینی، بلکه چشم به راه یک انسان آسمانی بودن.

انتظار یعنی نگرانی اما یک نگرانی اخلاقی، یک نگرانی که هاله‌ای از قداست و پوششی از امید دارد.

انتظار یعنی کمی دورتر را هم دیدن و صدای پای آشنایی را شنیدن.

انتظار یعنی بانک جرس را شنیدن و دل به صاحب دلی دوست داشتنی بستن.

انتظار یعنی روحی فعال و دلی پر از دغدغه داشتن.

انتظار یعنی نه گفتن به حال تاریک و آری گفتن به آینده روشن و این همان

مفهوم لا اله الا الله است.

انتظار یعنی با چشمی گذشته را دیدن و با چشمی به آینده نگریستن.

انتظار یعنی هرگز محبوب را فراموش نکردن.

انتظار یعنی دل به راه بودن نه (تنها) چشم به راه بودن.

انتظار یعنی «ابن السبیل» و «ابن الصراط المستقیم» بودن (یعنی فرزند راه و

فرزند صراط مستقیم بودن)

انتظار یعنی تمرین پر کشیدن و گاهی پنجره‌ای به آسمان گشودن.

انتظار یعنی خدا را در زمین جستجو کردن (بِقِيَّةِ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ)

انتظار یعنی راه را دیدن و راهبر را از دور نظاره کردن.
انتظار یعنی نبریدن و مأیوس نبودن.
انتظار یعنی کمتر با مردم بودن و بیشتر با محبوب دلها امام زمان علیه السلام بودن.
انتظار یعنی آینده را بهتر از حال دیدن.
انتظار یعنی چشمها را بر بدیها بستن (بی تفاوت نبودن) و خوبیها را فراموش نکردن.

انتظار یعنی خوشبختی را بر خوشی ترجیح دادن.
انتظار یعنی زندگی (حقیقی) کردن به جای زنده بودن.
انتظار یعنی به دنبال بهترین ها بودن (أین صدرُ الخلائقِ ذوالبرِّ و التَّقوی^۱).
انتظار یعنی خلقت را با هدف دیدن.
انتظار یعنی همراه با پیامبر و علی و فاطمه (علیهم صلوات الله) بودن.
انتظار یعنی حرکت نمودن در جاده ولایت (یا این الصِّراط المستقیم^۲).
انتظار یعنی از بی عدالتی ها رهیدن.
انتظار یعنی در جستجو و تکاپوی عدالت، امتیت و دیانت بودن.
انتظار یعنی بال به سوی خدا گشودن.
انتظار یعنی ارتباط بین حال و آینده برقرار نمودن.
انتظار یعنی خواستار دولت فاطمی (س) بودن (این ابن النبیِّ المصطفی... و ابن فاطمة الکبری^۳).
انتظار یعنی انفجار نور توحید.

۱. فرازی از دعای ندبه، مفاتیح الجنان

۲. همان

۳. همان

انتظار یعنی تبدیل کثرتها به وحدت.

انتظار یعنی انتظار نظام امامت کشیدن.

انتظار یعنی انتظار حاکم عادل و حکومت عدل را کشیدن.

انتظار یعنی انتظار سیاست و سیاستمدار الهی و عادل را کشیدن.

انتظار یعنی انتظار (دولت) حسن و حسین علیهما السلام را کشیدن (أین الحسن و این

الحسین؟^۱).

انتظار یعنی جهانی اندیشیدن و جهانی عمل نمودن.

انتظار یعنی خود را تنها و بی کس ندیدن.

انتظار یعنی مکتب اسلام را همیشه پیروز دیدن.

انتظار یعنی با روح مطلق انسانی مرتبط بودن.

انتظار یعنی نفی نظریه قعود و ترویج و تثبیت نظریه قیام (برای اصلاح

جهانی).

انتظار یعنی مانند حسین علیه السلام زندگی کردن.

انتظار یعنی سکوت را در هم شکستن.

انتظار یعنی اسیر و مرعوب ظلم دیروز و امروز نگشتن.

انتظار یعنی امروز و فردا را با هم دیدن.

انتظار یعنی نگرانی از حال و امید به آینده.

انتظار یعنی عدم رضایت به وضع موجود و تلاش برای رسیدن به وضعیت مطلوب.

انتظار یعنی در آینه امروز آینده را دیدن.

انتظار یعنی آینه زمینی جمال حق را جستجو نمودن.

- انتظار یعنی شب‌ها را کمتر خوابیدن و روزها را بیشتر تلاش کردن.
- انتظار یعنی بیشتر به (اهل) آسمان نگاه کردن و کمتر به اهل زمین نگرستن.
- انتظار یعنی تمایل به پر کشیدن.
- انتظار یعنی یک گام به سوی جلو برداشتن.
- انتظار یعنی تاریخ را روبه رشد دیدن.
- انتظار یعنی پیروز دانستن (نهایی) حق بر باطل (جاء الحق و زهق الباطل انّ الباطل كان زهوقاً^۱).
- انتظار یعنی خوبان را صاحب تاریخ دانستن (ان الارض یرثها عبادی الصّالحون^۲).
- انتظار یعنی از دوردست نگرستن به خیمه‌ای و شمشیری و امبی آماده.
- انتظار یعنی سراغ داشتن یک مرد آسمانی و سراغ گرفتن از او.
- انتظار یعنی آن روی سگه را هم دیدن.
- انتظار یعنی از صدای طبلهای تو خالی نترسیدن.
- انتظار یعنی برنامه داشتن برای آینده.
- انتظار یعنی مرور برنامه فردای جهان.
- انتظار یعنی به پا خواستن با ذکر نام برترین موجود هستی.
- انتظار یعنی تفسیر ذهنی و عینی (و العاقبة للمتقین^۳).

۱. انزاع، ۸۱.

۲. انبیاء، ۲۰۵.

۳. قصص، ۸۳.

ادله‌ی لزوم و وجوب انتظار

دلیل عقلی لزوم انتظار

از دیدگاه عقل و براساس نظرات فلسفی و تحلیلهای عقلانی، نظام حاکم بر هستی، نظامی حکیمانه و احسن و با رویکردی روشن و مطلوب می‌باشد و تاریک دیدن و یا ابر دیدن آن منافات با این دیدگاه عقلی و فلسفی دارد؛ به همین دلیل بر اساس ادله و براهین عقلی و فلسفی انتظار با همه گستردگی و عمق معنوی خود، غایت اندیشی مثبت و عاقلانه نسبت به آینده تاریخ است و به نوعی الزامی است، عقلی که خردورزی بر آن صحه می‌گذارد؛ چرا که فقدان این دیدگاه (انتظار) مساوی با بازیچه دیدن خلقت هستی و انسان می‌باشد.

استاد مطهری (ره) می‌فرماید:

«آرمان قیام و انقلاب مهدی علیه السلام یک فلسفه بزرگ اجتماعی اسلامی است. این آرمان بزرگ، گذشته از اینکه الهام بخش ایده و راه گشای به سوی آینده است، آینه بسیار مناسبی است برای شناخت آرمانهای اسلامی. این نوید، ارکان و عناصر مختلفی دارد که برخی فلسفی و جهانی است و جزئی از جهان بینی اسلامی است، برخی فرهنگی و تربیتی است، برخی سیاسی است، برخی اقتصادی

است، برخی اجتماعی است، برخی انسانی، یا انسانی - طبیعی است.^۱

ادله‌ی شرعی وجوب انتظار

علاوه بر ادله عقلی لزوم انتظار، ادله قرآنی و روایتی دلالت بر وجوب انتظار دارد که به برخی از این ادله اشاره می‌نمائیم:

الف) آیات شریفه قرآن در موضوع انتظار

(۱) و اَرْتَقِبُوا اِنِّی مَعَكُمْ رَقِیْبٌ^۲ «و چشم به راه باشید که من با شما چشم به راهم»

(۲) فَانْتَظِرُوا اِنِّی مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِیْنَ^۳ «پس منتظر باشید، من نیز همراه شما از منتظرانم»

از حضرت ابالحسن الرضا علیه السلام نقل شده که فرمودند: «چقدر خوب است صبر و انتظار فرج! آیا نشنیده‌ای فرموده‌ی خدای عزوجل را که (و اَرْتَقِبُوا اِنِّی مَعَكُمْ رَقِیْبٌ) «و چشم به راه باشید که من با شما چشم به راهم.» (فانْتَظِرُوا اِنِّی مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِیْنَ) «پس انتظار بکشید که من با شما از منتظرانم.» بنابراین بر شما باد به صبر، به درستی که گشایش پس از ناامیدی می‌آید، البته آنان که پیش از شما بودند صبورتر از شما بودند.»^۴

(۳) وَیَقُولُونَ لَوْلَا اُنزِلَ عَلَیْهِ آیَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ اِنَّمَا الْغَیْبُ لِلّٰهِ فَانْتَظِرُوا اِنِّی مَعَكُمْ

۱. قیام و انقلاب مهدی علیه السلام، ص ۵۷

۲. سوره هود / ۹۳

۳. سوره اعراف / ۷۱

۴. کمال الدین و تمام النعمه ۶۴۵/۲، باب ۵۵ ح ۵

من المنتظرین^۱

«و می گویند: چرا از سوی پروردگارش آیتی بر او نیامد؟ پس بگو: به درستی که غیب، مخصوص خداست، شما منتظر باشید که من نیز با شما از منتظرانم.»

امام صادق علیه السلام فرمودند درباره قول خدای عزوجل: (الم ❀ ذلك الكتاب لا ريب فيه هدى للمتقين ❀ الذين يؤمنون بالغيب...)؛ الم (از رموز قرآن است) ❀ این کتاب بدون تردید هدایتگر تقوای پیشگان است، ❀ آنان که به غیب ایمان می آورند. تقوای پیشگان، شیعیان علی علیه السلام هستند و غیب همان حجت غایب است و گواه بر این گفته خدای عزوجل است که فرمود: (و يقولون لولا أنزل عليه آية من ربه قل إنما الغيب لله فانتظروا إني معكم من المنتظرين)^۲

(ب) روایات شریفه اهل بیت علیهم السلام در موضوع انتظار

روایات اهل بیت علیهم السلام در این خصوص به دو دسته تقسیم می گردد:

(الف) روایاتی که صریحاً در آن فعل دستوری به کار رفته است و مؤمنین را مکلف می کنند تا در کسب این فضیلت اخلاقی کوشش و تلاش علمی و عملی داشته باشند که در این خصوص به نقل چند روایت می پردازیم.

(۱) قال الباقر علیه السلام... تَوَقَّعُوا هَذَا الْأَمْرَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً^۳؛ «صبح و شام متوقع و

منتظر این امر (فرج) باشید.»

(۲) عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ الْوَاسِطِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام: أَصْلَحَكَ اللَّهُ وَاللَّهِ

۱. سوره یونس / ۲۰

۲. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۲۲۹

۳. بحار الانوار / ج ۵۲ / ص ۱۸۵

لَقَدْ تَرَكْنَا أَسْوَاقَنَا انْتِظَاراً لِهَذَا الْأَمْرِ حَتَّى أَوْشَكَ الرَّجُلُ مِنَّا يُسْأَلُ فِي يَدَيْهِ فَقَالَ: يَا عَبْدَ الْحَمِيدِ أَتَرَى مَنْ حَبَسَ نَفْسَهُ عَلَى اللَّهِ لَا يَجْعَلُ اللَّهُ لَهُ مَخْرَجاً؟ بَلَى وَاللَّهِ لَيَجْعَلَنَّ اللَّهُ لَهُ مَخْرَجاً رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا حَبَسَ نَفْسَهُ عَلَيْنَا، رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمَرْنَا قُلْتُ: فَإِنْ مِتُّ قَبْلُ أَنْ أُدْرِكَ الْقَائِمُ؟ فَقَالَ: الْقَائِلُ مِنْكُمْ: (إِنْ أُدْرِكْتُ الْقَائِمَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ نَصْرَتُهُ) كَالْمُقَارِعِ مَعَهُ بِسَيْفِهِ وَالشَّهِيدُ مَعَهُ لَهُ شَهَادَتَانِ.^۱

عبدالحمید واسطی می گوید به امام باقر علیه السلام عرضه داشتم: به درستی که ما در انتظار این امر (امر ظهور و فرج) بازارهایمان را ترک گفتیم تا جایی که بیم آن می رود که بعضی از ما به گدایی افتند! حضرت علیه السلام فرمود: ای عبدالحمید آیا می پنداری هر کس خودش را در راه خداوند وقف کرد، خداوند برایش راه در آمدی قرار نخواهد داد؟ چرا به خدا سوگند که خداوند برای او گشایشی پیش خواهد آورد، خداوند رحمت کند آن بنده ای را که برای ما خودش را وقف کند، خداوند رحمت کند آن بنده ای را که امر ما را احیا کند. عرض کردم: اگر پیش از آن که قائم علیه السلام را درک کنم بمیرم چه؟ فرمود: به درستی که هر کس از شما سخن (و تصمیمش) این باشد که: «هرگاه قائم آل محمد علیه السلام را دریابم او را یاری خواهم کرد.» مانند کسی است که در حضور او با شمشیر خود جهاد کرده باشد و شهادت در رکاب آن حضرت، (دارای ثواب) دو شهادت است.

(۳) قال محمد بن علی الجواد علیه السلام:

إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَجِبُ أَنْ يَنْتَظَرَ فِي غَيْبَتِهِ^۲

«بدرستی که قائم ما همان مهدی علیه السلام است کسی که در زمان غیبتش باید

انتظار او را بکشند.»

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۶

۲. بحارالانوار / ج ۵۱ / ص ۱۵۶

(۴) قال المهدی علیه السلام:

عَلَيْكُمْ بِالِدَعَاءِ وَانْتِظَارِ الْفَرَجِ فَإِنَّهُ سَيِّدُكُمْ لَكُمْ عِلْمٌ^۱

بر شما باد به دعا کردن و انتظار فرج و گشایش چرا که به زودی برای شما علم (به فوائد آن) آشکار می شود.

ب) بسیاری از روایاتی که در موضوع انتظار و فضیلت آن آمده هر چند ظاهراً جملات خبریه است اما به تعبیر آیه الله جوادی آملی (دام ظلّه) جملات خبریه به داعی انشاء^۲ می باشد و صیغه دستوری دارد. به عبارت دیگر توصیف انتظار و پاداش آن و آثار آن نیست، بلکه توصیه و دستور به انتظار و تحصیل این حالت در خود می باشد.^۳

بنابراین ایجاد فرهنگ انتظار در خود و محیط پیرامون خود از واجبات عقلی و شرعی است.

۱. منتخب الاثر / ج ۲ / ص ۲۳۱

۲. تفسیر تسنیم / سوره یوسف ذیل آیه ۸۷

۳. قال رسول الله (صلی الله علیه و آله): افضل الاعمال اُمتی انتظار فرج الله عزوجل (البحار: ۲/۱۲۲/۵۲)؛ «بهترین کارهای امت من، انتظار فرج و گشایش از خداوند است. (یعنی به تحصیل این حالت که بافضیلت‌ترین عمل است بپردازید.)»

عناصر اخلاقی تشکیل دهنده انتظار

انتظار فضیلتی اخلاقی - عرفانی است که روح را تعالی می بخشد و تحول آفرین و تربیت کننده انسان است. این فضیلت اخلاقی در زندگی فردی و جمعی بشر آثار و برکات فراوان خواهد داشت. مفهوم شناسی و موشکافی این واژه ما را در کسب آن یاری خواهد نمود و فراوانی ثمرات در این فضیلت را برای ما آشکار می سازد. به عبارتی انتظار فضیلتی است مرکب از فضائل دیگر که تحصیل آن کاری بس دشوار و البته بسیار پرپاداش و پرنتیجه خواهد بود و به همین دلیل در روایات اهلیت علیه السلام از این حالت اخلاقی عرفانی با تعابیر ذیل یاد شده است.

✓ (افضل العباده): قال رسول الله ﷺ: أفضل العبادَةِ إنتظارُ الفرجِ

(برترین عبادت، انتظار فرج است)

✓ (افضل أعمال أمتي): قال رسول الله ﷺ: أفضل أعمال أمتي إنتظارُ فرجِ الله

عز وجل

(برترین کارهای امت من، انتظار فرج و گشایش خداوند است.)

✓ (أحب الأعمال إلى الله عز وجل) قال علي عليه السلام: إنتظروا الفرج ولا تياسوا

مِنْ رُوحِ اللَّهِ، فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ^۱

(در انتظار فرج و گشایش باشید و از رحمت خدا ناامید مشوید، زیرا محبوبترین کارها نزد خداوند عزوجل انتظار فرج است)

✓ (أَفْضَلُ جِهَادِ أُمَّتِي) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَفْضَلُ جِهَادِ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ^۲

(برترین تلاش امت من، انتظار فرج است)

در اینجا لازم است به تجزیه مفهومی این واژه پرداخته و به تبیین عناصر تشکیل دهنده و تسریع کننده این مفهوم پردازیم تا زمینه تحصیل آن و بازشناسی این مفهوم میسر و آسان گردد.

۱- امید

اولین جزء و معنای سازنده انتظار امید و رجاء می باشد، چرا که در صورت یأس مطلق و عدم امیدواری، حالت انتظار در انسان شکل نمی گیرد و تحقق خارجی پیدا نمی کند.

قال علي بن ابي طالب: اِنْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَ لَا تَيَاسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ^۳

(در انتظار فرج و گشایش باشید و از رحمت خدا ناامید نشوید.)

۲- معرفت و اطمینان

دومین جزء از اجزاء حالت انتظار، شناخت امر منتظر و اطمینان به وقوع آن می باشد، چرا که در صورت عدم یقین و عدم اطمینان به امری حالت انتظار در انسان منعقد نخواهد شد.

۱. البحار: ۵۲/۱۲۳/۷

۲. البحار: ۷۴/۱۴۳/۲۶

۳. البحار: ۵۲/۱۲۳/۷

۳- نزدیک دیدن

سومین جزء از اجزاء تشکیل دهنده انتظار، نزدیک دیدن امر مورد توقع و اعتقاد به قرب زمانی آن می باشد، چرا که دور دیدن آن و استبعاد زمانی نسبت به آن امر با حالت انتظار سازگاری نخواهد داشت.

(إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً وَ يَرَاهُ قَرِيباً)؛^۱ آنها آن را دور می بینند و ما نزدیکش می بینیم.

۴- محبوبیت موضوع

اگر حادثه ای و امری محبوب انسان باشد، مطلوب او نیز قرار خواهد گرفت و اگر چیزی مطلوب او شد، تمامی تلاشها و فعالیتهای وی در راستای رسیدن به آن مطلوب صورت خواهد گرفت، لذا محبوبیت امر فرج و انتظار، انسان را به یک منتظر واقعی و یک مصلح دلسوز و یک عاشق بی قرار تبدیل می کند.

۵- منفور بودن شرایط موجود و مأیوس شدن از آن

در صورتی که فردی شرایط موجود را بهترین شرایط بداند انتظار امری جدید برای او تحقق نخواهد یافت. اما اگر با تحقیق در حوادث ایام و انواع ظلمها تباهی ها و فسادها به مطلوب نبودن شرایط موجود اذعان نمود، حالت انتظار برای ایجاد شرایطی جدید و نو برای او فراهم می آید.

قال الرضا عليه السلام: **أَمَّا يَجِيءُ الْفَرَجُ عَلَى الْيَأْسِ**^۲

«همانا فرج و گشایش پس از ناامیدی می آید.»

۱. معارج، ۷۶.

۲. البحار: ۱۷/۱۱۰/۵۲.

۶- آمادگی و تلاش عملی و زمینه‌سازی (مَنْ إِنْتَظَرَ أَمْرًا تَهَيَّأَ لَهُ)^۱

انتظار آن هنگام واقعی و صادق است که انسان را به حرکت و تلاشی در مسیر تحقق امر منتظر الیه وادار نماید، و گرنه صرف حالت انتظار، بدون آمادگی و تلاش عملی، آرزویی بی نتیجه و یا انتظاری سطحی است؛ به همین دلیل پیامبر اکرم ﷺ انتظار را به عنوان یک حالت بسیار ارزشمند و یا یک جهاد آن هم برترین جهاد امت خود معرفی می‌کنند.

قال رسول الله ﷺ: أَفْضَلُ جِهَادِ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ^۲

قال رسول الله ﷺ: أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ فَرَجِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ^۳

بر این اساس واضح می‌شود که یکی از عناصر تشکیل دهنده این فضیلت اخلاقی، کوشش و تلاش می‌باشد.

حضرت رسول ﷺ در بیانی زیبا می‌فرمایند:

يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ قِيَوَطُّونَ لِلْمَهْدِيِّ^۴

«از مشرق زمین مردمی قیام می‌کنند و زمینه را برای (ظهور) مهدی الطاهر آماده

می‌سازند.»

- در کتاب مکیال المکارم پس از تعریف انتظار آمده است:

فَكُلَّمَا كَانَ الْإِنْتِظَارُ أَشَدَّ كَانَ التَّهَيُّؤُ أَكْثَرَ^۵

«پس هر قدر انتظار شدیدتر باشد آمادگی و مهیا شدن قویتر خواهد بود.»

۱. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۲۳۵

۲. البحار: ۲۶/۱۴۳/۷۴

۳. البحار: ۲/۱۲۲/۵۲

۴. کشف الغمه: ۲۶۷/۳

۵. ج ۲، ۱۵۲

۷- صبر و پایداری

انتظار نتیجه بخش و معنی دار، انتظاری است که توأم با پایداری و صبر و مقاومت باشد و گرنه تبدیل به یک تمنی زودگذر و افتادن به دام‌های انحرافی و فریبنده و محبوب سازی جاهلانه می‌شود.

اینکه در روایات اهل بیت علیهم السلام صبر در کنار انتظار فرج قرار داده شده و گاهی تصریح به انتظار توأم با صبر شده دلالت بر حیاتی بودن صبر در شکل‌گیری حالت انتظار دارد.

حضرت صادق علیه السلام در تفسیر آیه **﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَ...﴾** ^۱ فرمودند: **(وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ)** یعنی المؤمنین قبل خروج القائم (بشئ من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفس و الثمرات و بشر الصابرين) قال: (و بشر الصابرين) عند ذلك بتعجيل الفرج..... ^۲

و البته شما را (یعنی مؤمنین را قبل از خروج و قیام حضرت مهدی علیه السلام) به سختی ^۱ همچون ترس و گرسنگی و نقصان اموال و نفوس و آفات زراعت بیازمائیم و به صابران بشارت بده. سپس حضرت فرمودند: یعنی بشارت بده به صابران در چنین زمانی به اینکه فرج و ظهور نزدیک است ...

قال رسول الله ﷺ: **انتظارُ الفرجِ بالصبرِ عبادةٌ** ^۳

(صبورانه در انتظار فرج بودن، عبادت است)

قال الصادق علیه السلام: **من دین الاثمه الورع و العفة و الصلاح... و انتظار الفرج**

بالصبر ^۴

۱. بقره، ۱۵۵

۲. تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۷۶

۳. الدعوات للراوندي: ۱۰۱/۴۱

۴. البحار ۱/۱۲۲/۵۲

(پارسایی، پاکدامنی، درستی..... و صبورانه در انتظار فرج بودن جزء دین امامان است.)

قال رسول الله ﷺ: أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الصَّبْرُ وَالصَّمْتُ وَانْتِظَارُ الْفَرَجِ^۱
برترین عبادت، صبر کردن و سکوت و انتظار فرج است.

۸- عزت طلبی

یکی از فطریات در انسان، کمال جوئی و عزت طلبی و پرهیز از همه عوامل ضعف و ذلت است. در طول تاریخ عزت خوبان و مؤمنین توسط ستمگران و نابخردان (به ظاهر) خدشه دار گشته و به همین دلیل آنان همیشه به دنبال فرصتی بوده‌اند تا عزت و مکانث از دست رفته خود را احیاء نمایند. آنان نه تنها خود بلکه پیشوا و کتاب و قانون خود را از سوی ظالمین تحقیر شده می‌بینند و در صدد برگرداندن عزت تمامی این امور هستند. در دعاهای مربوط به انتظار و ظهور، بر واژه‌ی «عزت» و «معز» تأکید بسیاری شده است.

✓ این معز الاولیاء و مُذلُّ الاعداء^۲

«کجاست آن که عزت دهنده اولیاء و ذلیل کننده دشمنان (دین خدا) است.»

✓ اللَّهُمَّ أَعِزَّهُ وَاعْزِرْ بِهِ وَانصُرْهُ وَاَنْتَصِرْ بِهِ وَانصُرْهُ نَصْرًا عَزِيزًا^۳

«پروردگارا! عزیزش کن و به وجود او (مؤمنان را) عزیز بگردان، یاریش کن

و به دست او (صالحان را) یاری بفرما، نصرتش بده نصرتی با عزت»

✓ اللَّهُمَّ اِنَّا نَرْغِبُ الْيُكَّ فِي دَوْلَةِ كَرِيْمَةٍ، تُعْزِ بِهَا الْاِسْلَامَ وَ اَهْلَهُ وَ تُذِلُّ بِهَا

۱. البحار: ج ۷۴ ص ۴۲۲

۲. دعای ندبه

۳. دعای افتتاح، مفاتیح الجنان

النِّفَاقَ وَ أَهْلَهُ^۱

«خداوند! مشتاق (تشکیل) دولت با کرامتی از جانب تو هستیم که به آن، اسلام و اهلش را عزیز کنی و نفاق و اهلش را ذلیل کنی»

✓ اللَّهُمَّ الْمُمْ بِهٍ شِعْنًا وَ اشْعَبُ بِهٍ صَدَعْنَا وَ ارْتُقُ بِهٍ فَتَقْنَا وَ كَثُرَ بِهٍ قَلْتْنَا وَ
أَعَزَّ بِهٍ ذَلَّتْنَا.^۲

«خداوند! پراکندگی ما را به وسیله او برطرف کن و گسیختگی مان را به او دور کن و پریشانی ما را به او پیوست کن و کمی ما را به وسیله او زیاد کن و ذلت ما را به وسیله او، تبدیل به عزت کن.»

✓ السَّلَامُ عَلَى مُعِزِّ الْأَوْلِيَاءِ وَ مُذِلِّ الْأَعْدَاءِ.^۳

«سلام بر عزت دهنده دوستان (خدا) و ذلیل کننده دشمنان (او)»

✓ اللَّهُمَّ طَالَ الْإِنْتِظَارُ وَ شَمِتَ بِنَا الْفُجَّارُ وَ صَعِبَ عَلَيْنَا الْإِنْتِصَارُ^۴

«خدایا طولانی شده زمان انتظار و فاجران به ما طعنه می زنند و انتظار برای ما سخت شده است»

۹- تقوی محوری

یکی از قوانین و سنن جاری در هستی، موفقیت و پیروزی قانون گرایبی و قانون محوری و تقوی گرایبی است.

اگر کاری بر اساس صحیح و بنیانی واقعی و راستین بنا شده باشد، ماندگار است.

۱. دعای افتتاح، مفاتیح الجنان

۲. دعای افتتاح، مفاتیح الجنان

۳. زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام، مفاتیح الجنان

۴. زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام، مفاتیح الجنان

قرآن کریم درباره متقین و پرهیزکاران می فرماید: **وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ**^۱
این اصل قرآنی در نظام تکوین و تشریح جاری می باشد، لکن در عالم تشریح
به جهت لزوم آزمایش انسانها کمی دیرتر رخ نشان می دهد.

آیت الله شهید مرتضی مطهری (ره) می فرماید:

«تاریخ در مورد خوبان و پیروزی آنان قائل به دیرکرد است.»^۲

در روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده است که حضرت فرمودند:

«**إِنَّ لَنَا مُلْكَاً مُّوَجَّلاً وَ لَيْسَ بَعْدَ مُلْكِنَا مُلْكٌ: لَأَنَا أَهْلُ الْعَاقِبَةِ يَقُولُ اللَّهُ**

عَزَّ وَجَلَّ: (وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ)»^۳

«ما را سلطنتی در آینده خواهد بود و بعد از حکومت ما، حکومتی نباشد؛

زیرا ما اهل تقوا هستیم و خداوند فرموده است: عاقبت کار، از آن متقین است.»

۱۰- جدیت و پشتکار

در جوهره انتظار صادق و در روح منتظر خالص، جدیت و پشتکار و پیگیری
و تداوم بخشی وجود دارد.

حضرت صادق علیه السلام فرمودند: **مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ**

لِيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ فَإِنْ مَاتَ وَ قَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ

مِنْ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ فَجِدُوا وَ انْتَظِرُوا هَنِيئاً لَكُمْ أَيَّتُهَا الْعِصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ^۴

۱. اعراف / ۱۲۸ و قصص / ۸۳

۲. فلسفه تاریخ

۳. الکافی: ۵/۴۷۱/۱

۴. الغيبة للنعمانی: ۱۶/۲۰۰

«هر که دوست دارد از یاران قائم باشد، پس باید انتظار بکشد و در حالی که منتظر است، پارسائی و اخلاق نیک را در پیش گیرد. اگر (با چنین حالتی) از دنیا برود و بعد از مرگ او، قائم قیام کند، اجرش همانند اجر کسی است که قائم را درک کند، پس (در کار و عمل) بکوشید و منتظر باشید؛ گوارایتان باد ای جماعت مشمول رحمت!»

۱۱- احساس یتیمی

یکی از مفاهیمی که در شکل‌گیری و شدت بخشی حالت انتظار در ما مؤثر است، درک شرائط موجود در زمان غیبت و احساس یتیمی معنوی در زمان غیبت است. اگر این احساس در ما به وجود آید و خسارت‌های معنوی و مادی عدم حضور امام را درک کنیم چشم به راهی ما نسبت به ظهور حضرت شدت خواهد یافت و در جستجوی یافتن راهی برای شناخت پدر و حضور و احضار او خواهیم بود.

قال رسول الله ﷺ

أَشَدُّ مِنْ يَتِيمِ الْيَتِيمِ الَّذِي انْقَطَعَ عَنْ أَبِيهِ، يَتِيمٌ انْقَطَعَ عَنْ إِمَامِهِ وَ لَا يَقْدِرُ عَلَى الْوُصُولِ إِلَيْهِ

«از یتیمی کسی که پدرش را از دست داده سخت‌تر، یتیمی کسی است که از امام خود بریده شده و توان دسترسی به او را ندارد»

۱۲- اندیشه حسینی

یکی از مقومات اندیشه انتظار، وجود اندیشه حسینی و آرمان کربلائیان و آرزوی انتقام خون به ناحق ریخته امام حسین علیه السلام است؛ همچنان که شعار یاران حضرت ولی عصر (عج) یا لثارات الحسین علیه السلام است، انتظار نیز بر همین مبنا شکل می گیرد.

به عبارت دیگر هر چه با آرمانهای امام حسین علیه السلام آشنا تر شویم و هر چه به عمق مصائب وارده بر او و یارانش نزدیکتر شویم، حس و میل انتقام از ظالم در ما نمایان تر خواهد شد و حالت انتظار در روح ما موج تر خواهد گشت.

در زیارت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا به این عنصر اخلاقی، روانی انتظار اشاره شده است.

(۱) فَاسْتَلُّ اللَّهُ..... أَنْ يَرْزُقَنِي طَلِبِ ثَارِكٍ مَعَ إِمَامٍ مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، پس مسألت می کنم از خداوند... که خونخواهی تو را با امام منصور از اهل بیت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، (یعنی حضرت مهدی ارواحنا له الفداء) روزی فرماید

(۲) فَاسْتَلُّ اللَّهُ..... وَأَنْ يُثَبِّتَ لِي عِنْدَكُمْ قَدَمَ صِدْقٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ أَسْأَلُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَأَنْ يَرْزُقَنِي طَلِبِ ثَارِكِ (كُمْ) مَعَ إِمَامٍ هُدًى ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ.....

«پس مسألت می کنم از خداوند..... و اینکه برای من نزد شما منزلت راستین در دنیا و آخرت تثبیت نماید و طلب می کنم از خداوند اینکه مرا به مقام محمودی که برای شما نزد خداوند است برساند و اینکه خونخواهی خون خود را با امام هدایت شده و نمایان و گویا از شما به من روزی کند.»

لایه‌های انتظار

مفهوم انتظار، مفهوم ذو مراتب و لایه لایه است که تبیین و کالبد شکافی آن عمق و اهمیت آن را روشن می‌سازد و میدان دید و نظرگاه واقعی شیعه منتظر را روشن و شفاف می‌سازد.

به عبارتی دیگر گاهی انتظار را از نمای ظاهری بررسی می‌کنیم و گاهی به عمق آن نفوذ نموده و از درون به آن نگاه می‌کنیم که این نگاه درونی ما را با لایه‌های گوناگون انتظار آشنا می‌سازد.

اگر ما نماد لفظی انتظار را در دعای ندبه جستجو کنیم به واژه «این» (کجاست) برخورد می‌کنیم. این واژه از سویی نشانه و نماد انتظار است و از سویی محرک و برانگیزاننده و تقویت کننده حالت انتظار در شیعه می‌باشد، این واژه در این دعا ۳۸ مرتبه تکرار شده و پس از هر تکرار به یکی از موضوعات و یا لایه‌های انتظار اشاره شده است که دقت در آنها جهت آشنایی با لایه‌های انتظار سودمند است:

۱-۲- این الحسن، این الحسین (کجاست حسن، کجاست حسین؟)

۳- این ابناء الحسین صالح بعد صالح و صادق بعد صادق (کجايند فرزندان

امام حسین علیه السلام، آنها که یکی پس از دیگری شایسته و صالح بودند و یکی پس از دیگری صادق و راستگو بودند)

- ۴ - أَيْنَ السَّبِيلِ بَعْدَ السَّبِيلِ (کجایند آن کسانی که یکی پس از دیگری راه هدایت بودند؟)
- ۵ - أَيْنَ الْخَيْرَةِ بَعْدَ الْخَيْرَةِ (کجایند آن کسانی که یکی پس از دیگری برگزیدگان الهی بودند؟)
- ۶ - أَيْنَ الشَّمْسُ الطَّالِعَةُ (کجایند آن خورشیدهای درخشان؟)
- ۷ - أَيْنَ الْأَقْمَارِ الْمُنِيرَةِ (کجایند آن ماههای فروزنده؟)
- ۸ - أَيْنَ الْأَنْجُمِ الزَّاهِرَةِ (کجایند آن ستارگان درخشنده؟)
- ۹ - أَيْنَ أَعْلَامِ الدِّينِ وَقَوَاعِدِ الْعِلْمِ (کجایند آن نشانه‌ها و راهبران دین و پایه‌ها و ستون‌های دانش؟)
- ۱۰ - أَيْنَ بَقِيَّةِ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُو مِنَ الْعِتْرَةِ الْهَادِيَّةِ (کجاست آن بقیه الله که از خاندان پاک و هدایتگر بیرون نیست؟)
- ۱۱ - أَيْنَ الْمَعْدُ لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ (کجاست آن کسی که برای قطع کردن ریشه ستمکاران آماده و تهیه شده است؟)
- ۱۲ - أَيْنَ الْمُنتَظَرِ لِاقَامَةِ الْأُمَّتِ وَالْعِوَجِ (کجاست آن کسی که برای راست کردن کجی‌ها و نادرستی‌ها انتظار او می‌رود؟)
- ۱۳ - أَيْنَ الْمُرْتَجَى لِإِزَالَةِ الْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ (کجاست کسی که برای براندازی و از بین بردن ستم و دشمنی امید او می‌رود؟)
- ۱۴ - أَيْنَ الْمُدَّخِرِ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ (کجاست آن کسی که خدا او را برای تجدید و نو کردن واجبات و سنتهای دین ذخیره کرده است؟)
- ۱۵ - أَيْنَ الْمُتَخَيَّرِ لِإِعَادَةِ الْمِلَّةِ وَالشَّرِيعَةِ (کجاست آن کسی که برای برگرداندن دین و آیین انتخاب شده است؟)

- ۱۶ - أَيْنَ الْمُؤْمَلُ لِأَحْيَاءِ الْكِتَابِ وَ حُدُودِهِ (کجاست آن کسی که برای زنده کردن قرآن و حدود آن، آرزو شده است؟)
- ۱۷ - أَيْنَ مُخَيِّ مَعَالِمِ الدِّينِ وَ أَهْلِهِ (کجاست آن کسی که آثار و نشانه‌های دین و اهل آن را زنده می‌کند؟)
- ۱۸ - أَيْنَ قَاصِمُ شَوْكَةِ الْمُعْتَدِينَ (کجاست آن کسی که شوکت و عزت تجاوزگران را در هم می‌شکند؟)
- ۱۹ - أَيْنَ هَادِمُ أُبْنِيَةِ الشَّرِكِ وَ النِّفَاقِ (کجاست آن کسی که بناهای شرک و نفاق و دورویی را ویران می‌کند؟)
- ۲۰ - أَيْنَ مُبِيدُ أَهْلِ الفُسُوقِ وَ العُصْيَانِ وَ الطُّغْيَانِ (کجاست آن کسی که اهل فسق و گناه و سرکشی را نابود می‌کند؟)
- ۲۱ - أَيْنَ حَاصِدُ فُرُوعِ الغَيِّ وَ الشُّقَاقِ (کجاست آن کسی که شاخه‌های گمراهی و نهال دشمنی و اختلاف را درو می‌کند؟)
- ۲۲ - أَيْنَ طَامِسُ آثَارِ الزَّيْغِ وَ الأَهْوَاءِ (کجاست آن کسی که آثار کجروی‌ها و هوی و هوسهای باطل را محو می‌کند؟)
- ۲۳ - أَيْنَ قَاطِعُ حَبَائِلِ الكِذْبِ وَ الإفْتِرَاءِ (کجاست آن کسی که رشته‌های دروغ و افتراء را نابود می‌کند؟)
- ۲۴ - أَيْنَ مُبِيدُ العُنَاةِ وَ المَرَدَةِ (کجاست آن کسی که سرکشان و متکبران را نابود می‌کند؟)
- ۲۵ - أَيْنَ مُسْتَأْصِلُ أَهْلِ العِنَادِ وَ التَّضْلِيلِ وَ الأَلْحَادِ (کجاست آن کسی که ریشه اهل عناد و گمراهی و بی‌دینی را بر می‌کند؟)
- ۲۶ - أَيْنَ مُعَزُّ الأَوْلِيَاءِ وَ مُذِلُّ الأَعْدَاءِ (کجاست آن کسی که به دوستان

عزت می بخشد و دشمنان را ذلیل می کند؟)

۲۷ - أَيْنَ جَامِعِ الْكَلِمَةِ عَلَى التَّقْوَى (کجاست آن کسی که سخنان متفرق و پراکنده را براساس تقوی گرد می آورد؟)

۲۸ - أَيْنَ بَابُ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُوتَى (کجاست آن درگاه الهی که از او وارد می شوند؟)

۲۹ - أَيْنَ وَجْهُ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ (کجاست آن وجه الله که دوستان به واسطه او به درگاه خدا روی می آورند؟)

۳۰ - أَيْنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ (کجاست آن وسیله اتصال بین اهل زمین و آسمان؟)

۳۱ - أَيْنَ صَاحِبُ يَوْمِ الْفَتْحِ وَ نَاشِرُ رَايَةِ الْهُدَى (کجاست صاحب روز فتح و پیروزی و برافراشته کننده پرچم هدایت؟)

۳۲ - أَيْنَ مُؤَلَّفُ شَمْلِ الصَّلَاحِ وَالرِّضَا (کجاست آن کسی که پریشانی‌ها و تفرقه‌های امت را برطرف نموده و دلها را خشنود کند؟)

۳۳ - أَيْنَ الطَّالِبُ بِذُخُولِ الْأَنْبِيَاءِ وَ أُنْبَاءِ الْأَنْبِيَاءِ (کجاست آن کسی که انتقام خون پیامبران و فرزندان پیامبران را می گیرد؟)

۳۴ - أَيْنَ الطَّالِبُ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ (کجاست آن کسی که انتقام خون شهید کربلا را می گیرد؟)

۳۵ - أَيْنَ الْمَنْصُورُ عَلَى مَنْ اغْتَدَى عَلَيْهِ وَ افْتَرَى (کجاست آن کسی که خداوند او را یاری می کند بر علیه کسانی که در حق او تجاوز کرده و به او افتراء زدند؟)

۳۶ - أَيْنَ الْمُضْطَرُّ الَّذِي يُجَابُ إِذَا دَعَى (کجاست آن مضطر و پریشان واقعی

که هنگامی که دعا می کند دعای او مستجاب می شود؟)

۳۷ - أَيْنَ صَدْرُ الْخَلَائِقِ ذَوَالْبِرِّ وَ التَّقْوَى (کجاست آن امام صدر نشین

خلایق که دارای اخلاق نیکو و تقوی است؟)

۳۸ - أَيْنَ ابْنُ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى وَ ابْنُ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى وَ ابْنُ خَدِيجَةَ الْغَرَاءِ وَ ابْنُ

فَاطِمَةَ الْكُبْرَى

(کجاست آن فرزند پیامبر حضرت محمد مصطفی ﷺ و فرزند علی مرتضی علیه السلام

و فرزند حضرت خدیجه صاحب سیمای نورانی و فرزند فاطمه زهرا علیها السلام؟)

با بررسی پسوندهای واژه اَیْن (کجاست) در می یابیم انتظار شیعه از یک

توسعه و میدان مفهومی بسیار بالایی برخوردار است؛ همچنین در روایات باب

انتظار، از انتظار دولت ما، انتظار امر ما، انتظار امر، انتظار نابودی دشمنان ما سخن

به میان آمده است. لازم به ذکر است که از یک دیدگاه، انتظار به دو قسم ایجابی

(سازنده) و سلبی (کوینده) نیز قابل تقسیم است، بنابراین لازم است به مسئله انتظار

با دیدی وسیعتر و افقی نو نگاه شود.

۱- لایه اول، نمای توحیدی

آنچه شیعه را به سوی یک انتظار فعال و یک نگرانی شدید می کشاند، تسلط

شرک و بت پرستی مدرن و غیرمدرن و ترویج بی خدائی و فقدان رنگ و بوی خدا

در نفوس انسانها و روابط حاکم بین آنهاست و به همین دلیل منتظران در انتظار

تکوین هسته مرکزی خواسته های خود یعنی توحید و یگانه پرستی در جوامع انسانی

هستند و در جستجوی بقیه الله، وجه الله، باب الله لحظه شماری می کنند.

قال الصادق عليه السلام - في قوله تعالى: إذا قام القائم لا يبقى أرض إلا نُودِيَ فيها
بشهادة أن لا إله إلا الله وأن محمداً رسول الله^۱

«چون قائم عليه السلام قیام فرماید در روی زمین جایی باقی نمی ماند مگر اینکه در
آن ندای شهادت به وحدانیت خدا و نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله بر می خیزد.»
در دعای ندبه می خوانیم:

أَيْنَ بَقِيَّةِ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُوا مِنَ الْعِثْرَةِ الْهَادِيَّةِ^۲

«کجاست آن بقیه الله که از خاندان پاک و هدایتگر بیرون نیست.»

این فراز از دعای ندبه نیز، از آیه ۸۶ سوره هود اقتباس شده است.

در روایتی از وجود مبارک حضرت باقر عليه السلام آمده است که فرمودند:
(هنگامی که مهدی عليه السلام ظاهر شود، پشت خود را به کعبه تکیه داده و سیصد و
سیزده نفر از یاران او در اطراف او حلقه می زنند، سپس اولین چیزی که
حضرت عليه السلام به آن نطق می کند این آیه شریفه است (بَقِيَّةِ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ أَنْ كُنْتُمْ
مُؤْمِنِينَ) سپس می گوید: (أنا بَقِيَّةِ اللَّهِ وَ حُجَّتِهِ وَ خَلِيفَتُهُ عَلَيْكُمْ فَلَا يُسَلَّمُ إِلَيْهِ مُسَلِّمٌ
إِلَّا قَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ.) «بقیه الله» من هستم، حجت خدا و
جانشین او در میان شما، من هستم. هیچ مسلمانی به او سلام نمی کند جز اینکه
خدمتش عرضه می دارد: سلام بر تو ای یکتا بازمانده خدا بر روی زمین.)^۳

خداوند می فرماید:..... وَ اتُّوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا^۴

«به خانه ها از درب های آنها وارد شوید»

۱. نورالثقلین ۱/۳۶۲/۲۲۹

۲. فرازی از دعای ندبه / مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی

۳. تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۳۱۳

۴. سوره بقره / آیه ۱۸۹

همچنین در دعای ندبه می‌خوانیم:

أَيْنَ بَابِ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُؤْتَى^۱ «کجاست آن درگاه الهی که از او وارد می‌شوند»

این جمله نیز اقتباسی از آیه ﴿وَأَتُوا الْبُيُوتَ...﴾ می‌باشد.

أسود بن سعید می‌گوید: در محضر امام باقر علیه السلام بودم که حضرت بدون اینکه من سؤالی از او بکنم فرمودند: «نَحْنُ حُجَّةُ اللَّهِ وَنَحْنُ بَابُ اللَّهِ وَنَحْنُ لِسَانُ اللَّهِ وَنَحْنُ وَجْهُ اللَّهِ وَنَحْنُ عَيْنُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَنَحْنُ وِلَاةُ أَمْرِ اللَّهِ فِي عِبَادِهِ»^۲ (مائیم حجت خدا و مائیم درگاه الهی و مائیم لسان الهی و مائیم وجه خدا و مائیم چشم خدا در میان خلق او و مائیم والیان امر خدا در میان بندگانش) در دعای ندبه می‌خوانیم:

أَيْنَ وَجْهُ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ^۳

«کجاست آن وجه الله که دوستان به واسطه او به درگاه خدا روی می‌کنند؟» در این تعبيرات امام زمان علیه السلام به عنوان بقیه الله و باب الله توصیف شده‌اند، چرا که ظهور و وجود او میل به عبادت، بندگی و پاکیزگی روح و شیطان ستیزی و شرک زدائی را در انسانها و جوامع انسانی تقویت کرده و ارتقاء می‌بخشد. منتظران در انتظار باب الله هستند، در انتظار «هَادِمُ ابْنِيَّةِ الشَّرِكِ وَ النَّفَاقِ»؛ (ریشه کن کننده بناهای شرک و نفاق) هستند.

امام علیه السلام خلیفه الله مطلق است، قرآن در این زمینه می‌فرماید:

۱. فرازی از دعای ندبه / مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی

۲. بصائر الدرجات: ص ۷۵ ح ۱

۳. فرازی از دعای ندبه / مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی

(و إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً)^۱

«و بیاد آور آن گاه که پروردگارت به ملائکه فرمود: من در زمین خلیفه بر گمارم»

حضرت رضا علیه السلام می فرمایند: الامامُ امینُ اللهِ فی أرضِهِ وَ حُجَّتُهُ عَلَی عِبَادِهِ وَ خَلِيفَتُهُ فی بِلَادِهِ^۲

«امام، امین خداوند در زمینش و حجت او بر بندگانش و جانشین او در سرزمین هایش است.»

آری رنگ غالب انتظار شیعه، رنگ توحیدی و صبغه الهی است و هدف اصلی و اساسی شیعیان، شرک زدائی از فرد و جامعه و جاری نمودن تفکر توحید و رفتار توحیدی می باشد. (أین هادمُ ابْنِةِ الشَّرْکِ وَ النِّفَاقِ)

۲- لایه دوم، مهدی علیه السلام عصاره انبیاء

شیعه، مهدی موعود ارواحنا له الفداء را عصاره، بلکه اشارت و بشارت حضور و ظهور تمامی اولیاء و انبیاء سلف می داند. او نه تنها منتقم خون و استیفاء کننده حق ضایع شده آنان است، بلکه از هر یک از انبیاء کمالی خلقی و یا خلقی، صورتی و یا سیرتی را به همراه دارد. او طول عمر آدم و نوح، زیبایی یوسف، قضاوت داوودی و جهاننداری و حشمت سلیمان را به همراه دارد. او آینه تمام نمای محمدی صلی الله علیه و آله و سلم و تداعی کننده سیرت و سیمای احمدی است.

مهدی علیه السلام ضمن استیفای حقوق مستضعفین حقیقی عالم انسانی، مجری

۱. سوره بقره / آیه ۳۰

۲. عیون اخبار الرضا (ع) ج ۱، ص ۲۱۹

اهداف و پیاده کننده آرمانهای انبیاء و اولیاء الهی در طول تاریخ است. در دعای ندبه می‌خوانیم: (أَيْنَ الطَّالِبِ بِدُخُولِ الْأَنْبِيَاءِ وَ أَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ، أَيْنَ الطَّالِبِ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَا) (کجاست آن کسی که انتقام خون پیامبران و فرزندان پیامبران را می‌گیرد؟ کجاست آن کسی که انتقام خون شهید کربلا را می‌گیرد؟) او نه تنها ولیّ خونهای به ناحق ریخته انبیاست، بلکه زمینه‌ساز ظهور انبیاست. با ظهور او حضرت مسیح علیه السلام و اولیای دیگر خدا نیز در صحنه حاضر خواهند شد و لذا انتظار ما، انتظار مسیح و اولیاء دیگر خدا نیز می‌باشد.

در روایات باب رجعت به حضور مجدد مؤمنین و موحّدین و تعدادی از انبیاء و اولیاء الهی تصریح شده است؛ به طور نمونه در حدیثی از وجود مبارک حضرت صادق علیه السلام آمده است که: (إِذَا قَامَ (يَعْنِي الْقَائِمَ) أَتَى الْمُؤْمِنَ فِي قَبْرِهِ فَيَقَالُ لَهُ: يَا هَذَا، إِنَّهُ قَدْ ظَهَرَ صَاحِبُكَ فَإِنْ تَشَاءُ أَنْ تَلْحَقَ بِهِ فَالْحَقْ وَإِنْ تَشَاءُ أَنْ تُقِيمَ فِي كِرَامَةِ رَبِّكَ فَأَقِمْ)^۱

«هرگاه قائم ظهور کند؛ در قبر به مؤمن گفته شود: ای فلان! آقایت ظهور کرده است، اگر خواهی به او ملحق شوی، برخیز و ملحق شو و اگر خواهی که در جوار کرامت پروردگارت بمانی، بمان»

و یا در روایتی دیگری از وجود مبارک امیرالمؤمنین علی علیه السلام آمده است که حضرتش فرمودند: (لَيَبْعَثَنَّ اللَّهُ أَحْيَاءَ مِنْ آدَمَ إِلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كُلِّ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ، يَضْرِبُونَ بَيْنَ يَدَيَّ بِالسَّيْفِ هَامَ الْأَمْوَاتِ وَالْأَحْيَاءِ وَالثَّقَلَيْنِ جَمِيعًا... وَإِنَّ لِي الْكَرَّةَ بَعْدَ الْكَرَّةِ وَالرَّجْعَةَ بَعْدَ الرَّجْعَةِ وَأَنَا صَاحِبُ الرَّجْعَاتِ وَالْكَرَّاتِ وَصَاحِبُ

الصَّوْلَاتِ وَ النَّقْمَاتِ (۱)

«خداوند همه پیامبران مرسل را از آدم تا محمد ﷺ زنده می کند که در خصوص (ولایت) من با شمشیر بر فرق سر مردگان و زندگان و همه جن و انس می کوبند... مرا بازگشت در پی بازگشت و رجعت در پی رجعت است و من صاحب این بازگشتهها و رجعتها و صاحب یورشها و انتقامها هستم.»

و یا در روایت دیگری حضرت صادق علیه السلام می فرمایند:

(يَخْرُجُ مَعَ الْقَائِمِ عليه السلام مِنْ ظَهْرِ الْكُوفَةِ سَبْعٌ وَعِشْرُونَ رَجُلًا خَمْسَةَ عَشَرَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامِ الَّذِينَ كَانُوا يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ وَ سَبْعَةَ مِنْ أَهْلِ الْكَهْفِ وَ يُوشَعَ بْنِ نُونٍ وَ سَلْمَانَ وَ أَبُودْجَانَةَ الْأَنْصَارِيَّ وَ الْمُقْدَادُ وَ مَالِكُ الْأَشْتَرِ فَيَكُونُونَ بَيْنَ يَدَيْهِ أَنْصَارًا وَ حُكَّامًا)

«همراه قائم علیه السلام بیست و هفت نفر از پشت کوفه ظهور می کنند، پانزده تن آنان از قوم موسی علیه السلام هستند، همانان که به راه حق هدایت می کردند و به عدالت فرا می خواندند؛ هفت نفر از اصحاب کهف هستند و نیز یوشع بن نون و سلمان و ابودجانه انصاری و مقداد و مالک اشتر که همگی در خدمت او و از یاران و کارگزاران وی هستند.»

۳- لایه سوم، قدرت و سیاست

با نگاهی عمیق و محققانه به بستر تاریخ و سرنوشت ادیان و اولیاء مصلح در می یابیم یکی از اهداف اساسی آنها در دست گرفتن قدرت و سیاست و در هم

۱. البحار: ۲۰/۲۷/۵۳

۲. بحار الانوار: ۹۵/۹۰/۵۳

آمیختن دیانت و سیاست بوده است. از مبارزات ابراهیمی گرفته تا مجاهدتهای موسوی و عیسوی و محمدی علیه السلام از نهضتهای بزرگ و اقدامات علوی، فاطمی و حسینی گرفته تا خرده نهضتهای اصلاحی دیگر، همه و همه در برابر قدرتهای سیاسی حاکم و ماجراجویان غیر صالحی بوده که تا حد ربوبیت تکوینی و تشریحی (أنا ربکم الأعلى) پیش رفته‌اند و خود را قیّم و قانون گذار حدود و قوانین و اجرای احکام آن دانسته‌اند.

مبارزه جدی شیعه و امامان شیعه بر اساس باز پس گیری قدرت و سیاست از دست سفیهان سیاسی و در اختیار گرفتن نظام سیاسی بر اساس نظام ولایت و امامت بوده است. این مبارزه و جدال حق با باطل و یا نیروهای حق نما هنوز به نتیجه لازم نرسیده تا حدی که اسطوره این قدرت، هنوز در پس پرده غیبت در انتظار ورود به عرصه اجتماع جهانی می‌باشد.

ولاء سیاسی اهل بیت علیهم السلام هیچگاه به فعلیت مطلق نرسیده و همواره همچون فدک حضرت زهرا علیها السلام در دست غاصبان بوده است و لذا یکی از ارکان اساسی انتظار منتظران، انتظار قدرت اسلام و انتظار سیاست الهی اسلام است.

در دعای ندبه از حضرت حجت علیه السلام به صدر الخلائق یاد می‌شود. او همه نژادهای سفید و سیاه، سرخ و زرد و سفید و همه زبانها و قومیت‌ها و ادیان را صدارت معنوی و سیاسی می‌بخشد و نه تنها در بین آنان صلح و سازگاری را برقرار می‌نماید بلکه در بین وحوش، بذر مهر و زندگی مسالمت آمیز را می‌افشاند و بین آنان صلح پایدار را برقرار می‌نماید. او با قطع ریشه‌های کهن ظلم و پیداد، پشت ستمگران را می‌شکند و طعم شیرین عدالت را به همه می‌چشاند. (أین المَعْدُ لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ)؛ کجاست آن کسی که برای قطع کردن ریشه ستمکاران آماده و تهیه شده است؟)

قال الباقر عليه السلام: (يَقُومُ الْقَائِمُ بِأَمْرٍ جَدِيدٍ وَ كِتَابٍ جَدِيدٍ وَ قِضَاءٍ جَدِيدٍ عَلَى الْعَرَبِ شَدِيدٍ، لَيْسَ شَأْنُهُ إِلَّا السَّيْفُ، لَا يَسْتَتِيبُ أَحَدًا وَ لَا يَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ) ^۱
 «قائم قیام می کند در حالی که فرمانی تازه، کتابی تازه و قضاوتی تازه می آورد. بر عربها سخت می گیرد، سروکارش با شمشیر است، کسی را توبه نمی دهد و در راه خدا به سرزنش هیچ نکوهشگری توجه نمی کند.»

قال السَّجَّاد عليه السلام: (إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ عَنِ شِيعَتِنَا الْعَاهَةَ وَ جَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَزُبْرِ الْحَدِيدِ وَ جَعَلَ قُوَّةَ الرَّجُلِ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَ يَكُونُونَ حُكَّامَ الْأَرْضِ وَ سَنَامَهَا) ^۲

«زمانی که قائم ما قیام کند خداوند آفت را از شیعیان ما بزداید و دل‌های آنان را چون پاره‌های آهن (سخت و تزلزل ناپذیر) کند و هر مرد آنان را قدرت چهل مرد بدهد. آنان فرمانروا و سالار جهان خواهند بود.»

آری انتظار شیعه فقط انتظار شخص امام نیست، بلکه انتظار شخصیت الهی امام عليه السلام و انتظار همه امامان و نظام امت است. در این زمینه اگر عقیده اختصاصی شیعه یعنی عقیده به رجعت و بازگشت ائمه طاهرين عليهم السلام نیز اضافه شود وسعت دیدگاه شیعه در این خصوص واضحتر خواهد شد. در زیارت جامعه چنین می خوانیم: (أَشْهَدُ لِلَّهِ وَ أَشْهَدُكُمْ أَنِّي... مُؤْمِنٌ بِأَيَابِكُمْ مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُمْ مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ)؛ «خدا را و شما را گواه می گیرم که من... به باز آمدن شما ایمان دارم و رجعت شما را تصدیق می کنم، منتظر امر (حکومت) شما هستم و در آرزوی دولت شما هستم.» ^۳

۱. الغيبة للنعماني: ۱۹/۲۳۳

۲. مشكاة الانوار: ۷۹

۳. التهذيب: ۱۷۷/۹۸/۶

هنگامی که عقیده به انتظار و عقیده به رجعت در هم گره خورد تاریخی روشن و سراسر نور را در مقابل می‌گشاید و معلوم می‌گردد انتظار موعود انتظار جریان امامت و امامان است، نه انتظار امامی واحد و جریانی کوتاه مدت.

با این دیدگاه جملات (أَيْنُ الْحَسَنِ أَيْنَ الْحُسَيْنِ أَيْنَ أَبْنَاءِ الْحُسَيْنِ) فقط نگاه به گذشته مصیبت بار تاریک تاریخ نیست، فقط یادآوری گذشته و مصائب فرزندان زهرا سلام الله علیها نیست، بلکه نگاهی به آینده و تاریخ روشن در فراراه تمدن انسانی و اسلامی است. أَيْنُ الْحَسَنِ أَيْنَ الْحُسَيْنِ به علامت انتظار دوران شکوفائی حکومت ائمه طاهرین علیهم السلام و عقیده به دولت و رجعت آنان و نگاهی سبز توأم با پیروزی و موفقیت برای پیشوایان و پیروان جبهه حق می‌باشد.

قال الصادق عليه السلام: (إِنَّ لَنَا دَوْلَةً يَجْتَنِي اللَّهُ بِهَا إِذَا شَاءَ ثُمَّ قَالَ مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ)^۱

«همانا برای ما اهل بیت دولتی است که خداوند هر زمانی که بخواهد آن را می‌آورد. سپس حضرت فرمودند: هر کس خوشحال است (یعنی خواهان است) از اینکه از یاران قائم عليه السلام باشد باید منتظر او باشد.»

قال الصادق عليه السلام: (أَوَّلُ مَنْ تَنْشَقُّ الْأَرْضُ عَنْهُ وَيَرْجِعُ إِلَى الدُّنْيَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ)^۲

«نخستین کسی که زمین (قبر) به روی او شکافته می‌شود و به دنیا بر می‌گردد حسین بن علی عليه السلام است.»

قال الصادق عليه السلام: (أَوَّلُ مَنْ يَرْجِعُ إِلَى الدُّنْيَا، الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ)

۱. فرازی از دعای ندبه

۲. منتخب الاثر ج ۳ ص ۲۱۰

۳. البحار: ۱/۳۹/۵۳

فَيَمْلِكُ حَتَّى يَسْقُطَ حَاجِبَاهُ عَلَى عَيْنَيْهِ مِنَ الْكِبَرِ) ^۱

«نخستین کسی که به دنیا بر می‌گردد حسین بن علی علیه السلام است او چندان

فرمانروایی می‌کند که بر اثر پیری ابروانش بر روی چشمانش فرو می‌افتد»

قال الصادق علیه السلام: (فی قول الله عزوجل - إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادِكُمْ

إِلَىٰ مَعَادٍ - : لا والله لا تنقضي الدنيا و لا تذهب حتى يجتمع رسول الله صلى الله عليه وآله و علي

بالتوبة فيلتقيان و بينان بالتوبة مسجداً له اثنا عشر الف باب ^۲

امام صادق علیه السلام «در باره آیه «آن که قرآن را بر تو نازل کرده است تو را به

وعده گاهت باز می‌گرداند» فرمود: به خدا سوگند دنیا به آخرت نرسد و نابود

نشود تا آن که رسول خدا صلى الله عليه وآله و علی علیه السلام در توبه گرد آیند و دیدار کنند و در آن

جا مسجدی بسازند که دوازده هزار درب دارد»

و یا در دعای افتتاح چنین می‌خوانیم: (اللَّهُمَّ اِنَّا نَرْغَبُ اِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ،

تُعْزِبُ بِهَا الْاِسْلَامَ وَاَهْلَهُ وَاَهْلَهُ وَاَهْلَهُ) ^۳

«خداوند! ما دولت با کرامتی را از لطف تو مشتاق هستیم که به آن اسلام و

اهلش را عزیز کنی و نفاق و اهلش را ذلیل گردانی.»

۴- لایه چهارم، احیاء و اجراء دیانت

از زشت‌ترین پدیده‌های تاریخ این است که انسان‌ها به دلائل نفسانی یا به

اجبار جباران و زورمداران و یا به دلائل خاص فکری همچون ضعف فکر و یا

وجود شبهات فکری و عقیدتی و کج رفتاریهای مدعیان دینی از دین مدارای و

۱. البحار: ۲۹/۴۶/۵۳

۲. البحار: ۱۷/۱۱۳/۵۳

۳. مفاتیح الجنان، فرازی از دعای افتتاح

باور دینی و یا عمل دینی فاصله گرفته‌اند. زحمت طاقت فرسای پیامبران الهی در طول تاریخ نتیجه کمی را به همراه داشته است، هر چند خط فکر و اندیشه آنان در بستر تاریخ ترسیم یافته و رهروانی پیدا کرده‌اند، اما توأم با نوعی تحریف و اختلاف و چندگانگی بوده و زلال دیانت آنان به دست تحریف گران و منافقان و یا تحت اجبار ستمگران به دگرگونی یا حذف و اضافه دچار شده است.

منتظر خالص و صادق در انتظار دیانت بی‌شائبه و قانون خالص به دور از تحریفها، پیرایه‌ها و خرافات و یا اضافات و نوآوری‌هاست. در دعای ندبه چنین زمزمه می‌کنیم:

أَيْنَ مُحِبِّي مَعَالِمِ الدِّينِ وَ أَهْلِهِ (کجاست آن کسی که آثار و نشانه‌های دین و اهل آن را زنده می‌کند؟)

أَيْنَ أَغْلَامِ الدِّينِ وَ قَوَاعِدِ الْعِلْمِ (کجايند آن نشانه‌ها و راهبران دین و پایه‌ها و ستونهای دانش؟)

أَيْنَ الْمُؤَمِّلُ لِأَحْيَاءِ الْكِتَابِ وَ حُدُودِهِ (کجاست آن کسی که برای زنده کردن قرآن و حدود آن، آرزو شده است؟)

این عبارات بیانگر این است که انتظار نه تنها در موضوع حضور یک انسان کامل برای اجرای منویات سیاسی است، بلکه معرفی و اجرای دین خالص و ناب نیز در دستور کار آن منجی آسمانی است.

قال على عليه السلام: يَعْطِفُ الْهَوَى عَلَى الْهُدَى إِذَا عَطَفُوا الْهُدَى عَلَى الْهَوَى وَ يَعْطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ... تَخْرُجُ لَهُ الْأَرْضُ أَفَالِيدَ كَبِدِهَا وَ تُلْقَى إِلَيْهِ سَلْمًا مَقَالِيدَهَا فَيُرِيكُمْ كَيْفَ عَدْلُ السُّرَّةِ وَ يُخْبِي مَيْتَ الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ
«خواهش نفسانی را به هدایت بازگرداند، هنگامی که هدایت را تابع هوی

ساخته‌اند و رأی آنان را پیرو قرآن کند آن گاه که قرآن را تابع رأی خود کرده باشند... زمین پاره‌های جگر خود (گنجینه‌هایش) را برای او برون اندازد و کلیدهای خویش را تسلیم او کند. پس او روش عادلانه را به شما نشان دهد و مرده کتاب و سنت را جان بخشد.»

قال الصادق عليه السلام: في قوله تعالى: (وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا)؛ - إذا قام القائم عليه السلام لا يبقى أرض إلا تُودى فيها بشهادة أن لا إله إلا الله وأن محمداً رسول الله.^۱

امام صادق عليه السلام درباره آیه «و هر که در آسمانها و زمین است، خواسته یا ناخواسته، تسلیم شد» فرمودند: زمانی که قائم عليه السلام قیام کند، سرزمین باقی نمی‌ماند که در آن ندای شهادت به وحدانیت خدا و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله بلند نشود.

همچنین در دعای غیبت امام زمان عليه السلام از خداوند تبارک و تعالی تقاضا می‌کنیم:
(اللَّهُمَّ وَ أَخِي بُولِيكَ الْقُرْآنَ وَ... وَ أَقِمْ بِهِ الْحُدُودَ الْمُعْطَلَةَ وَالْأَحْكَامَ الْمُهْمَلَةَ حَتَّى لَا يَبْقَى حَقٌّ إِلَّا ظَهَرَ وَ لَا عَدْلٌ إِلَّا زَهَرَ)

«خدایا، به وسیله ولایت قرآن را زنده کن و... و به وسیله او حدودی که تعطیل شده و احکامی که کنار گذاشته شده را پابرجا کن تا اینکه هیچ حقی باقی نماند جز اینکه ظاهر گردد و هیچ عدلی نماند مگر اینکه درخشان شود.»

و یا در دعای افتتاح از درگاه الهی درخواست می‌کنیم: اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ الدَّاعِيَ إِلَى كِتَابِكَ وَ الْقَائِمَ بِدِينِكَ...^۲: خداوندا او را خواننده به سوی کتابت و قائم بر دینت بگردان...»

۱. نورالتقلین، ۱/۳۶۲/۲۲۹

۲. مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی ص ۹۸۸ منتخب الاثر ج ۳، ص ۲۲۴

۳. مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی: ص ۳۲۹

۵- لایه پنجم، انتظار فضیلتها و ارزشها

الف) وحدت و یکپارچگی

آنچه امروزه برای بشر آزار دهنده و جانکاه شده است فقدان وحدت و حاکمیت سیاسی و وجود اختلافات گوناگون و دل‌رمیدگی‌های متعدد و متنوع است. وجود این اختلافات آنقدر خسته کننده و تنفرآمیز است که جبهه باطل را به نوعی وحدت گرائی و جهانی سازی تصنعی و اجباری براساس قدرت، خیانت و ثروت نموده است، در حالیکه وحدت ماندنی و ایده آل بشر، وحدت براساس قانون و خدامحوری آن هم نه قانون بشری بلکه قانون الهی آسمانی است که از آن به تقوی یاد می‌شود.

پدیده اختلاف در بین آحاد بشر دارای تأثیرات منفی همچون افسردگی و پوچ‌گرایی و در نظام خانوادگی طلاق و جدایی می‌باشد. یکی از مهمترین ارکان انتظار، وحدت و همگرایی اصولی و پایدار با محوریت توحید فطرت انسانها و دیانت و عدالت است. قرآن کریم در این خصوص می‌فرماید:

(۱) **إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ** (همانا دین پسندیده نزد خدا آئین اسلام است)^۱

(۲) **كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا** (و کلمه (و اراده‌ی) خداوند همواره برتر (و پیروز)

است)^۲

(۳) **هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ**

لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ^۳

۱. سوره آل عمران / ۱۹

۲. سوره توبه / ۲۰

۳. سوره توبه / ۳۳

(اوست خدایی که رسول خود را با دین حق به هدایت خلق فرستاد تا بر همه ادیان عالم، تسلط و برتری دهد، هر چند مشرکان ناراضی و مخالف باشند) در دعای ندبه این رکن انتظار با این جملات بیان می‌شود:

✓ **أَيْنَ جَامِعِ الْكَلِمَةِ عَلَى التَّقْوَى** (کجاست آن کسی که سخنان متفرق و پراکنده را براساس تقوی گرد می‌آورد؟)

✓ **أَيْنَ مُؤَلَّفِ شَمْلِ الصَّلَاحِ وَالرِّضَا** (کجاست آن کسی که پریشانی‌ها و تفرقه‌های امت را برطرف نموده و دلها را خشنود کند؟)

✓ **أَيْنَ صَدْرُ الْخَلَائِقِ ذَوَابِرٍ وَالتَّقْوَى** (کجاست آن امام صدرنشین خلایق که دارای اخلاق نیکو و تقوی است؟)

✓ **أَيْنَ صَاحِبِ يَوْمِ الْفَتْحِ وَ نَاشِرِ رَايَةِ الْهُدَى** (کجاست آن صاحب روز فتح و پیروزی و برافراشته کننده پرچم هدایت؟)

ب) عدالت، امنیت و شکوفایی

زشت‌تر از پدیده بی‌دینی و عبور از مرزهای دیانت و تقوی، عدول و عبور از اصول و قواعد انسانی و تجاوز از آنها و حاکمیت مطلق نفسانیت و هواپرستی است.

همان که سیدالشهداء علیه السلام فرمود: (يا شيعَةَ آلِ ابي سفيان! ان لم يكن لكم دين و كنتم لا تخافون المعاد فكونوا احراراً في دنياكم)۱

«ای پیروان خاندان ابي سفيان! اگر دین ندارید و از روز جزا نمی‌هراسید، لااقل در زندگی آزاد مرد باشید»

این کلام حضرت روشن می‌کند؛ انبیاء و اولیاء تعلیمات و توصیه‌هایی حداکثری و حداقلی داشته‌اند و توقع آنها در ابتدا تبعیت انسانها از اسلام و قوانین الهی می‌باشد، ولی در صورت مقاومت انسانها در برابر دین، حداقل خواستار برقراری اصول انسانی قابل احترام و ارزشهای انسانی می‌باشند.

عدالت و امنیت از جمله اصول انسانی قابل احترام است که در دنیای پرهیاهوی امروزی یا هیچ اسم و رسمی از آن باقی نمانده یا فقط اسم و رسمی از آن مانده و شیاطین قدرت پرست و غاصب با طرح شعار آن، به فریب مردم پرداخته و در زیر نقاب عدالت و امنیت، خود عامل مهم بی‌ثباتی و بی‌عدالتی می‌باشند.

صحنه سیاست جهانی و نگاهی اجمالی به نهادهای بین‌المللی مدافع حقوق بشر به عنوان نهادهای رسمی مدافع این حقوق و حدود، شاهد عمق این فاجعه انسانی است.

قرآن کریم، انبیاء را به قائم بلکه قوام قسط معرفی می‌نماید و از مؤمنین خواسته تا همگی از قوأمین به قسط باشند. نام مبارک حضرتش قائم است و مؤمنین با شنیدن این لفظ باید به قیام برخیزند، چرا که قیام جهت اجرای عدالت و ایجاد امنیت در آینه روایات از مهمترین ارکان انتظار است. عهد حکومت مهدوی در بعد عدالت گستری و ایجاد امنیت چنین توصیف شده است:

قال رسول الله ﷺ: (يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ خَلِيفَةٌ يَقْسِمُ الْمَالَ وَ لَا يَعْدُهُ) ۱

«در آخر الزمان خلیفه‌ای خواهد آمد که مال را بی‌شمار تقسیم می‌کند.»

قال رسول الله ﷺ: (فَيَمْلُؤُهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا فَلَا تَمْنَعُ

السَّمَاءُ شَيْئاً مِنْ قَطْرِهَا وَلَا الْأَرْضُ شَيْئاً مِنْ نَبَاتِهَا^۱

«او زمین را، همچنان که آکنده از ستم و بیداد شده از عدل و داد پر می کند، آسمان از فرو ریختن نزولاتش هیچ دریغ نمی کند و زمین از رویاندن گیاهان امتناع نمی نماید.»

قال علي عليه السلام: (لَوْ قَدَّ قَامَ قَائِمُنَا لَأَنْزَلَتْ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَ لَأَخْرَجَتْ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا وَ لَذَهَبَتْ الشَّخْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ وَ اصْطَلَحَتْ السَّبَاعُ وَ الْبَهَائِمُ، حَتَّى تَمْشِيَ الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ إِلَى الشَّامِ لَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى النَّبَاتِ وَ عَلَى رَأْسِهَا زَيْتُهَا (زَنْبِيلُهَا) لَا يَهِيْجُهَا سَبْعٌ وَ لَا تَخَافُهُ)^۲

«زمانی که قائم ماقیام کند، آسمان نزولات خود را فرو ریزد و زمین گیاهانش را برویاند و کینه و دشمنی از دل‌های بندگان رخت بریندد و درندگان و چرندگان با هم بسازند، چندان که زنان زیور (زنبیل - خ ل) به سر، عراق را تا شام می پیمایند و جز بر علف و سبزه گام نمی نهند و هیچ درنده‌ای آنان را آشفته و هراسان نمی کند.»

ج) معنویت، عدالت

انسان به صورت موجودی دو بعدی در اصل خلقت و نهاد خود خلق شده است و دارای دو نوع نیاز مادی و معنوی است. لیکن یکی از انحرافات تاریخ در نوع نگاه به انسان و رفع نیازمندیهای او، نگاه انحصاری مادی و غفلت از بعد معنوی و نیازهای اوست. البته خواهشهای نفسانی و متنوع انسان و تکنولوژی و پیشرفت علمی او نیز در خدمت همین نگاه مادیگرانه آمده و سرعت و سهولت

۱. کنز العمال ۳۸۶۶۹

۲. البحار، ۱۰/۴/۱۰۱

دستیابی به ابعاد گوناگون مادیت را برای او فراهم آورده است. مکتب انبیاء که مکتب واقع گرایی و تعادل و توازن است هر دو بعد انسانی و هر دو نیاز او را در کنار هم می بیند و معنویت انسان را نیز همچون مادیت او مورد ملاحظه قرار می دهد.

یکی از ویژگیهای انتظار و یکی از ارکان مهم انتظار، انتظار معنویت و آسمانی شدن انسان خسته و بسته در بند مادیت است. از فلسفه های غیبت، شکست همه طرحها و تئوری ها و مکاتب عرضه شده به انسان و انسانیت است تا او خود به عنوان موجودی نیازمند به معنویت، در پی معنویت اصیل و ماندگار برآید.

قال الصادق علیه السلام: (إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَأْتِيكُمْ إِلَّا بَعْدَ أَيَّاسٍ لَا وَاللَّهِ حَتَّى تُمَيِّزُوا)^۱

«به خدا قسم این امر (ظهور) به سراغتان نیاید مگر پس از آن که به کلی نومید شوید، نه به خدا، مگر پس از آن که (سره و ناسره) شما از هم باز شناخته شوید.»

قال الرضا علیه السلام: (إِنَّمَا يَجِيءُ الْفَرَجُ عَلَى الْيَأْسِ)^۲

«همانا فرج و گشایش پس از نومیدی می آید.»

قال الصادق علیه السلام: (مَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى لَا يَبْقَى صِنْفٌ مِنَ النَّاسِ إِلَّا وَقَدِ وُتُوا

عَلَى النَّاسِ حَتَّى لَا يَقُولَ قَائِلٌ: إِنَّا لَوْ وُلِينَا لَعَدَلْنَا! ثُمَّ يَقُومُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ وَالْعَدْلِ)^۳

«این کار (قیام قائم علیه السلام) رخ نخواهد داد تا آن که هر گروه و دسته ای

حکومت بر مردم را به دست گیرد تا کسی نگوید اگر حاکم می شدیم عدالت را

می گسترانیم؛ بعد از این، قائم حق و عدل گستر قیام می کند.»

۱. البحار: ۲۰/۱۱۱/۵۲

۲. البحار: ۱۷/۱۱۰/۵۲

۳. الغيبة للنعمانی: ۵۲/۲۷۴

۶- لایه ششم، انتظار ظهور امام عصر علیه السلام

یکی از لایه‌های مهم انتظار که تضمین کننده لایه‌های دیگر نیز هست، انتظار ظهور امام عصر علیه السلام از پس پرده غیبت و ورود و حضور ایشان در صحنه گیتی به جهت اجرای سیاست و اصول دیانت می‌باشد. در این زمینه، روایات متعدد است که به شماری از آن، اشاره می‌کنیم:

قال الصادق علیه السلام: الْمُنتَظِرُ لِلثَّانِي عَشَرَ كَالشَّاهِرِ سَيِّفُهُ بَيْنَ يَدَي رَسولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَذِبُ عَنْهُ^۱

«کسی که منتظر و چشم به راه امام دوازدهمین باشد، مانند کسی است که با شمشیر آخته از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دفاع می‌کند.»

قال السَّجَّادُ علیه السلام: تَمَّتْ الغَيْبَةُ بِوَلِيِّ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ الثَّانِي عَشَرَ مِنْ أَوْصِيَاءِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ الْاِئِمَّةِ بَعْدَهُ، إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ الْقَائِلِينَ بِامَامَتِهِ وَ الْمُنتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ^۲

«غیبت ولی خدا و دوازدهمین وصی پیغمبر خدا و امامان بعد از پیغمبر صلی الله علیه و آله امتداد پیدا می‌کند. اهل زمان غیبت آن حضرت که معتقد به امامت و منتظر ظهور او باشند، از اهل هر زمان برترند.»

قال الصادق علیه السلام: (يا ابا بصير، طُوبَى لِشِيعَةِ قَائِمِنَا الْمُنْتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ وَ الْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ)^۳

«ای ابابصیر! خوشا به حال شیعیان قائم ما، کسانی که در غیبتش منتظر ظهور

۱. البحار: ۲۴/۱۲۹/۵۲

۲. منتخب الاثر، ج ۲، ب ۲۴، ح ۱

۳. منتخب الاثر، ج ۳، ص ۲۴۱ و کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۹

او هستند و در حال ظهورش نیز فرمانبردار اویند.

قال الصادق عليه السلام (هو المفرج للكرب عن شيعته بعد ضنك شديد و بلاء طویل و جور)^۱

«او (مهدی) برطرف کننده گرفتاری و پریشانی شدید از شیعیان پس از تحمل ظلمهای فراوان خواهد بود.»

۷- لایه هفتم، لایه تخریب و کوبندگی

یکی از لایه‌ها و مراتب انتظار، انتظار در هم شکستن ستم و ستمگران، نفاق، شرک، بنا و بنیانهای آنان و ریشه کنی دروغ، دغلبازی، عصیان و گناه است. این مرحله از انتظار از جهت عملی، مقدمه حرکتهای ایجابی است و زمینه‌های ظهور امنیت و دیانت و عدالت مطلق را فراهم می‌آورد.

در تفسیر آیه شریفه ۵۲ سوره توبه از امام محمد باقر عليه السلام آمده است:

قال الله عزوجل لنبيه صلى الله عليه وآله: (قُلْ تَرَبُّصُوا فَإِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ)

و التَّربُّصُ إنتظار و وقوع البلاء باعدائهم^۲

خداوند عزوجل به پیامبرش صلی الله علیه و آله فرمود: (بگو شما در انتظار باشید که ما هم با شما، منتظر کار شما هستیم) که امام باقر عليه السلام در تفسیر آیه شریفه فرمودند: التَّربُّصُ یعنی انتظار بلاء و سختی به دشمنان‌شان.

در دعای ندبه در این خصوص آمده است:

✓ أَيْنَ قَاصِمٍ شَوْكَةِ الْمُعْتَدِينَ (کجاست آن کسی که شوکت و عزت

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۵۴۱

۲. تفسیر نور الثقلین، ج ۳ ص ۱۲۴

تجاوز گران را در هم می شکنند؟)

✓ **أَيْنَ هَادِمِ أَيْبَةِ الشُّرْكِ وَالنَّفَاقِ** (کجاست آن کسی که بناهای شرک و نفاق و دورویی را ویران کند؟)

✓ **أَيْنَ مُبِيدِ أَهْلِ الْفُسُوقِ وَالْعِصْيَانِ وَالطُّغْيَانِ** (کجاست آن کسی که اهل فسق و گناه و سرکشی را نابود می کند؟)

✓ **أَيْنَ حَاصِدِ فُرُوعِ الْغِيِّ وَالشُّقَاقِ** (کجاست آن کسی که شاخه های گمراهی و نهال دشمنی و اختلاف را درو می کند؟)

✓ **أَيْنَ قَاطِعِ حَبَائِلِ الْكِذْبِ وَالْاِفْتِرَاءِ** (کجاست آن کسی که رشته های دروغ و افتراء را نابود می کند؟)

✓ **أَيْنَ مُبِيدِ الْعُتَاةِ وَالْمَرَدَّةِ** (کجاست آن کسی که سرکشان و متکبران را نابود می کند؟)

✓ **أَيْنَ مُسْتَأْصِلِ أَهْلِ الْعِنَادِ وَالتَّضْلِيلِ وَالْإِلْحَادِ** (...و کجاست آن کسی که ریشه اهل عناد و گمراهی و بی دینی را می کند؟)

اقسام انتظار (صادق و کاذب)

در جوهره انتظار، امیدواری و رجاء به عنوان یک مفهوم و حالت اخلاقی نقش اساسی دارد. رجاء و امیدواری از واژه‌های مثبت اخلاقی بوده که در قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام بر آن پافشاری بسیار شده است.

در بررسی آیات شریفه قرآن کریم مجموعه‌ای از آیات با دید ایجابی، در شمارش صفات مؤمنین و موحدین، امید به خدا و لقاء خدا و جزای آخرت را از پشتوانه‌های اعتقادی و انجام عمل صالح و تبعیت از رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌شمارد.

✓ (إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورًا)^۱

«آنها که کتاب خدا را تلاوت کرده و نماز را به پا می‌دارند و از آنچه خدا روزیشان فرموده پنهان و آشکار به فقیران انفاق می‌کنند، امید تجارتي دارند که هرگز زیان و زوال نخواهد یافت.»

✓ (قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا)^۲

«بگو من بشری مثل شما هستم، به من وحی می‌رسد که خدای شما خدای

۱. سوره فاطر / آیه ۲۹

۲. سوره کهف / آیه ۱۱۰

یکتاست و هر کس امید لقای او را دارد پس باید عمل صالح انجام دهد و در عبادت پروردگارش کسی را شریک قرار ندهد.»

✓ (لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا)^۱

«البته شما را در اقتدای به رسول خدا (چه در صبر و مقاومت با دشمن و چه دیگر اوصاف و افکار او) سرمشق نیکویی است برای آن کس که به خدا و روز قیامت امیدوار باشد و یاد خدا بسیار کند.»

از طرف دیگر قرآن، افرادی را که امید به لقاء خدا و آخرت ندارند مورد عتاب و سرزنش قرار می دهد.

✓ (إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَ رَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ)^۲

«البته آنهایی که به لقاء ما دل بسته و امیدوار نیستند و به زندگی حیوانی پست دنیا دلخوش و دل بسته اند و آنهایی که از آیات و نشانه های ما غافلند.»

✓ (وَ لَوْ يُعَجِّلُ اللَّهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ اسْتِعْجَالَهُمْ بِالْخَيْرِ لَقُضِيَ إِلَيْهِمْ أَجْلُهُمْ فَنَدَّرُ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ)^۳

«و اگر خداوند برای مردم به همان شتاب که برای خود خیر می طلبند در رساندن بلا به آنان شتاب می نمود، قطعاً اجلشان فرا رسیده بود، پس کسانی را که به دیدار ما امید (و باور) ندارند به حال خود رها می کنیم تا در سرکشی خویش سرگردان بمانند.»

۱. سوره احزاب / آیه ۲۱

۲. سوره یونس / آیه ۷

۳. سوره یونس / آیه ۱۲

✓ (وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ لِقَائِهِ أُولَئِكَ يَأْسُوا مِنْ رَحْمَتِي وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ)^۱

«و آنان که به آیات خدا و شهود لقای او کافر شدند آنها از رحمت من ناامیدند و به عذاب دردناک گرفتار خواهند شد.»

✓ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَسُؤُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَسُؤَ الْكُفَّارُ مِنَ أَصْحَابِ الْقُبُورِ)^۲

«ای اهل ایمان هرگز قومی را که خدا بر آنان غضب کرده یار و دوستدار خود مگیرید، آنها از عالم آخرت به کلی مأیوسند چنان که کافران از اهل قبور نومیدند.»

و در دسته‌ای دیگر از آیات، از قنوط به صورت کنایه و یا صریحاً نهی شده است:

✓ (قَالَ وَمَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ)^۳

«(ابراهیم) گفت: جز مردم گمراه و نادان، چه کسی از لطف و رحمت پروردگارش مأیوس می‌شود؟»

✓ (قَالُوا بَشِّرْنَاكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْقَانِطِينَ)^۴

«گفتند ما تو را به حق بشارت می‌دهیم پس از ناامیدان مباش.»

✓ (قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ

۱. سوره عنکبوت / آیه ۲۳

۲. سوره ممتحنه / آیه ۱۳

۳. سوره حجر / آیه ۵۶

۴. سوره حجر / آیه ۵۵

يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً، إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ^۱

«بگو، به بند گانم که (به عصیان) اسراف بر نفس خود کردند، هرگز از رحمت (نامنتهای) خدا نا امید مباشید، البته خدا همه گناهان شما را خواهد بخشید که او خدائی بسیار آمرزنده و مهربان است.»

✓ (يَا بَنِيَّ إِذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَأْتِسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَأْتِسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ)^۲

«ای فرزندان من بروید و از حال یوسف و برادرش تحقیق کرده و از رحمت خدا نومید مباشید که هرگز جز کافران هیچکس از رحمت خدا نومید نمی شود.»

و اما در یک بررسی اجمالی در آیات و روایات و متون دیگر امید و رجاء و انتظار به دو قسم صادق و کاذب خردمندانه و نابخردانه و... تقسیم شده است:

قال الباقر عليه السلام: إِيَّاكَ وَالرَّجَاءَ الْكَاذِبَ فَإِنَّهُ يُوقِعُكَ فِي الْخَوْفِ الصَّادِقِ^۳

«از امید دروغین پرهیز که تو را گرفتار ترس حقیقی می کند.»

قال علي عليه السلام - لِرَجُلٍ سَأَلَهُ أَنْ يَعِظَهُ - :

(لَا تَكُنْ مِمَّنْ يَرْجُوا الْآخِرَةَ بِغَيْرِ الْعَمَلِ وَ يَرْجَى التَّوْبَةَ بِطُولِ الْأَمَلِ، يَقُولُ فِي

الدُّنْيَا بِقَوْلِ الزَّاهِدِينَ وَ يَعْمَلُ فِيهَا بِعَمَلِ الرَّاغِبِينَ)^۴

حضرت علی عليه السلام در پاسخ به مردی که از او خواهش کرد پند و اندرزی به

او دهد، فرمود: «چونان کسی مباش که بدون عمل، به آخرت امید دارد و بنا

آرزوهای دراز، توبه را به تأخیر می اندازد. در نکوهش دنیا چون پارسایان سخن

۱. سوره زمر / آیه ۵۳

۲. سوره یوسف / آیه ۸۷

۳. البحار: ۱/۱۶۴/۷۸

۴. نهج البلاغه: الحکمة ۱۵۰

می گویند، اما رفتارش رفتار دنیا خواهان است.»

همچنین امام سجاد علیه السلام در مقام مناجات می فرماید:

✓ (وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ دُعَاءِ مَحْجُوبٍ وَ رَجَاءِ مَكْذُوبٍ) ^۱

«(خداوند!) به تو پناه می برم از دعای محجوب (از درگاه تو) و امید

دروغین»

علامه مجلسی در کتاب شریف و ارزشمند بحار الانوار (ج ۶۷، ص ۳۵۲) در

بیانی دو نوع امیدواری صادق و کاذب و خردمندانه و نابخردانه را چنین توضیح می دهد: ^۲

«سزاوار است که امید بنده به مغفرت خدا را به امیدواری یک کشاورز تشبیه نموده، پس هر زارعی که زمین قابل کشتی را آماده نماید و در آن بذر خوبی که پوسیده و کرم خورده نباشد را بپاشد، سپس به موقع خود آن را آبیاری نموده و گیاههای هرزه را از آن زمین برچیند و بعد از همه این کارها و فعالیتها با امید به فضل خدا انتظار و امید داشته باشد که در صورت عدم بلاهای طبیعی همچون صاعقه و دیگر آفات، بذرافشانی او به نتیجه بنشیند و ثمر دهد، چنین انتظاری را

۱. میزان الحکمة / ح ۶۹۵۱

۲. فاذا اسم الانتظار انما يصدق على انتظار محبوب تمهدت جميع اسبابه الداخلة تحت الاختيار العبد ولم يبق ألبا ما ليس يدخل تحت اختياره و هو فضل الله بصرف القواطع و المفسدات، فالعبد اذا بث بذرا لايمان و سقاء بماء الطاعة و طهر القلب عن شوک الاخلاق الرديه و انتظر من فضل الله تشبیهه على ذلك الى الموت و حسن الخاتمة المقضية السى المغفرة كان انتظاره رجاء حقیقاً محموداً فى نفسه باعثاله على المواظبة و القيام بمقتضى الايمان...
«فینبغى أن يقاس رجاء العبد المغفرة ب رجاء صاحب الزرع فكل من طلب أرضاً طيبة و ألقى فيها بذراً جيداً غير عفن و لا مسوس ثم أهده بما يحتاج اليه و هو ساق الماء اليه فى أوقاته، ثم قى الارض عن الشوك و الحشيش و كل ما يصنع نبات البذر أو يفسده ثم جلس منتظراً من فضل الله رفع الصواعق والآيات المفسدة إلى أن ينمر الزرع و يبلغ غايته سُمى انتظاره رجاء و إن بث البذر فى أرض صلبة سبخة مرتفعة لا ينصب الماء اليها و لم يتنقل بتعهد البذر أصلاً ثم انتظر حصاد الزرع سُمى انتظاره حنقاً و غروراً و إن بث البذر فى أرض طيبة ولكن لاماء لها و ينتظر مياه الامطار حيث لا تغلب الامطار ولا يمتنع سُمى انتظاره تمنياً لارجاء»

رجاء (امید) یا انتظار امیدوارانه می‌نامیم.

حال اگر بذر را در یک زمین سخت، شوره زار و ناهموار که آب به آن زمین نمی‌رسد، بکارد و از آن مراقبتهای لازم را به عمل نیاورد و با این حال انتظار داشته باشد که هنگام درو محصول برداشت کند، چنین انتظاری را غرور و حماقت و انتظار احمقانه می‌نامیم.

و اگر کشاورز بذر را در یک زمین مناسب بکارد ولی آن زمین را آبیاری نکند و منتظر آمدن باران باشد به طوری که بارش باران کافی نباشد، چنین انتظاری را آرزو نام گذاری می‌کنیم یا انتظار آرزومندانه، بنابراین اسم انتظار، زمانی بر منتظر بودن امر دوست داشتنی صدق می‌کند که جمیع اسبابی که تحت اختیار بنده هست را هموار و آماده سازد و سببی باقی نماند جز آن سببی که تحت اختیار بنده نیست و آن فضل و رحمت الهی است به برطرف ساختن نومیدی‌ها و آسیب‌ها و آفات.

آری، هنگامی که بنده بذر ایمان را در قلب خویش بکارد و با آب طاعت الهی آن را آبیاری کند و قلب خود را از علفهای هرزه و پست اخلاقی پاک نماید و منتظر فضل و مرحمت خدای متعال برای تثبیتش بر آن تا زمان مرگ و همچنین عاقبت به خیری که به مغفرت کشیده می‌شود باشد، در اینصورت انتظار او انتظاری امیدوارانه و حقیقی و ستودنی است و همین انتظار او را بر مواظبت کردن و قیام به مقتضای ایمان تحریک و وادار می‌کند...»

از مجموعه این گفتارها معلوم می‌گردد انتظار و امید به آینده در صورتی مفید و قابل دفاع و دارای تأثیرات تربیتی است که لوازم اخلاقی و شرائط خاص خود را داشته باشد.

انتظار آینده روشن و ظهور امام عصر علیه السلام خود از این بحث خارج نیست و

باید تلاش نمود با احراز شرائط انتظار سازنده و مؤثر، از منتظران صادق اهلیت علیه السلام و امام زمان علیه السلام بود.

در روایات اهلیت علیه السلام در این خصوص چنین آمده است:

الذرة الباهرة من الأصداف الطاهرة، مما كتبه علیه السلام جوابا لإسحاق بن يعقوب إلى العمري رحمه الله: (أما ظهور الفرج فإنه إلى الله وكذب الوقّاتون وأما الحوادث الواقعة فأرجعوا فيها إلى رِوَاة حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ وَأَمَّا الْمُتَلَبِّسُونَ بِأَمْوَالِنَا فَمَنْ اسْتَحَلَّ مِنْهَا شَيْئًا فَأَكَلَ فَأَنَّمَا يَأْكُلُ النَّيْرَانَ وَأَمَّا الْخُمْسُ فَقَدْ أُبِيحَ لِشِيعَتِنَا وَجُعِلُوا مِنْهُ فِي حِلٍّ إِلَى وَقْتِ ظُهُورِ أَمْرِنَا لِتَطْيِيبِ وَلَادَتُهُمْ وَلَا تَخْبُثُ وَأَمَّا عَلَّةٌ مَا وَقَعَ مِنَ الْغَيْبَةِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ إِنْ تُبَدِّلَكُمْ تَسْأَلُكُمْ إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ مِنْ آبَائِي إِلَّا وَقَدْ وَقَعَتْ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لَطَاغِيَّةٍ زَمَانِهِ وَإِنِّي أَخْرَجُ حِينَ أَخْرَجُ وَلَا بَيْعَةَ لِأَحَدٍ مِنَ الطَّوَاعِيتِ فِي عُنُقِي وَأَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي فَكَالْإِنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غِيَّبَهَا عَنْ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ وَإِنِّي أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ

اسحاق بن یعقوب می گوید: از محمد بن عثمان عمری درخواست کردم نامه ای را که مشتمل بر مسائل دشوارم بود به دست امام زمان علیه السلام برساند و تویعی به خط مولای ما صاحب الزمان علیه السلام چنین صادر شد:

«و اما ظهور فرج، آن با خدای تعالی است و تعیین کنندگان وقت ظهور، دروغ می گویند. و اما حوادث واقعه، درباره آن مسایل، به راویان حدیث ما رجوع کنید که آنان حجت من بر شما هستند و من نیز حجت خدا بر آنها هستم. و اما کسانی که اموال ما را با اموال خودشان در می آمیزند، هر کس چیزی از اموال ما

را حلال شمارد و آن را بخورد همانا آتش خورده است.

و اما خمس، آن بر شیعیان ما مباح است و تا هنگام ظهور امر ما از آن معافند تا ولادتشان پاکیزه شود و خبیث نگردد.

و اما علت وقوع غیبت، خدای تعالی می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از چیزهایی می پرسید که اگر فاش گردد شما را بد می آید و غمناک می شوید» بر گردن همه پدرانم بیعت سرکشان زمان بود، اما من وقتی خروج نمایم بیعت هیچ سرکشی بر گردنم نیست. و اما وجه انتفاع از من در غیبت، آن مانند انتفاع از خورشید است چون ابر آن را از دیدگان نهان سازد و من امان اهل زمینم همچنان که ستارگان امان اهل آسمانها هستند.»

آیت الله شهید مطهری (ره) با تقسیم بندی انتظار به دو نوع سازنده و ویرانگر و ریشه های این دو تلقی، می فرمایند:

«انتظار فرج دو گونه است: انتظاری که سازنده است، تحرک بخش است، تعهد آور است، عبادت، بلکه با فضیلت ترین عبادت است و انتظاری که ویرانگر است، باز دارنده است، فلج کننده است و نوعی اباحی گری محسوب می شود و گفتیم که این دو نوع انتظار، معلول دو نوع برداشت از ظهور عظیم تاریخ مهدی موعود علیه السلام است و این دو نوع برداشت به نوبه خود از دو نوع بینش درباره تحولات تاریخ ناشی می شود. اکنون به تشریح این دو نوع انتظار می پردازیم و از انتظار ویرانگر آغاز می کنیم.

انتظار ویرانگر

«برداشت قشری از مردم از مهدویت و قیام و انقلاب مهدی موعود این است که صرفاً ماهیت انفجاری دارد، فقط و فقط از گسترش و اشاعه و رواج ظلمها و تبعیضها و اختناقها و حق کشتیها و تباهیها ناشی می‌شود، نوعی سامان یافتن است که معلول پریشان شدن است، آن گاه که صلاح به نقطه صفر برسد، حق و حقیقت هیچ طرفداری نداشته باشد، باطل یکه تاز میدان گردد، جز نیروی باطل نیرویی حکومت نکند، فرد صالحی در جهان یافت نشود، این انفجار رخ می‌دهد و دست غیب برای نجات حقیقت - نه اهل حقیقت زیرا حقیقت طرفداری ندارد - از آستین بیرون می‌آید، علیهذا هر اصلاحی محکوم است، زیرا هر اصلاح یک نقطه روشن است. تا در صحنه اجتماع نقطه روشنی هست، دست غیبت ظاهر نمی‌شود. برعکس، هر گناه و هر فساد و هر ظلم و هر تبعیض و هر حق کشتی، هر پلیدی به حکم اینکه مقدمه صلاح کلی است و انفجار را قریب الوقوع می‌کند رواست زیرا (الغایات تبرر المبادی) هدفها وسیله‌های نامشروع را مشروع می‌کند. پس بهترین کمک به تسریع در ظهور و بهترین شکل انتظار، ترویج و اشاعه فساد است. این جا است که گناه هم فال است و هم تماشا، هم لذت و کامجویی است و هم کمک به انقلاب مقدس نهانی. این جاست که این شعر مصداق واقعی خود را می‌یابد:

طاعت از دست نیاید گنهی باید کرد

در دل دوست به هر حيله ره می‌باید کرد

این گروه طبعاً به مصلحان و مجاهدان و آمران به معروف و ناهیان از منکر بنا نوعی بغض و عداوت می‌نگرند، زیرا آنان را از تأخیر اندازان ظهور و قیام مهدی

موعود (عج) می‌شمارند. برعکس، اگر خود هم اهل گناه نباشند در عمق ضمیر و اندیشه با نوعی رضایت به گناهکاران و عاملان فساد می‌نگرند، زیرا اینان مقدمات ظهور را فراهم می‌نمایند.^۱

انتظار سازنده

آن عده از آیات قرآن کریم - که همچنانکه گفتیم ریشه این اندیشه است و در روایات اسلامی بدانها استفاده شده است - در جهت عکس برداشت بالاست. از این آیات استفاده می‌شود که ظهور مهدی موعود حلقه‌ای است از حلقات مبارزه اهل حق و اهل باطل که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی می‌شود. سهیم بودن یک فرد در این سعادت موقوف به این است که آن فرد عملاً در گروه اهل حق باشد. آیاتی که بدانها در روایات استناد شده است، نشان می‌دهد که مهدی موعود (عج) مظهر نویدی است که به اهل ایمان و عمل صالح داده شده است، مظهر پیروزی نهایی اهل ایمان است.

(وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا...)^۲

«خداوند به مؤمنان و شایسته کاران وعده داده است که آنان را جانشینان زمین قرار دهد و دینی که برای آنها پسندیده است مقرر سازد، دوران خوف آنانرا تبدیل به دوران امنیت نماید (دشمنان آنانرا نابود سازد) تا بدون ترس و

۱. قیام و انقلاب مهدی (عج)، ص ۶۸ - ۶۱

۲. سوره نور / ۵۵

واهمه مرا را پرستند و چیزی را در عبادت یا طاعت من شریک نسازند.»
از مجموعه آیات و روایات استنباط می‌شود که قیام مهدی موعود (عج)
آخرین حلقه از مجموع حلقات مبارزات حق و باطل است که از آغاز جهان برپا
بوده است. «مهدی موعود تحقق بخش ایده آل همه انبیاء و اولیاء مردان مبارز راه
حق است.»

مراتب انتظار فرج

برای حالت انتظار فرج و گشایش در امور، سلسله مراتبی وجود دارد که با توجه به نوع مشکلی که چشم به راه حل آن هستیم، تنظیم می‌گردد.

(۱) انتظار در جهت گشایش امور شخصی

اولین و ضعیفترین مراتب انتظار، انتظار به جهت گشایش در امور شخصی خود و فتح و فرج غصه‌ها و ناگواریهای فردی می‌باشد، البته همین امور شخصی گاهی غصه‌های زندگی مادی و امور عادی خود است و گاهی دردها و غصه‌های معنوی که انسان در دل دارد و خواستار گشایش آن با فرج امام زمان علیه السلام است.

وجود مبارک حضرت مهدی (عج) در توقیع شریفی که به محمد بن عثمان العمری ارسال داشت بعد از جواب سؤالات اسحاق بن یعقوب می‌فرمایند:

(وَأَكْثَرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجَكُمْ)^۱

«برای تعجیل در فرج بسیار دعا کنید که آن فرج خود شماست.»

در دعای افتتاح می‌خوانیم:

(اللَّهُمَّ الْمُمْ بِه شَعْنًا وَأَشْعَبُ بِه صَدْعًا وَارْتُقُ بِه فَتَقْنَا وَكَثُرَ بِه قَلْتَنَا وَأَعَزَّ

به ذلتنا..... و اجبر به فقرنا و سد به خلقتنا و یسر به عسرتنا و...
 خداوند ا پرا کند گی ما را به وسیله او جمع کن و گسیختگی مان را دور کن
 و پریشانی ها را بدو پیوست کن و کمی ما را به وسیله او زیاد کن و ذلت ما را به
 وسیله او تبدیل به عزت کن و... فقر ما را به وسیله او جبران کن و شکاف و
 تفرقه ی ما را به او بر طرف کن و سختی ما را به وسیله او آسان کن و...»

۲) انتظار جهت گشایش در امور مؤمنین

دومین مرتبه انتظار، انتظار برای رفع مشکلات از جامعه ایمانی و آحاد
 مؤمنین و موحدین است، مشکلاتی که از جهت مادی و معنوی؛ دینی و دنیائی
 مؤمنین را محاصره نموده و آنان را در نوعی سرگردانی و بی سامانی قرار داده
 است.

حضرت سجاد علیه السلام می فرمایند: (اِذَا قَامَ قَائِمُنَا، اَذْهَبَ اللهُ عَن شِيعَتِنَا الْعَاهَةَ وَ
 جَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَزُبْرِ الْحَدِيدِ وَ جَعَلَ قُوَّةَ الرَّجُلِ مِنْهُمْ قُوَّةَ اَرْبَعِينَ رَجُلًا وَ يَكُونُونَ
 حُكَّامَ الْاَرْضِ وَ سَنَامَهَا)^۱

«زمانی که قائم ما قیام کند خداوند آفت را از شیعیان ما بزداید و دل‌های آنان
 را چون پاره‌های (سخت و تزلزل ناپذیر) کند و هر مرد آنان را قدرت چهل مرد
 دهد. آنان فرمانروا و سالار جهان خواهند بود.»

حضرت باقر علیه السلام می فرمایند:

(اِذَا وَقَعَ اَمْرُنَا وَ جَاءَ مَهْدِينَا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ الرَّجُلُ مِنْ شِيعَتِنَا اَجْرِي مَنْ

لَيْثٌ وَأَمْضَى مِنْ سَنَانٍ...^۱

«هرگاه زمان ما (ظهور ما) فرا رسد و مهدی ما بیاید، شیعه ما از شیر دلیرتر و از سر نیزه برنده تر خواهد بود...»

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

(بِمَهْدِينَا تُقَطَعُ الْحُجَجُ، فَهُوَ خَاتِمُ الْأَيِّمَةِ وَ مُنْقِذُ الْأُمَّةِ وَ مُنْتَهَى النُّورِ)^۲

«با مهدی ما حجتها تمام می شود، او پایان بخش امامان و نجات بخش امت و منتهای نور است.»

در دعای افتتاح چنین می خوانیم:

(اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُوكَ إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَّيْنَا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ غَيْبَةَ وِلْيَانَا)

«خدایا ما به سوی تو، از دوری پیغمبرمان (صلوات بر او و بر آل او) و غایب بودن ولی مان شکایت می کنیم.»

همچنین در دعای عهد با امام زمان علیه السلام می خوانیم:

(اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْغُمَّةَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ، بِحُضُورِهِ وَ عَجَلْ لَنَا ظُهُورَهُ...)

«خداوندا با حضور حضرت علیه السلام این گرفتاری را از این امت برطرف کن و ظهور او را برای ما نزدیک کن.»

۳) انتظار در جهت گشایش امور آحاد انسانی

سومین مرتبه انتظار، انتظار برای گشایش در امور جامعه جهانی و همه آحاد و ساکنین زمین است، چرا که ظهور امام عصر علیه السلام نوید بخش امنیت و عدالت

۱. میزان الحکمة، ح ۱۲۳۲

۲. میزان الحکمة / ح ۱۱۶۶

۳. مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی / ص ۹۰۴

جهانی است و از برکات و آثار آن، همه اهل زمین برخوردار خواهند شد.

حضرت باقر علیه السلام می فرمایند:

(إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَرَضَ الْإِيمَانَ عَلَى كُلِّ نَاصِبٍ فَإِنْ دَخَلَ فِيهِ بِحَقِيقَةٍ وَالْأَضْرَبَ عُنُقَهُ أَوْ يُؤَدِّي الْجَزِيَّةَ كَمَا يُؤَدِّيهَا الْيَوْمَ أَهْلُ الذِّمَّةِ وَيَشُدُّ عَلَى وَسَطِهِ الْهِمِيَانَ وَيُخْرِجُهُمْ مِنَ الْأَمْصَارِ إِلَى السَّوَادِ)^۱

«زمانی که قائم به پا خیزد، ایمان را به هر دشمن کینه توزی عرضه می کند، اگر از جان و دل ایمان نیاورد، گردنش زده می شود، یا همچون ذمیان امروز جزیه می پردازد و به کمر او زنار می بندد و آنان را از شهرها، به حومه ها و روستاها بیرون می کند.»

در دعای عهد با امام زمان علیه السلام می خوانیم:

(وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَفْرَعًا لِمَظْلُومٍ عِبَادِكَ...)

«خداوندا او را پناهگاه بندگان مظلومت قرار بده...»

۴) انتظار جهت گشایش امور جامدات، گیاهان و حیوانات

چهارمین مرتبه انتظار، انتظار برای گشایش در حیات حیوانات و گیاهان و جمادات است، چرا که با امر فرج در زمین و زمان و عالم نباتات و حیوانات نیز تحولات مثبت ایجاد خواهد شد و دامنه ظهور و شعاع نور آن شامل حال آنان نیز می گردد. همچنانکه در عصر غیبت می خوانیم: (ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ)

۱. میزان الحکمة / ح ۱۲۲۸

۲. مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی / ص ۹۰۴

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: (فَيَمْلُوهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مُلِثْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا، فَلَا تَمْنَعُ السَّمَاءُ شَيْئًا مِنْ قَطْرِهَا وَ الْاَرْضُ شَيْئًا مِنْ نَبَاتِهَا)^۱

«او زمین را، همچنان که آکنده از ستم و بیداد شده، از عدل و داد پر می‌کند. آسمان از ریختن نزولاتش هیچ دریغ نمی‌ورزد و زمین از رویاندن گیاهانش.»

حضرت علی عليه السلام فرمودند: (لَوْ قَدِ قَامَ قَائِمُنَا لَأَنْزَلَتْ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَ لَأَخْرَجَتْ الْاَرْضُ نَبَاتَهَا وَ لَذَهَبَتْ الشُّحْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ وَ اصْطَلَحَتْ السَّبَاعُ وَ الْبَهَائِمُ، حَتَّى تَمْشِيَ الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ إِلَى الشَّامِ لَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى النَّبَاتِ وَ عَلَى رَأْسِهَا زَيْتُهَا (زَنِيبِلِهَا) لَا يَهِيْجُهَا سَبْعٌ وَ لَا تَخَافُهُ)^۲

«زمانی که قائم ما قیام کند آسمان نزولات خود را فروریزد و زمین گیاهانش را برویاند و کینه و دشمنی از دلهای بندگان رخت بریندد و درندگان و چرندگان با هم بسازند چندان که زنان زیور (زنییل) به سر عراق را تا شام می‌پیمایند و جز بر علف و سبزه گام نمی‌نهند و هیچ درنده‌ای آنها را آشفته و هراسان نمی‌کند.»

پیامبر ﷺ فرمودند: (لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَمْتَلَأَ الْاَرْضُ ظُلْمًا وَ عُدْوَانًا، ثُمَّ يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ عِتْرَتِي فَيَمْلُوهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِثْتُ ظُلْمًا وَ عُدْوَانًا)^۳

قیامت برپا نمی‌شود تا زمانی که زمین از ستم و دشمنی آکنده شود، آن گاه مردی از خاندان من قیام کند و زمین را، همچنان که از ظلم و جور آکنده شده، از عدل و داد پر کند.

۱. میزان الحکمه / ج ۱۲۴۴

۲. میزان الحکمه ج ۱۲۴۱

۳. میزان الحکمه ج ۱۱۷۰

در دعای عهد با امام زمان علیه السلام می خوانیم:

(وَاعْمُرِ اللَّهُمَّ بِبِلَادِكَ وَأَخِي بِعِبَادِكَ)

«خداوند، به وسیله او سرزمین هایت را آباد کن و بندگان را زندگانی

(حقیقی) ببخش.»

۵) انتظار جهت گشایش امر انبیاء و اولیاء

پنجمین مرتبه انتظار، انتظار جهت گشایش غصه‌ها و دردهای اولیاء و انبیاء

در گذشته تاریخ و شادمانی و فرج برای آنان است.

در دعای ندبه، در همین رابطه، می خوانیم:

(أَيْنَ الطَّالِبِ بِذُحُولِ الْأَنْبِيَاءِ وَ أَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ.)

«کجاست آن کسی که انتقام خون پیامبران و فرزندان آنها را می گیرد.»

۶) انتظار جهت گشایش در امور آل محمد علیهم السلام

ششمین مرتبه انتظار، انتظار برای گشایش امر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه

معصومین علیهم السلام و مستضعفین واقعی است، چرا که با ظهور امام عصر علیه السلام دولت

کریمه اهلیت علیهم السلام تشکیل خواهد شد و بازگشت مجدد آنان به دنیا با رجعت

شروع خواهد گشت؛ به عبارتی فرج امام عصر علیه السلام فرج آل محمد علیهم السلام است و

موجب شادمانی رسول الله صلی الله علیه و آله و اهلیت او علیهم السلام خواهد شد. آری تا ظهور امام

زمان علیه السلام اتفاق نیفتد، همچنان اهلیت علیهم السلام در استضعاف و مظلومیت به سر

می برند.

مفضل بن عمر می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

(إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَظَرَ إِلَى عَلِيٍّ وَالحسنِ وَالحسينِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فَبَكَى وَ قَالَ: أَنْتُمْ الْمُسْتَضْعَفُونَ بَعْدِي قَالَ الْمَفْضَلُ: فَقُلْتَ لَهُ: مَا مَعْنَى ذَلِكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ؟ قَالَ: مَعْنَاهُ أَنْكُمْ الْإِثْمَةُ بَعْدِي. إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: «وَأَنْتُمْ أَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» فَهَذِهِ الْآيَةُ جَارِيَةٌ فِينَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

«رسول خدا صلی الله علیه و آله نظری به علی و حسن و حسین علیهم السلام افکند و گریست و فرمود: شما مستضعفان بعد از وفات من هستید، مفضل گوید: عرض کردم یا ابن رسول الله معنی آن چیست؟ فرمود: یعنی شما امامان بعد از من هستید، چون خداوند می فرماید: «و می خواهیم بر آنان که در زمین به ضعف کشیده شده اند، تفضل نمائیم و آنان را پیشوایان و وارثان حکومت حق سازیم.» پس این آیه در مورد ما اهل بیت تا روز قیامت جاری است.»

همچنین در کتاب الغیبة شیخ طوسی آمده که از امیرالمؤمنین روایت شده است در مورد قول خداوند متعال (و نريد أن تمنّ على الذين استضعفوا في الأرض و نجعلهم أمةً و نجعلهم الوارثين) فرمودند:

(هم آل محمد يبعث الله مهديهم بعد جهدهم فيعزهم ويدلّ عدوهم) ۱

حضرت علیه السلام در مورد قول خداوند (و نريد...) می فرماید: «ایشان اهل بیت

محمد صلی الله علیه و آله هستند که خداوند مهدی آنان را بعد از رنجیدن آنها (استضعاف آنها)

می آورد سپس آنان را عزت می بخشد و دشمنان آنها را ذلیل می سازد.»

۱. تفسیر نور الثقلین / ج ۶ / ص ۳۱۱

۲. تفسیر نور الثقلین / ج ۵ / ص ۳۱۱

همچنین در دعای ندبه می خوانیم: (أَيْنَ الطَّالِبِ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءِ)
 «کجاست آن کسی که انتقام خون کشته کربلا (امام حسین علیه السلام) را بگیرد»
 و یا در دعای عهد با امام زمان علیه السلام می خوانیم:

اللَّهُمَّ وَ سُرُّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِرُؤْيَيْتِهِ وَ مَنْ تَبِعَهُ عَلَى دَعْوَتِهِ
 وَ أَرْحَمَ اسْتِكَانَتِنَا بَعْدَهُ. اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْغُمَّةَ عَن هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ وَ...
 «خداوندا پیامبرت صلی الله علیه و آله و پیروان او را به دیدارش شادمان کن و پس از او به
 بیچارگی ما رحم کن، خداوندا با حضورش این گرفتاری را از این امت برطرف
 کن و...»

در دعای امام حسن عسکری علیه السلام در قنوت آمده است:

(اللَّهُمَّ وَقَدْ عَادَ فَيْئُنَا دَوْلَةٌ بَعْدَ الْقِسْمَةِ وَ إِمَارَتُنَا غَلْبَةً بَعْدَ الْمَشُورَةِ وَ عُدْنَا
 مِيرَاثًا بَعْدَ الْاِخْتِيَارِ لِلْأُمَّةِ فَاشْتَرَيْتِ الْمَلَاهِي وَ الْمَعَازِفُ بِسَهْمِ الْيَتِيمِ وَ الْأَرْمَلَةِ وَ
 حَكَمَ فِي أَبْشَارِ الْمُؤْمِنِينَ أَهْلُ الذَّمَّةِ وَ وَلِيَ الْقِيَامَ بِأُمُورِهِمْ فَاسِقُ كُلِّ قَبِيلَةٍ فَلَا ذَائِدَ
 يَذُودُهُمْ عَن هَلَكَةٍ وَ لَارَاعَ يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ بِعَيْنِ الرَّحْمَةِ وَ لَادُو شَفَقَةً يُشْبِعُ الْكَبِدَ
 الْحَرِيَّ مِنْ مَسْغَبَةٍ فَهُمْ أَوْلَا ضَرَعٍ بِدَارٍ مَضِيغَةٍ وَ أُسْرَاءُ مَسْكَنَةٍ وَ خُلَفَاءُ كَأَبَةِ وَ
 ذَلَّةٍ^(۱)

«بارخدا یا و به درستی که حق ما پس از تقسیم شدن در دست غاصبان دست
 به دست گشت و حکومت ما پس از مشورت به چیره شدن و زورمندی (دشمنان)
 واقع شد و پس از آنکه برگزیده‌ی امت بودیم میراث آنها شدیم که وسایل لهو و
 بازیگری با سهم یتیم و محتاج و بیوه خریداری گردید و اهل ذمه بر مردم مؤمن
 حکومت یافتند و فاسقان هر قبیله عهده‌دار امور آنان گشتند که نه دفاع کننده‌ای

هست تا آنها را از هلاکت دور سازد و نه سرپرستی که به آنان با دیده‌ی مهر بنگرد و نه صاحب مهربانی که جگر تفدیده را از گرسنگی برهاند و آن را سیر کند، پس آنان با خواری در خانه‌ی گمشده‌ای واقع شده‌اند و گرفتار فقر و همنشین اندوه و ذلت می‌باشند.»

۷) انتظار جهت گشایش امور ملکوتیان

هفتمین مرتبه انتظار، انتظار برای گشایش غصه‌ها و اندوه فرشتگان و ملکوتیان می‌باشد، چرا که مصائب اولیاء الهی و به ویژه مصیبت حضرت سیدالشهداء علیه السلام آنان را غمزده و رنجور ساخته و آنان در انتظار گشایش امر هستند.

امام باقر علیه السلام در جواب ابو حمزه ثمالی که از علت نام گذاری آن حضرت به قائم پرسید - فرمودند: (لَمَّا قُتِلَ جَدِي الْحُسَيْنَ علیه السلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ ضَجَّتِ الْمَلَائِكَةُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ بِالْبُكَاءِ وَالنَّحِيبِ وَقَالُوا: الْهَنَا وَسَيِّدَنَا! أَتَغْفُلُ عَمَّنْ قَتَلَ صَفْوَتَكَ وَابْنَ صَفْوَتِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ؟! فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيْهِمْ: قَرُّوا مَلَائِكَتِي، فَوَعِزَّتِي وَجَلَالِي لَأَنْتَقِمَنَّ مِنْهُمْ وَلَوْ بَعْدَ حِينٍ. ثُمَّ كَشَفَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَنِ الْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ علیه السلام لِلْمَلَائِكَةِ فَسُرَّتِ الْمَلَائِكَةُ بِذَلِكَ، فَإِذَا أَحَدَهُمْ قَائِمٌ يُصَلِّي فَقَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِذَلِكَ الْقَائِمِ أَنْتَقِمُ مِنْهُمْ)!

«چون جدم حسین علیه السلام کشته شد فرشتگان با گریه و فغان به درگاه خداوند عزوجل فریاد برآوردند که: ای خدای و سرور ما! آیا از کسی که برگزیده تو و فرزند برگزیده تو و بهتر آفریده تو را می‌کشد چشم می‌پوشی؟ خداوند عزوجل به آنان وحی فرمود که: فرشتگان من آرام گیرید، به عزت و جلالم سوگند که از

آنان انتقام خواهم گرفت گرچه زمانش به طول انجامد. آنگاه خداوند امامان نسل حسین علیهم السلام را به فرشتگان نشان داد و فرشتگان بدان شادمان گشتند. در میان آنان یکی ایستاده بود و نماز می خواند. خداوند فرمود: با این قائم از آنان انتقام می گیرم.»

۸) انتظار جهت گشایش در امور امام زمان علیه السلام

انتظار ظهور برای گشایش غصه‌ها و دردهای خود امام زمان علیه السلام و شادمانی قلب آن بزرگوار، چرا که قلب امام عصر علیه السلام در دوران غیبت نقطه مرکزی بزرگترین و عظیمترین مصائب و دردهاست، به طوری که:

۱ - در دوران غیبت که حق ولایت و حکومت به دست شرورترین انسانها غصب شده، دین و احکام الهی مورد هجوم قرار گرفته و بهترین پیروان ایشان در سخت‌ترین شرایط زندگی می نمایند.

یکی از علماء و اهل دل می فرمودند: اگر از حضرت علی علیه السلام ۲۱ سال غصب حکومت و ولایت سیاسی شده و ایشان در استضعاف و مشکلات فراوان بودند به شکلی که خود حضرت فرمودند:

(فَصَبْرْتُ وَ فِي الْعَيْنِ قَذَى وَ فِي الْحَلْقِ شَجَا)^۱

«صبر کردم در حالی که در چشم خار و در گلویم استخوانی بود» امام زمان علیه السلام بیش از ۱۱۰۰ سال است که در این حالت به سر می برد، او داغدار مصائب همه انبیاء و اولیاء و از جمله داغدار مصائب مادرشان حضرت زهرا علیها السلام و جد بزرگوارشان امام حسین علیه السلام هستند و داغ این بزرگواران را به دل دارند.

- ۲- حق ولایت و حکومت خود را غصب شده می بیند.
 - ۳- تاراج ثروتها و حقوق شرعی مانند خمس و فدک و... را شاهد است.
 - ۴- فتنه ها و خونریزی ها و بی عدالتی ها را می بیند.
 - ۵- گناهان و معاصی همه انسانها از جمله شیعیان او را آزار می دهد.
 - ۶- از تحریفات دینی، فرقه سازی ها و مکاتب انحرافی خبر دارد.
 - ۷- تعطیلی احکام الهی و حدود و قوانین شرعی را شاهد است.
 - ۸- از حال دانشمندان و علمای منحرف و دنیا زده خبردار است.
 - ۹- پیروان و شیعیان خود را بی سرپرست نظاره می کند.
 - ۱۰- پیشرفت کفر و نفاق و سرعت و پیروزی های ظاهری آنان را می بیند.
 - ۱۱- از عمق شرک و ریاکاری و جریانات ضد توحیدی خبر دارد.
- و دهها و صدها اتفاق و حادثه ناگوار را نظاره گر است که هر یک به تنهایی ایشان را سخت آزرده خاطر می سازد. آری بالاترین حالت انتظار و مقدس ترین و عمیق ترین نوع انتظار در خود حضرت وجود دارد، چرا که از علم و اشراف کامل به احوال هستی برخوردار است و روحیه اصلاح گری و عزت طلبی در روح بلند او موج می زند.

ارمغانهای انتظار

حالت انتظار حالتی است مثبت و فضیلتی است کلیدی که به همراه خود، کمالات و آثار مثبتی را بر روح و جان مؤمنین و بر جامعه انسانی و اسلامی به جای می‌گذارد. این حالت علاوه بر نورانیت دل و جان، دهها برکت و اثر مثبت و ارمغان معنوی و اخلاقی به همراه می‌آورد. گویا انتظار بسته‌ای اخلاقی است که خود حاوی ارزشها و فضیلت‌های متنوع می‌باشد که در این بحث به توضیح برخی از این برکات و آثار می‌پردازیم.

ارمغان اول: ارتباط و مقام معیت

یکی از خواسته‌های اخلاقی یک مؤمن خالص، میل به مولا و مقتدای خود و یکی دیگر از خواسته‌های او، میل به همه فضیلت‌های انسانی است، که فرآیند این دو خواسته، حسن انتظار نسبت به امام زمان ارواحنا له الفداء را در دوران غیبت در فرد بیدار می‌کند. با این بیداری اخلاقی، میل به ارتباط با امام زمان علیه السلام در وجود انسان شکل می‌گیرد. آری تکاپوی انتظار به نوعی، روح منتظر را این سو و آن سو می‌کشاند و به عنوان پشتوانه‌ای برای ارتباط با امام زمان علیه السلام و عامل سائق عمل می‌کند.

هر چه انتظار، سوزان‌تر، واقعی‌تر، خالصانه‌تر و جدی‌تر باشد، زمینه‌ی ارتباط عمیق‌تر و پرمعنی‌تر و پربارتر مهیا خواهد شد. تشرفات دوران غیبت عام (کبری) که خود نوعی ظهور فردی امام عصر علیه السلام برای تشریف یافتگان به حساب می‌آید، شاهد بر این مطلب است. ارتباط با حضرتش دارای مراتبی است: گاهی در خواب، گاهی در بیداری، گاهی از دور، گاهی از نزدیک، گاهی تمام رخ، گاهی نیم رخ، گاهی در حد تماشا، گاهی توأم با أخذ عنایت، گاهی دارای آثاری زودگذر و گاهی ماندگار می‌باشد و اینها همه نشان‌دهنده مراتب و درجات ارتباطی است که خود تکیه بر مراتب انتظار دارد.

در تشرفات و ظهورهای فردی حضرت بقیة الله (عج)، هر چه منتظر شایستگی‌های بالاتری داشته باشد، از مرتبه و دستاوردهای بالاتری در ارتباط برخوردار شده است. به علاوه، انتظار فعال و جامع نه تنها در کیفیت ارتباط بلکه در کمیت و تعداد تشرفات و ارتباط با حضرت نیز تاثیرگذار بوده است.

آری، انتظار خالص و بی‌شائبه سید مهدی بحر العلوم، به ارتباطی خاص می‌انجامد که در مقام بهره‌گیری از حضرت علیه السلام محدودیتی از جهت کمی نداشت چرا که او مأذون به تشریف در مواقع و موارد متعدد بود و از جهت کیفی، محدود به یک نگاه و تماشای نیم رخ و یا شفای یک بیماری جسمی و یا رفع یک معضل مادی نیز نمی‌شد بلکه او تمام رخ امام را نه تنها به تماشا نشست، بلکه گرمی آغوش پرمهر امام را نیز با تمام وجود احساس کرد. او با ملاقات با امام نه تنها از یک بیماری جسمی و یا یک مشکل دنیوی رها شده، بلکه از صدای قرآن آن حضرت مستفیض شد و علوم و افره حضرت بقیه الله علیه السلام قلب و روح او را سیراب کرد تا آن که ملقب به بحر العلوم (دریای دانشها) گردید.

علاوه بر این ارتباط عینی که از آثار انتظار است، در روایات به ارمغان

دیگری برای انتظار اشاره شده است و آن ارتباط حکمی و نیل به مقام معیت و همجواری با حضرت علیه السلام می باشد.

قال الصادق علیه السلام: (مَنْ مَاتَ مُنْتَظِرًا لِهَذَا الْأَمْرِ كَانَ كَمَنْ كَانَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ)^۱

«کسی که در حال انتظار این امر (ظهور قائم علیه السلام) از دنیا برود، همانند کسی است که با قائم، در خیمه او باشد...»

با توجه به مفاد روایت فوق، حداقل ارمغان انتظار، کسب مقام «کَمَنْ كَانَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ» می باشد، یعنی فرد منتظر در حکم ملازمان و معاشران در خیمه حضرت خواهد بود.

ارمغان دوم: عبودیت

یکی از مقامات عالی اخلاقی و انسانی، رسیدن به مقام عبودیت است. مقام عبودیت به معنای همواره به یاد خدا بودن و پیوسته در راه خدا حرکت نمودن، راه و راهنما را شناختن و در مسیر الی الله با سرعت در حرکت بودن است. چه بسیار اولیاء خدا تلاش و جهاد نمودند تا به مقام عبودیت نائل گردند و به مقام (رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ)^۲ برسند.

از ارمغانهای بزرگ انتظار، رسیدن به مقام والای عبودیت و دائم الذکر بودن و گذر از سبیل و راه و بیراهه ها و در خط صحیح و بر صراط مستقیم قرار گرفتن است.

۱. کمال الدین: ۴۴/۳۳۸

۲. پاک مردانی که هیچ کسب و تجارت آنان را از یاد خدا غافل نمی سازد. (سوره نور / آیه ۳۷)

(وَ أَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ...)^۱

«و این است راه راست من، پس از آن پیروی آن کنید.»

در روایات اهل بیت علیهم السلام به این ارمغان انتظار، اشاره شده و از انتظار به عنوان

«افضل العبادة» و «أحب الأعمال إلى الله» یاد شده است.

قال رسول الله ﷺ: «أفضل العبادَةِ انتظارُ الفرجِ»^۲

«برترین عبادت، انتظار فرج است.»

قال علي عليه السلام: (أفضلُ عبادَةِ المؤمنِ انتظارُ فرجِ الله)^۳

«بهترین عبادت مؤمن، انتظار کشیدن فرج خداوند است.»

قال علي عليه السلام:... (فإنَّ أحبَّ الأعمالِ إلى الله عزَّوجلَّ، انتظارُ الفرجِ)^۴

«محبوبترین کارها نزد خداوند عزوجل، انتظار فرج است.»

البته شرط برخورداری از این ارمغان وجود نیت خالصانه در فرد منتظر است،

چرا که هر عمل عبادی نیازمند نیت خالصانه است.

ارمغان سوم: درک ثواب مجاهدت در رکاب رسول الله ﷺ و

دفاع از شخص ایشان

یکی از ملاکهای برتری مؤمنین نسبت به یکدیگر و یکی از عوامل تفاضل

مؤمنین، جهاد فی سبیل الله و نائل شدن به مقام مجاهدت فی سبیل الله است.

۱. سوره انعام / آیه ۱۵۲

۲. البحار: ۱۱/۱۲۵/۵۲

۳. المعاشن: ۱۰۴۴/۴۵۳/۱

۴. الکافی: ۳۸۱/۲۶۴/۸

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

(فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا)^۱

«خداوند، مجاهدان را بر بازنشستگان به اجر و ثوابی بزرگ برتری داده است.»
 حال اگر این جهاد در رکاب رسول الله ﷺ و در پیشگاه آن بزرگوار باشد، فضیلتی دو چندان بلکه صد چندان می یابد. با انتظار خالصانه و صادقانه به پاداش جهاد حکمی در رکاب رسول الله ﷺ نائل خواهیم شد، هر چند فاصله ای دور از نظر زمانی با حضرت داشته باشیم. آری منتظر خالص مهدی علیه السلام به مقام والای مجاهدین آنهم مجاهدین در رکاب رسول الله دست می یابد و شاید فلسفه این شباهت مقامی، آن باشد که (م ح م د) در صورت، سیما، سیره و اهداف همان محمد ﷺ است.

قال الصادق عليه السلام: (الْمُنْتَظِرُ لِلثَّانِي عَشَرَ كَالشَّاهِرِ سَيْفِهِ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ

يَذُبُّ عَنْهُ)^۲

«کسی که منتظر و چشم به راه دوازدهمین (امام) باشد مانند کسی است که با شمشیر آخته از پیامبر خدا ﷺ دفاع می کند»

قال الصادق عليه السلام: (مَنْ مَاتَ مُنْتَظِرًا لِهَذَا الْأَمْرِ كَانَ كَمَنْ كَانَ مَعَ الْقَائِمِ فِي

فُسْطَاطِهِ لَا بَلْ كَانَ بِمَنْزِلَةِ الضَّارِبِ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

بِالسَّيْفِ)^۳

«هر که در حال انتظار این امر (ظهور قائم علیه السلام) بمیرد همچون کسی است که

با قائم در خیمه او باشد، نه بلکه به مانند کسی است که در کنار پیامبر خدا ﷺ

شمشیر زند.

۱. سوره نساء / آیه ۹۵

۲. البحار: ۲۴/۱۲۹/۵۲

۳. البحار: ۶۹/۱۴۶/۵۲

ارمغان چهارم: آرامش

امید به آینده و صاحب نفس مطمئنه بودن و دستیابی به آرامش پایدار، یکی از مهمترین آرزوهای همه‌ی انسانها و از آرمانهای اولیاء خدا و سالکان الی الله است.

یکی از ارمغانهای انتظار پویا و فعال و یکی از دستاوردهای انتظار خالص و بی‌شائبه، دستیابی به یک آرامش پر معنی و پایدار و گشایش و رهایی از قیود شیطانی و گره‌های روحی روانی است.

امام زین العابدین علیه السلام در این خصوص می‌فرمایند:

(انتظارُ الفرجِ منْ أعظمِ الفرجِ)^۱

«انتظار فرج، از بزرگترین گشایش‌هاست.»

امام موسی کاظم علیه السلام نیز می‌فرمایند: (انتظارُ الفرجِ منْ الفرجِ)^۲

«انتظار فرج، نشانه فرج و گشایش است.»

ارمغان پنجم: اقتدا به روش پیشوایان و ورود در خیل منتظران

تأسی به پیشوایان در همه‌ی خوبیها و صفات، رشد سریع و فراگیر انسان را به همراه دارد. اقتداء به آنان و همراهی و همگامی با اسوه‌های بزرگ انسانی، تکامل شخصیتی را تضمین می‌نماید و انسان را به مراتب عالیه می‌رساند. یکی از ارمغان‌های انتظار، همگامی و اقتداء به روش پیشوایان است.

حضرت صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرمایند: (منْ دینِ الائمه الوریعُ و العفةُ و

۱. البخاری: ۲/۱۲۲/۵۲

۲. الغیبه للطوسی: ۲۷۱/۴۵۹

الصَّلَاحُ... و انتظارُ الفَرَجِ بالصَّبْرِ^۱

«پارسایی، پاکدامنی، درستی... و صبورانه در انتظار فرج بودن جزء دین امامان است.»

ارمغان ششم: تقویت مثبت اندیشی و مثبت رفتاری

یکی از ابتلائات بشری از نظر روحی روانی، منفی اندیشی، تاریک بینی و بدبینی نسبت به خود، دیگران و تاریخ است. در صورتی که انسان به این رذیله اخلاقی یا بیماری روانی دچار شود، به فردی بی ثمر، منفی گرا و نامطلوب تبدیل خواهد شد، اما در صورت حاکمیت مثبت اندیشی و خوش بینی به خود و آینده، ثمرات گوناگونی مانند تلاش فراگیر و همیشگی و سلامت روابط فردی و اجتماعی را به دنبال خواهد داشت؛ بر همین اساس باید به دنبال راه‌حلهایی بود که ضمن پرهیز از سراب اندیشی و آرزو گرایی و تخیل گرایی، به یک خوش بینی واقعی معقول دست پیدا نمود و این حاصل نمی‌شود مگر با اندیشه و اعتقاد به منجی و مهدویت و تقویت فرهنگ انتظار.

ارمغان هفتم: رجعت و حضور در رکاب حضرت مهدی علیه السلام

یکی از ارمغانهای انتظار خالصانه و تلاش خالصانه در زمان غیبت امام عصر ارواحنا له الفداء، رجعت و بازگشت مجدد به دنیا و خدمت در رکاب امام زمان علیه السلام است. از ثمرات چشم به راهی و دل به راهی و اقدام به امور اصلاحی در زمان حیات، احیاء مجدد و امکان رجعت در دوره طلایی حکومت حضرت بقیه الله است.

باز گشت اصحاب کهف، یوشع بن نون، سلمان، ابودجانه انصاری، مقداد و مالک اشتر^۱ از همین نمونه‌هاست.

همچنین در بیانات حضرت صادق علیه السلام در تأیید این موضوع دو دسته روایت داریم:

۱- روایاتی که می‌گویند: فرد منتظر از اصحاب حکمی امام زمان علیه السلام است.
قال الصادق علیه السلام: (مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ وَ هُوَ مُنْتَظِرٌ لِهَذَا الْأَمْرِ كَمَنْ هُوَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فِطْرَتِهِ...) ^۲

«هر کس از شما در حال انتظار این امر (ظهور قائم علیه السلام) بمیرد همچون کسی است که با قائم در خیمه او باشد...»

۲- روایاتی که می‌گویند فرد منتظر رجعت نموده و جزء اصحاب عینی حضرت خواهد شد و به همین دلیل در دعای عهد می‌خوانیم: (اللَّهُمَّ إِنَّ حَالَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَيَّ عِبَادَةً حَتَّىٰ مَقْضِيًّا فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِ مُؤْتَزِرًا كَفَنِي، شَاهِرًا سَيْفِي، مُجَرِّدًا قَنَاتِي، مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَ الْبَادِي)

«خدایا اگر بین من و او (صاحب الزمان علیه السلام) مرگ مانع شد، همان مرگی که برای همه بندگان حتمی است، پس (بعد از مرگ) مرا از قبرم خارج کن در حالیکه کفن خود را به کمر بسته، شعشیرم را کشیده و نیزه‌ام را آماده کرده لیک گو به دعوت کننده باشم، چه در شهر یا بیابان ساکن باشم...»

و یا در زیارت عاشورا می‌خوانیم:

(فَأَسْأَلُ اللَّهَ..... أَنْ يَرْزُقَنِي ظَلْبًا تَارِكًا مَعَ إِمَامٍ مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ)

۱. بحار الانوار ج ۵۳، ص ۹۵ رَوَى عَنْ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۲. منتخب الانوار ج ۳ ص ۲۱۳

صلی الله علیه و آله) «پس مسألت می کنم از خداوند..... که خونخواهی را با امام منصور از اهل بیت محمد ﷺ (یعنی حضرت مهدی ارواحنا له الفداء) روزی من فرماید.

از این درخواست معلوم می شود برگشت مجدد و رجعت، امری میسور و ممکن الحصول است.

حضرت صادق علیه السلام در ضمن حدیثی به این ارمغان اشاره ای نموده اند:
 (أَنَّ لَنَا دَوْلَةً يَجِيءُ اللهُ بِهَا إِذَا شَاءَ ثُمَّ قَالَ: مَنْ سُرَّهَ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ)^۱

«البته که برای ما دولتی است که وقتی خدا خواست آن را می آورد؛ هر کس شاد می شود که از اصحاب قائم علیه السلام باشد، باید منتظر باشد.»

ارمغان هشتم: درک پاداش شهادت

در فرهنگ دین و اهل بیت علیهم السلام شهادت دارای دو قسم است: شهادت عینی و شهادت حکمی. شهادت عینی آن است که فرد در میدان نبرد و جهاد اسلامی شرکت نماید و جان خود را در مسیر جهاد فی سبیل الله تقدیم خدا نماید و اما شهادت حکمی آن است که فرد در میدان جهاد نظامی شرکت ننموده و جان نیاخته، لکن در میدان و عرصه ی فرهنگی و معنوی به جهاد می پردازد و به ثواب شهادت فی سبیل الله نائل می آید.

در روایات اهل بیت علیهم السلام انتظار صادق و فعال، پاداش شهادت در راه خدا را دارد.

قال امیر المؤمنین علیه السلام:

(الْمُنْتَظِرُ لِأَمْرِنَا كَالْمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ)^۱

«کسی که منتظر امر ما (فرج و ظهور) باشد مانند کسی است که در راه خدا

به خون خویش بغلطد.»

قال الصادق علیه السلام:

(مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ وَ هُوَ مُنْتَظِرٌ لِهَذَا الْأَمْرِ كَمَنْ هُوَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ... ثُمَّ

قال: لا والله ألا كَمَنْ اسْتَشْهَدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ)^۲

«هر که از شما در حال انتظار این امر (ظهور قائم علیه السلام) بمیرد همچون کسی

است که با قائم در خیمه او باشد... سپس فرمود: نه به خدا آگاه باشید همانند

کسی است که همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله طلب شهادت کند.»

در کتاب شریف مفاتیح الجنان، در دعای سرداب حضرت علیه السلام چنین آمده

است:

«اللَّهُمَّ كَمَا جَعَلْتَ قَلْبِي بِذِكْرِهِ مَعْمُوراً، فَاجْعَلْ سِلَاحِي بِنُصْرَتِهِ مَشْهُوراً وَ إِنِّ

حَالِ بَيْنِي وَ بَيْنَ لِقَائِهِ الْمَوْتِ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَيَّ عِبَادَكَ حَتْمًا وَ أَقْدَرْتَ بِهِ عَلَيَّ

خَلِيفَتَكَ رَغْمًا فَأَبْعَثْنِي عِنْدَ خُرُوجِهِ ظَاهِراً مِنْ حُفْرَتِي، مُؤْتِزِراً كَفَنِي حَتَّى أَجَاهِدَ

بَيْنَ يَدَيْهِ فِي الصِّفِّ الَّذِي أَثْنَيْتَ عَلَيَّ أَهْلِهِ فِي كِتَابِكَ فَقُلْتُ: «كَأَنَّهُمْ بُنِيَانٌ

مَرْصُوصٌ» اللَّهُمَّ طَالَ الْإِنْتِظَارُ وَ شَمِتَ بِنَا الْفُجَّارُ وَ صَعِبَ عَلَيْنَا الْإِنْتِصَارُ»

«خدایا همان گونه که قلب مرا با ذکر خود آباد کردی، اسلحه مرا (هم) برای

یاری او ظاهر کن، اگر میان من و او فاصله شد مرگی که برای بندگات حتمی

۱. منتخب الاثر ج ۳ / ص ۲۱۲

۲. منتخب الاثر ج ۳ / ص ۲۱۳

قرار داده‌ای به طوری که بوسیله آن قادر شدی بر برندگان، مرا از قبرم بیرون آور در وقت ظهورش در حالیکه کفتم را به صورت لباس جنگ درآورده‌ام تا اینکه جهاد کنم در مقابل او در صفی که تو اهل آن را توصیف کرده‌ای و فرموده‌ای: (گویا بنیانی هستند به هم پیوسته) خدایا، زمان ظهور طولانی شده و فاجران به ما طعنه می‌زنند و انتظار برای ما سخت شده است.»

ارمغان نهم: بردباری و تحمل بالا

یکی از ثمرات مهم انتظار مثبت، تقویت ضریب بردباری و تحمل پذیری انسان نسبت به ناگواریها و مشکلات در مسیر عبور از طریق حق و حقیقت است. انسان منتظر خود را همچون قطره‌ای می‌پندارد که در مسیر اتصال به دریائی بیکران است و از آنجایی که همه‌ی ناگواریها را در مسیری با آینده‌ای روشن و ظهوری سبز می‌بیند، آنها را بر خود هموار کرده و چون شهدی شیرین به جان می‌خرد.

ارمغان دهم: دین محوری و تلاش ارزشی مداوم

یکی از ثمرات انتظار، استمرار حرکت‌های اصولی و ارزشمندی است که انسان براساس دین محوری انتخاب نموده است. یک انسان منتظر چون حرکت تاریخ را به سمت استقرار دیانت و اجرای قوانین انسانی و اسلامی می‌بیند، از مسیر صحیح خارج نگشته و در انجام وظایف و مسئولیتهای دینی و اصولی کوتاهی نخواهد نمود. هم در جنبه فردی، انگیزه کافی برای انجام خیرات و تحصیل فضیلتها خواهد داشت و هم از نظر اجتماعی زحمات و اصلاحات امروز خود را هدر رفته و بی‌نتیجه نمی‌پندارد.

ارمغان یازدهم: فعالیت در مسیر خدا و اجر مضاعف

یکی از دستاوردهای فضیلت اخلاقی انتظار، فعال شدن روح در مسیر خدا و غنی سازی معنوی لحظه‌های شب و روز و اجر مضاعف و چندین برابری و تضاعف شخصی و یکی به ازای چندین نفر شدن است. حضرت باقر علیه السلام در روایتی می‌فرمایند:

(....وَأَعْلَمُوا أَنَّ الْمُتَنظِرَ لِهَذَا الْأَمْرِ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ...)^۱

«بدانید که منتظر این امر (ظهور قائم علیه السلام) پاداشی همانند شخص روزه دار شب زنده دار دارد.»

قال رسول الله ﷺ

(سَيَأْتِي قَوْمٌ مِنْ بَعْدِكُمْ، الرَّجُلُ الْوَاحِدُ مِنْهُمْ لَهُ أَجْرُ خَمْسِينَ مِنْكُمْ قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! نَحْنُ كُنَّا مَعَكَ بَدْرَ وَأَحُدَ وَحُنَيْنَ وَ نَزَلَ فِيْنَا الْقُرْآنُ! فَقَالَ: إِنَّكُمْ لَو تَحْمَلُوا لِمَا حُمِّلُوا لَمْ تَصْبِرُوا صَبْرَهُمْ)^۲

«پس از شما مردمی خواهند آمد که یکی از آنان اجر و پاداش پنجاه نفر از شما را دارد. عرض کردند: ای پیامبر خدا! ما در بدر و احد و حنین با شما بودیم و قرآن در میان ما نازل شد؟! فرمود: اگر آنچه بر سر ایشان می‌آید به سر شما بیاید، مانند آنان صبر و شکیبایی نمی‌کنید.»

ارمغان دوازدهم: همجواری با اهل بیت علیهم السلام در بهشت

یکی از نعمتهای بزرگ و معنوی در بهشت، همجواری با رسول گرامی اسلام و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است. فضیلت انتظار نه تنها فوائد و برکات

۱. أمالی الطوسی: ۲۳۲/۴۱۰

۲. البحار: ۵۲/۱۳۰/۲۶

دنیاپی فراوان دارد، بلکه در آخرت نیز انسان را به همجواری و همزیستی با پیامبر ﷺ نائل می‌سازد. حضرت صادق (ع) فرمودند:

(إِنَّ مَنْ انتَظَرَ أَمْرَنَا وَصَبَرَ عَلَى مَا يَرَى مِنَ الْأَذَى وَالْخَوْفِ هُوَ غَدَا فِي زُمْرَتِنَا) ^۱

«هر کس منتظر امر (حکومت و دولت) ما باشد و بر آزارها و رعب و وحشتی که به او می‌رسد، شکیبایی کند فردا در زمره ما باشد.»

ارمغان سیزدهم: رشد عقلانی و فهم رشد یافته

قال زين العابدين: (يا ابا خالد: إنَّ أهلَ زمانِ غيبتهِ القائِلينِ بِامامتهِ وَ الْمُنتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَعْطَاهُمْ مِنْ الْعُقُولِ وَ الْأَفْهَامِ وَ الْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ وَ جَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَي رَسُولِ اللَّهِ ﷺ بِالسَّيْفِ أَوْلِيكَ الْمُخْلِصُونَ حَقًّا وَ شِيعَتُنَا صِدْقًا وَ الدُّعَاةُ إِلَى دِينِ اللَّهِ سِرًّا وَ جَهْرًا) وَ قَالَ ﷺ: «إِنَّتِظَارُ الْفَرَجِ مِنْ أَكْثَرِ الْفَرَجِ»؛ «ای ابو خالد به درستی که أهل زمان غیبت او که امامتش را باور دارند و منتظر ظهور اویند از مردم همه زمانها بهترند، زیرا که خداوند تبارک و تعالی آن چنان عقلها و فهمها و شناختی به آنها عنایت کرده که غیبت نزد آنان همچون دیدن باشد و آنها را در آن زمان به منزله کسانی قرار داده است که در پیشگاه رسول خدا ﷺ با شمشیر جهاد کرده‌اند، آنان به حق مخلصانند و راستی که شیعیان ما هستند و دعوت کنندگان به دین خدای عزوجل در پنهان و آشکار می‌باشند.»

آداب انتظار، اخلاق منتظر

در دوران غیبت امام عصر ارواحنا له الفداء و در دوره‌ی انتظار امر و ظهور حضرتش آداب و اخلاقی برای پیروان اهل بیت علیهم السلام در قرآن و روایات ترسیم شده است که آشنایی و تزئین به آنها راه نجات و رمز عبور سالم از این بحران می‌باشد. در روایات اهل بیت علیهم السلام دوره بحرانی و سخت برای ایام غیبت ترسیم شده است و ضرورت ایجاب می‌نماید نسبت به آداب و اخلاق این دوره آموزشهای کافی را دیده باشیم خداوند در این خصوص می‌فرماید:

(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ)^۱

«ای اهل ایمان در کار دین صبور باشید و یکدیگر را به صبر و مقاومت سفارش کنید و مراقب کار دشمن بوده و خدا ترس باشید شاید رستگار شوید.»

حضرت باقر علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند: (اصْبِرُوا عَلَىٰ أَدَاءِ الْفَرَائِضِ وَ

صَابِرُوا عَدُوَّكُمْ وَرَابِطُوا إِمَامَكُمْ الْمُنْتَظَرِ)^۲

یعنی «صبور باشید بر انجام واجبات و یکدیگر را به صبر و مقاومت در برابر دشمنان سفارش کنید و با امام منتظرتان (عهدتان را) محکم کنید.»

و یا در روایت دیگری از حضرت صادق علیه السلام در تفسیر همین آیه آمده است:

۱. سوره آل عمران / آیه ۲۰۰

۲. تفسیر البرهان ج ۲ ص ۱۴۹

(اصْبِرُوا عَلَى الْفَرَايِضِ وَ صَابِرُوا عَلَى الْمَصَائِبِ وَ رَابِطُوا عَلَى الْأُمَّةِ)^۱
 «یعنی صبور باشید بر انجام واجبات و در مقابل مشکلات و مصائب یکدیگر
 را به صبر و مقاومت سفارش کنید و با ائمه و پیشوایان دین (عهدتان را) محکم
 کنید. (و با امامتان پابرجا بمانید)»
 در اینجا به معرفی ۱۴ صفت از صفات اخلاقی که لازمه‌ی یک شخص
 منتظر است می‌پردازیم:

(۱) ورع و رعایت محاسن اخلاقی

✓ عن الصادق عليه السلام: (مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْظِرْ وَ لِيَعْمَلْ
 بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظِرٌ فَإِنْ مَاتَ وَ قَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ
 الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ فَجِدُّوا وَ أَنْتَظِرُوا هَنِيئًا لَكُمْ آيَتُهَا الْعِصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ)
 «هر که دوست دارد از یاران قائم باشد، پس باید انتظار کشد و در حالی که
 منتظر است، پارسایی و اخلاق نیک را در پیش گیرد. اگر (با چنین حالتی) از دنیا
 برود و بعد از مرگ او، قائم قیام کند همانند اجر کسی را دارد که قائم را درک
 کند. پس (در کار و عمل) بکوشید و منتظر باشید، گوارایتان باد ای جماعت
 مشمول رحمت.»

قال الصادق عليه السلام: (إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً الْمُتَمَسِّكِ فِيهَا بِدِينِهِ كَالْخَارِطِ
 لِشَوْكِ الْقَتَادِ بِيَدِهِ ثُمَّ أَطْرَقَ مَلِيًّا ثُمَّ قَالَ إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً فَلْيُتَّقِ اللَّهَ عَبْدًا
 وَ لِيَمْتَسِكْ بِدِينِهِ)^۲

«صاحب این امر (امامت) غیبی دارد که در آن روزگار، دیندار همانند کسی
 است که خار مغیلان را با دست خویش خرد کند. امام سپس، اندکی خاموش ماند

۱. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۲۳۶، ح ۱۹۸

۲. الغیبه للنعمانی: ۱۱/۱۶۹

و آن گاه فرمود: صاحب این امر را غیبتی است، پس باید که بنده از خدا بترسد و به دین خویش چنگ آویزد.»

۲) پرهیز از شکاکیت و پیروی از راه ائمه پیشین

✓ عن الصادق عليه السلام:... (فإياكم و الشكَّ و الارتياب و أنفوا عن أنفسكم الشكوك و قد حذرتمكم فأخذروا أسأل الله توفيقكم و إرشادكم)^۱

«... پس هرگز در حق او شک و تردید به خود راه ندهید، از صفحه دل هر گونه شک و تردید را بزدائید. من شما را بر حذر کردم، سخت از آن پرهیزید، از خدا توفیق و راهنمایی تان را مسئلت می‌نمایم.»

عن الصادق عليه السلام: (إذا أصبحت و أمسيت لا تری فيه إماماً من آل محمد عليهم السلام فأحب من كنت تحب و أبغض من كنت تبغض و وال من كنت توالی و أنتظر الفرج صباحاً و مساءً)^۲

«اگر در زمانی قرار گرفتی که به امامی از آل محمد عليهم السلام دست نیافتی، هر که را قبلاً دوست داشتی (از ائمه‌ی گذشته) دوست بدار و هر که را از دشمنانشان دشمن داشتی دشمن بدار و از هر که پیروی نمودی پیروی کن و هر صبح و شام در انتظار فرج باش.»

۳) سفارش یکدیگر به صبر

سید اجل علی بن طاووس (قدس سره) در کتاب اقبال از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خطبه‌ی روز غدیر این گونه آورده است: «سوره‌ی والعصر

۱. الغیبه للنعمانی: ۱۰/۱۵۰

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۳

درباره‌ی حضرت علی علیه السلام نازل شد و تفسیرش اینکه: (و) سوگند به پروردگار (عصر) قیامت که (همانا انسان در زیان است): یعنی دشمنان آل محمد علیهم السلام (مگر کسانی که ایمان آوردند) به ولایت ایشان (و کارهای خوب انجام دادند) به همدردی کردن با برادرانشان (و یکدیگر را به صبر سفارش دادند) در زمان غیبت غائبشان...»^۱

«منظور از سفارش کردن یکدیگر به صبر آن است که مؤمن به فرزندان و نوادگان و خاندان و عیال و عشیره و برادران دینی و دوستان خویش و سایر مؤمنین سفارش و امر به ایقان به حضرت قائم علیه السلام و صبر کردن در زمان غیبت آن حضرت بر طولانی شدن زمان غیبت و بر آنچه از آزار دشمنان و جفای دوستان و غیر اینها... می‌بینند به اینکه خوبیهای صبر را برایشان باز گوید و...»^۲

۴) دوری از صفات ناپسند مردم آخر الزمان

✓ قال الصادق علیه السلام: (...فَكُنْ عَلَى حَذَرٍ وَاطْلُبْ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ النَّجَاةَ وَاعْلَمْ أَنَّ النَّاسَ فِي سَخَطِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَإِنَّمَا يُمَهِّلُهُمْ لِأَمْرِ يُرَادُ بِهِمْ فَكُنْ مُتَّقِبًا وَاجْتَهِدْ لِيُوَكَأَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي خِلَافِ مَا هُمْ عَلَيْهِ)

«... پس در این موقع بترسید و از خداوند متعال نجات را خواهان شوید و بدان که مردم در خشم و سخط الهی قرار گرفته‌اند و تنها خداوند آنها را مهلت می‌دهد به خاطر امری که اراده کرده برایشان و لذا در این هنگام آرزومند (ظهور و فرج) باش و تلاش کن برای اینکه خداوند عزوجل تو را در خلاف آنچه‌ی

۱. اقبال، ۲۵۷.

۲. منکبیل المکارم، ج ۲، ص ۴۱۸.

(آن اعمالی) که مردم بر آن هستند ببیند.»

۵) اختیار گمنامی و پرهیز از شهرت کاذب و حفظ زبان

✓ عن الصادق عليه السلام: (كُفُوا ألسِنَتِكُمْ وَ الزُّمُورَ بِيُوتِكُمْ فَإِنَّهُ لَا يُصِيبُكُمْ أَمْرٌ تَخْصُونَهُ بِأَبْدَانٍ)^۱

«(در دوران غیبت) زبانهای خود را حفظ کنید، در خانه‌های خود بمانید (مگر به ضرورت) تا آنکه حادثه‌ای (که برای دیگران پیش می‌آید به واسطه‌ی گناه کردنشان در جامعه) برای شما پیش نیاید.

عن النبی صلى الله عليه وآله: (سَيَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ، يُخَيِّرُ فِيهِ الرَّجُلُ بَيْنَ الْعَجْزِ وَالْفُجُورِ فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ الزَّمَانَ فَلْيَخْتَرْ الْعَجْزَ عَلَى الْفُجُورِ)^۲

«برای مردم زمانی می‌رسد که انسان میان ناتوانی و تبه‌کاری مخیر می‌شود، هر کس چنین زمانی را درک کند، باید ناتوانی را بر فساد و تباهی برگزیند.»

۶) زمینه سازی ظهور

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: (يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ قِيَوَطُّونَ لِلْمَهْدِيِّ)^۳

«از مشرق زمین، مردمی قیام می‌کنند و زمینه را برای (ظهور) مهدی عليه السلام

آماده می‌سازند»

۱. الکافی: ۱۳/۲۲۵/۲

۲. نهج الفصاحة / ۳۷۲/۲

۳. کشف الغمّه: ۲۶۷/۳

(۷) ذکر کثیر و عبادت

قال علی علیه السلام: (وَاتَّخِذُوا صَوَامِعَكُمْ بَيْوتَكُمْ وِعَضُوا عَلٰی مِثْلِ جَمْرِ الْعِضَا وَ اذْكُرُوا اللّٰهَ كَثِيْرًا فَاذْكُرُوْهُ اَكْبَرُ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ)^۱

«خانه‌های محقر خود را، مسکن خود قرار دهید، همانند کسی که در آتش گذاخته می‌سوزد، دندان روی جگر بگذارید و خدا را بسیار زیاد یاد کنید که یاد خدا بزرگترین پناهگاه است اگر بدانید»

(۸) گرفتن معارف دین از دین شناسان امین و رجوع به علماء

قال المهدي علیه السلام: (و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها الى رواة حديثنا فانهم حجتي عليكم و انا حجة الله عليهم)^۲

(و اما درباره اتفاقات مهم، به راویان حدیث ما رجوع کنید که آنان حجت من بر شما هستند و من نیز حجت خدا بر آنها هستم.)

قال الهادي علیه السلام: (لولا من يبقى بعد غيبة قائمنا من العلماء الداعين اليه و الدالين عليه و الذابين عن دينه بحجج الله تعالى و المنقذين لضعفاء و عباد الله من شباك إبليس - لعنة الله - و مردته و من فحاخ النواصب لما أخذ إلا ارتد عن دين الله تعالى ولكنهم يمسكون أزمة قلوب ضعفاء الشيعة كما يمسك صاحب السفينة سكانها اولئك هم الأفضلون عند الله عزوجل)^۳

«در زمان غیبت قائم ما، اگر نبودند دانشمندان که مردم را به سوی خدا

۱. بحار الانوار / ج ۵۲ / ص ۲۶۷

۲. کمال الدین و تمام النعمة / ج ۲ / ص ۲۳۸

۳. محجة البيضاء ج ۱ / ص ۳۲

دعوت کنند و به طرف او راهنمایی نمایند و با دلائل و براهین الهی از آیین او دفاع کنند و دست بندگان مستضعف را بگیرند و آنها را از دامهای شیطان و شبکه‌های ناصبیان (دشمنان سرسخت اهل بیت علیهم السلام) نجات دهند، هیچ کس باقی نمی‌ماند مگر اینکه از دین خدا مرتد می‌شود، اما آن دانشمندان رشته‌ی دل‌های ضعیف‌های شیعه را می‌گیرند، همچنان که ناخدای کشتی، سکان کشتی را می‌گیرد. آنها اینند که در نزد خدای عز و جل از هر طبقه‌ای برترند.»

۹) آمادگی نظامی

قال الصادق علیه السلام: (لِيُعِدَّنَ أَحَدُكُمْ لِخُرُوجِ الْقَائِمِ وَ لَوْ سَهْمًا فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذْ عَلِمَ ذَلِكَ مِنْ نِيَّةِ رَجُوتٍ لَأَنْ يَنْسِيَهُ فِي عُمْرِهِ)^۱
 «هر یک از شما برای خروج حضرت قائم علیه السلام [سلاحی] مهیا کند هر چند که یک تیر باشد، که خدای تعالی هر گاه چنین نیتی در او ببیند امیدوارم عمرش را طولانی کند.»

۱۰) تقیه

قال الرضا علیه السلام: (إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ وَ أَعْمَلَكُمْ بِالتَّقِيَّةِ، فَقِيلَ لَهُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ إِلَى مَتَى؟ قَالَ: إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ وَ هُوَ يَوْمُ خُرُوجِ قَائِمِنَا فَمَنْ تَرَكَ التَّقِيَّةَ قَبْلَ خُرُوجِ قَائِمِنَا فَلَيْسَ مِنَّنَا.)^۲
 «مانا گرامی‌ترین شما نزد خدا با تقواترین و پای‌بندترین شما به تقیه است.»

۱ غیبت نعمانی / ۱۷۳

۲ اعلام‌الوری / ۲۰۸

عرض شد: ای پسر پیامبر خدا! تا کی؟ فرمود: تا روزگار آن زمان معین و آن روزگار قیام قائم ماست. پس هر که پیش از قیام قائم ما تقیه را ترک کند از ما نیست.»

قال علی رضی الله عنه : (وَذَلِكَ زَمَانٌ لَا يَنْجُو فِيهِ إِلَّا كُلُّ مُؤْمِنٍ تُومَنَةٌ إِنْ شَهِدَ لَمْ يُعْرِفْ وَإِنْ غَابَ لَمْ يُفْتَقِدْ أَوْلِيكَ مَصَابِيحُ الْهُدَى وَ أَعْلَامُ السُّرَى لَيْسُوا بِالْمَسَابِيحِ وَلَا الْمَذَابِيحِ الْبُذُرُ أَوْلِيكَ يَفْتَحُ اللَّهُ لَهُمْ أَبْوَابَ رَحْمَتِهِ وَيَكْشِفُ عَنْهُمْ ضُرَاءَ نِقْمَتِهِ. أَيُّهَا النَّاسُ سَيَأْتِي عَلَيْكُمْ زَمَانٌ يُكْفَأُ فِيهِ الْإِسْلَامُ كَمَا يُكْفَأُ الْإِنَاءُ بِمَا فِيهِ ...)

«و آن زمانی است که در آن نجات نمی یابد مگر هر مؤمن بی نام و نشان که اگر [در مجالس] حضور یابد شناخته نشود و هر گاه غایب باشد در جستجویش بر نیایند، اینان چراغهای هدایت و روشنگران راه شبروانند، که به فتنه و فساد و سخن چینی در میان مردم آمد و شد نکنند، و دهان به غیبت گویی از مردم و یاوه گویی نگشایند، برای آنان خداوند درهای رحمتش را باز می کند و از ایشان سختی عذابش را بر طرف می نماید. ای مردم؛ زمانی بر شما خواهد رسید که اسلام در آن واژگون می شود همچنان که ظرف واژگون گردد و آنچه در آن است بریزد....»

(۱۱) دعا

قال الصادق رضی الله عنه - لابن سنان - : (سَتُصِيبُكُمْ شُبُهَةٌ فَتَبْقُونَ بِلا عِلْمٍ يُرَى وَ لَا إِمَامٍ هُدَى، لَا يَنْجُو مِنْهَا إِلَّا مَنْ دَعَا بِدَعَاءِ الْغَرِيقِ. قُلْتُ: وَ كَيْفَ دَعَاءُ الْغَرِيقِ؟ قَالَ: تَقُولُ: «يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ». فَقُلْتُ: يَا

مَقْلَبَ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ! فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ مَقْلَبُ الْقُلُوبِ
وَ الْأَبْصَارِ، وَلَكِنْ قُلْ كَمَا أَقُولُ: يَا مَقْلَبَ الْقُلُوبِ ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ!^۱
حضرت صادق علیه السلام خطاب به ابن سنان فرمودند:

بزودی در شبهه‌ای خواهید افتاد و بدون نشانه‌ای نمایان و امامی رهنما
خواهید ماند. از این شبهه‌رهایی نباید مگر آن کس که دعای غریق را بخواند.
عرض کردم دعای غریق چگونه است؟ فرمود: می‌گویی: خدایا! بخشایشگرا!
مهربانا! ای دگرگون‌ساز دلها! دل مرا بر دینت استوار گردان. عرض کردم ای
دگرگون‌ساز دلها و اندیشه‌ها! دل مرا بر دینت استوار گردان. فرمود: البتّه خدای
عزوجل دگرگون‌کننده دلها و اندیشه‌هاست، اما تو همان بگو که من می‌گویم:
ای دگرگون‌ساز دلها! دل مرا بر دینت استوار ساز.

همچنین از سید بن طاووس دعایی در ضمن حدیث غیبت حضرت
مهدی (ارواحنا له الفداء) نقل شده که به ذکر آن می‌پردازیم.

راوی می‌گوید عرض کردم: شیعیانت چکار کنند؟ فرمود: بر شما باد بر دعا
کردن و انتظار فرج کشیدن تا آنجا که می‌گوید: عرضه داشتم: به چه چیزی دعا
کنیم؟ فرمود: می‌گویی: (اللَّهُمَّ أَنْتَ عَرَفْتَنِي نَفْسَكَ وَ عَرَفْتَنِي رَسُولَكَ وَ عَرَفْتَنِي
مَلَائِكَتَكَ وَ عَرَفْتَنِي نَبِيَّكَ وَ عَرَفْتَنِي وَ لَاءَ أَمْرِكَ اللَّهُمَّ لَا آخِذُ إِلَّا مَا أُعْطِيتَ وَ لَا
أَوْقِي إِلَّا مَا وَقَّيتَ اللَّهُمَّ لَا تُعَيِّنِي عَنْ مَنَازِلِ أَوْلِيائِكَ وَ لَا تُزِعْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ
هَدَيْتَنِي اللَّهُمَّ اهْدِنِي لَوْلَايَةِ مَنْ فَرَضْتَ طَاعَتَهُ)^۲

«بار خدایا! تو خودت و فرستاده‌ات و فرشتگانت و پیغمبرت و والیان امرت

را به من شناسانیدی، بار خدایا من نگیرم جز آنچه تو عطا کنی و هیچ نگهدارنده‌ای جز تو برایم نیست، بار خدایا! مرا از منازل دوستان دور مگردان و دلم را پس از آن که هدایت کرده‌ای منحرف منما، بار خدایا! مرا به ولایت کسی که اطاعتش را بر من واجب ساخته‌ای هدایت فرمای.»

۱۲) مراجعه به کتب دانشمندان امین و اصیل

قال الصادق عليه السلام للمفضل بن عمر: (اكتب و بث علمك في اخوانك، فان مت فأورث كتبك بنيك فإنه يأتي على الناس زمان هرج لا يأنسون فيه إلّا بكتبهم.)^۱

امام صادق عليه السلام به مفضل بن عمر فرمود: «بنویس و دانش خود را در میان برادرانت منتشر کن و چون (خواستی) بمیری، آن را به پسرانت میراث بده، زیرا بر مردم زمانه‌ای پر آشوب می‌رسد» که در آن زمان جز با کتابهایشان همدم نشوند.

۱۳) همکاری بین شیعیان و حدیث‌شناسی

(۵) قال الباقر عليه السلام: (ليقوا شديداكم ضعيفكم وليعد غنيكم على فقيركم ولا تبثوا سرنا، ولا تذيعوا أمرنا وإذا جاءكم عنا حديث فوجدتم عليه شاهداً أو شاهدين من كتاب الله فخذوا به وإلا فقفوا عنده ثم ردوه إلينا حتى يستبين لكم. وأعملوا أن المنتظر لهذا الأمر له مثل أجر الصائم القائم و من أذرك قائمنا فخرج معه فقتل عدونا كان له مثل أجر عشرين شهيداً و من قتل مع قائمنا كان له مثل

أَجْرِ خَمْسَةِ وَعِشْرِينَ شَهِيداً^۱

«باید که توانمندان شما ضعیفان را تقویت کنند و ثروتمندان شما فقیران را یاری رسانند و سرّ ما (اهل بیت) را افشاء نکنید و امر ما را بر ملا ننمایید و هر گاه حدیثی از جانب ما به شما رسید که بر آن یک یا دو شاهد از قرآن یافتید پس آن را قبول کنید و گرنه (از عمل به آن) توقف نمایید و آن را به ما برگردانید (و در قبول یا ردّ آن سخنی نگویید) تا اینکه حقیقت آن برایتان آشکار شود و بدانید که برای منتظر این امر (فرج امام عصر علیه السلام) ثواب روزه دار شب زنده دار ثبت می گردد و هر کس قائم ما را درک کند و به همراه او خارج شود (برای نبرد) و دشمن ما را بکشد، برایش مانند پاداش بیست شهید منظور می گردد و هر کس همراه قائم ما بجنگد برایش همچون اجر بیست و پنج شهید منظور خواهد شد.»

(۱۴) مسئولیت پذیری نسبت به شیعیان

قال الجواد علیه السلام: مَنْ تَكْفَلَ بِأَيَّامِ آلِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله الْمُنْقَطِعِينَ عَنْ إِمَامِهِمُ الْمُتَحِيرِينَ فِي جَهْلِهِمُ الْأَسْرَاءِ فِي أَيْدِي شَيَاطِينِهِمْ وَ فِي أَيْدِي النُّوَاصِبِ مِنْ أَعْدَائِنَا فَاسْتَنْقَذَهُمْ مِنْهُمْ وَأَخْرَجَهُمْ مِنْ حَيْرَتِهِمْ وَقَهَرَ الشَّيَاطِينَ بِرَدِّ وَسَاوِسِهِمْ وَقَهَرَ النَّاصِبِينَ بِحُجَجِ رَبِّهِمْ وَ دَلِيلِ أَيْمَتِهِمْ لِيَفْضُلُونَ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى عَلَى الْعِبَادِ بِأَفْضَلِ الْمَوَاقِعِ بِأَكْثَرِ مِنْ فَضْلِ السَّمَاءِ عَلَى الْأَرْضِ وَالْعَرْشِ وَالْكَرْسِيِّ وَالْحُجُبِ عَلَى السَّمَاءِ وَ فَضْلِهِمْ عَلَى هَذَا الْعَابِدِ كَفَضْلِ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ عَلَى أَخْفَى كَوْكَبٍ فِي السَّمَاءِ^۲.

۱. امالی الطوسی ۲۳۲ / ۴۱۰ / بشارة المصطفی: ۱۱۳

۲. بحار الانوار ج ۲ / ص ۶

همانا کسی که متکفل اینام آل محمد علیهم السلام شود، آنانکه که از امامشان جدا شده و در جهل خود سرگردان مانده و در دست شیاطین شان و ناصیبان از دشمنانمان اسیر گشته‌اند، پس آنان را از چنگال شیاطین و دشمنان ما نجات داده و از حیرتشان بیرون برد و شیاطین را با ردّ و سوسه‌هایشان سرکوب نموده و ناصیبان را با دلایل پروردگارشان و دلیل امامانشان مقهور سازد. چنین کسانی نزد خداوند به بلندترین جایگاه از بندگان برتری یابند، بیش از فضیلت آسمان بر زمین و بیش از فضیلت عرش و کرسی و حُجُب بر آسمان و برتری آنها بر این عابد همچون امتیاز ماه شب چهارده بر مخفی‌ترین ستاره در آسمان می‌باشد.»

در اینجا به فهرستی از تکالیف بندگان نسبت به آن حضرت علیه السلام در دوران غیبت که در کتاب شریف مکیال المکارم گردآوری شده، اشاره می‌کنیم:

۱. تحصیل صفات و آداب و ویژه گیهای آن حضرت
۲. رعایت ادب نسبت به یاد او
۳. محبّت او به طور خاص
۴. محبوب نمودن او در میان مردم
۵. انتظار فرج و ظهور آن حضرت
۶. اظهار اشتیاق به دیدار آن بزرگوار
۷. ذکر مناقب و فضایل آن حضرت
۸. اندوهگین بودن مؤمن از فراق آن حضرت
۹. حضور در مجالس فضایل و مناقب آن حضرت و تشکیل آن مجالس
۱۰. سرودن و خواندن شعر در فضایل و مناقب آن حضرت
۱۱. قیام، هنگام یاد شدن نام یا القاب آن حضرت
۱۲. گریستن، گریاندن و خود را به گریه کنندگان شبیه نمودن بر فراق آن

۱۳. در خواست معرفت امام عصر ارواحنا له الفداه از خداوند متعال
۱۴. تداوم در خواست معرفت آن حضرت
۱۵. دعا در زمان غیبت آن حضرت
۱۶. شناختن علاقه‌های ظهور
۱۷. تسلیم بودن و عجله نکردن
۱۸. صدقه دادن به قصد سلامتی آن حضرت و انجام اعمال واجب و مستحب
به نیابت از ایشان
۱۹. سعی در خدمت کردن به آن حضرت
۲۰. تجدید بیعت با ایشان در هر روز و هر لحظه^۱

آفات و موانع انتظار و دوران انتظار

از آنجا که انتظار امر فرج و چشم به راهی امام زمان علیه السلام فضیلتی بزرگ و از افضل عبادات است، دسیسه‌های شیطانی و هواهای نفسانی با مانع سازی و آفت‌زائی در صدد محو این حالت در انسان و یا پوچ نمودن و کم اثر نمودن آن می‌باشند.

موانع گوناگونی برای انتظار وجود دارد که از جمله آنها عبارتند از:

- (۱) برداشت غلط از مفهوم انتظار
- (۲) محدود نمودن وظایف منتظران به دعاء و نیایش
- (۳) یأس و ناامیدی و سیاه‌نمایی مطلق تاریخ آینده
- (۴) تحلیل غلط و غیر علمی از روند تکامل تاریخ آینده
- (۵) اشتباه در مصداق منجی و اسیر منجیان دروغین و جعلی شدن
- (۶) افتادن در دام مکاتب و فرقه‌های انحرافی
- (۷) ارتداد و برگشت از دین و در دام‌ها و شبکه‌های یهودیان و مسیحیان و

افکار آنان افتادن

قرآن کریم در سوره بقره (آیه ۱۰۹) در این زمینه می‌فرماید:

«وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِن بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ

أَنْفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»

«بسیاری از اهل کتاب (نه تنها خودشان ایمان نمی‌آورند بلکه) از روی حسدی که در درونشان هست، دوست دارند شما را بعد از ایمانتان به کفر بازگردانند، با اینکه حق (بودن اسلام و قرآن) برای آنها روشن شده است. ولی شما (در برابر جسارتی که می‌ورزند، آنها را) عفو کنید و درگذرید تا خداوند فرمان خویش را بفرستد، همانا خداوند بر هر کاری تواناست.»

قرآن در این آیه به مسلمانان دستور می‌دهد که در برابر این تلاشهای انحرافی و ویرانگر، آنها را عفو کنید و گذشت نمایید تا خدا فرمان خودش را بفرستد، چرا که خداوند به هر چیزی تواناست. این در واقع یک دستور تاکتیکی است که به مسلمانان داده شده تا در برابر فشار شدید دشمن در آن شرایط خاص از سلاح عفو و گذشت استفاده کنند و به ساختن خویشتن و جامعه اسلامی بپردازند و در انتظار فرمان خدا باشند. منظور از فرمان خدا هم در اینجا به گفته بسیاری از مفسران فرمان جهاد است.^۱

در دعاهای عصر غیبت، شیعه اینگونه با مولای خود عهد می‌بندد:

رَضِيْتُ بِكَ يَا مَوْلَايَ اِمَامًا وَ هَادِيًا، لَا اِبْتَغِي بَدَلًا وَ لَا اَتَّخِذُ مِنْ دُونِكَ وَلِيًّا
وَ اَنَّكَ الْحَقُّ الثَّابِتُ الَّذِي لَا اَغْتَابُ وَلَا اُرْتَابُ لِامَدِّ الْغَيْبَةِ وَ لَا اَتَحَيَّرُ لِطَوْلِ الْمُدَّةِ^۲

«ای مولای من، من به اینکه تو امام و هدایتگرم باشی راضی شدم، به جای تو بدلی بر نمی‌گزینم و سرپرستی جز تو انتخاب نمی‌کنم و تو آن حق ثابتی هستی که من به خاطر طولانی شدن مدت غیبت در موردت به شک نمی‌افتم و به سبب

۱. تفسیر نمونه ج ۱ / ص ۳۹۹

۲. صحیفه مهدیه / ص ۴۸۲

آن متحیر نمی‌گردد.»

(فَلَوْ تَطَاوَلَتِ الدُّهُورُ وَ تَمَادَتِ الأَعْصَارُ لَمْ أزدَدْ بِكَ إِلاَّ یَقیناً وَ لَكَ إِلاَّ حَباً وَ عَلَیْكَ إِلاَّ إِعْتِماداً وَ لِظُهُورِكَ إِلاَّ مُرَابطةً بِنَفْسِی وَ مَالِی وَ جَمیعِ ما أَنْعَمَ بِهِ عَلَیَّ رَبِّی.)^۱

«پس اگر زمانها طولانی شود و عصرها متمادی گردد (و ظهور رخ ندهد) جز بر یقین من نسبت به شما افزوده نمی‌گردد و جز بر محبت و اعتماد من نسبت به شما فزونی نیابد و جز بر انتظار (مسلحانه) من (برای جهاد) نسبت به ظهورتان نیافزاید. جان و مال و هر چه که خداوند بر من انعام کرده به فدای شما.»

۸) غفلت و بی‌تفاوتی

۹) ناکارآمدی و تنبلی و سستی

۱۰) ضعف مبانی اعتقادی (توحید، نبوت، امامت و ...)

۱۱) دنیاگرایی و رفاه‌زدگی

قال رسول الله ﷺ (مَنْ أَصْبَحَ وَ الدُّنْیا أَكْبَرُ هَمَّهُ فَلَیسَ مِنْ اللهِ فِی شَیْءٍ وَ أَلْزَمَ قَلْبُهُ أَرْبَعَ خِصالٍ: هَمًّا لا یَنْقَطِعُ عَنْهُ أَبداً وَ شُغلاً لا یَنْفِرُجُ مِنْهُ أَبداً وَ فَقراً لا یَبْلُغُ غِناءَهُ أَبداً وَ أَملاً لا یَبْلُغُ مُنتَهاهُ أَبداً.)^۲

«کسی که صبح خویش را شروع نماید در حالیکه بزرگترین خواسته‌اش دنیا باشد، نزد خدا هیچ مرتبه‌ای ندارد و چهار خصالت قلبی پیوسته گریبانگیرش باشد: اندوهی که هرگز از او جدا نشود، گرفتاری که هرگز از آن رهایی نیابد، فقری که هرگز به توانگری نیانجامد و آرزویی که هرگز پایان نپذیرد.»

۱. زیارت حضرت، صحیفه‌ی مهدیه، ص ۲۸۲

۲. تنبیه الخواطر: ۱۰/۱۳۰

(۱۲) خستگی و شک نسبت به وجود حضرت علیه السلام

قال الصادق علیه السلام: (فَايَاكُمْ وَالشَّكَّ وَالْإِرْتِيَابَ وَانْفُوا عَنِ أَنْفُسِكُمُ الشُّكُوكَ
وَقَدْ حَذَّرْتُكُمْ فَأَحْذَرُوا أَسْأَلُ اللَّهَ تَوْفِيقَكُمْ وَإِرْشَادَكُمْ)^۱

«پس هرگز در حق او شک و تردید به خود راه ندهید، از صفحه دل هر گونه شک و تردید بزدائید، من شما را بر حذر کردم پس سخت از آن بپرهیزید. از خدا توفیق و راهنمایی تان را مسئلت می‌نمایم.»

در دعاهای مربوط به دوران غیبت از خدا چنین تقاضا می‌کنیم:

«اللَّهُمَّ وَلَا تَسْلُبْنَا الْيَقِينَ لِطَوْلِ الْأَمَدِ فِي غَيْبَتِهِ وَانْقِطَاعِ خَبْرِهِ عَنَّا»^۲

«خدایا یقین به وجود آن حضرت را از ما به خاطر طولانی شدن غیبت آن

حضرت در زمان غیبت و قطع شدن خبر او از ما، نگیر.»

«اللَّهُمَّ... وَلَا تَنْسِنَا ذِكْرَهُ وَانْتِظَارَهُ وَالْإِيمَانَ بِهِ وَقُوَّةَ الْيَقِينِ فِي ظُهُورِهِ وَ

الدَّعَاءَ لَهُ وَالصَّلَاةَ عَلَيْهِ حَتَّى لَا يَقْنَطُنَا طَوْلُ غَيْبَتِهِ مِنْ قِيَامِهِ...»^۳

«خدایا... یاد او و انتظارش و ایمان به آن حضرت و قوت یقین در ظهور او و

دعا برای او و درود فرستادن بر او را از یاد ما مبر، به طوری که طولانی شدن زمان

غیبتش ما را از قیام او ناامید نکند.»

(۱۳) تعجیل و شتاب در تعیین زمان ظهور

قال الباقر علیه السلام - وَقَدْ سَأَلَهُ الْفُضَيْلُ: هَلْ لِهَذَا الْأَمْرِ وَقْتُ؟ - (كَذَّبَ الْوَقَاتُونَ

كَذَّبَ الْوَقَاتُونَ كَذَّبَ الْوَقَاتُونَ)^۴

۱. الغيبة للنعمانی : ۱۵۰ / ۱۰

۲. مفاتیح الجنان، ص ۹۹۱

۳. مفاتیح الجنان، ص ۹۹۱

۴. الغيبة للطوسی : ۴۲۶ / ۴۱۱

«امام باقر علیه السلام در پاسخ به این سوال فضیل که آیا زمان ظهور تعیین شده است؟ فرمودند: وقت گذاران دروغ گفته اند، وقت گذاران دروغ گفته اند، وقت گذاران دروغ گفته اند.»

قال الصادق علیه السلام:

(كَذَبَ الْمُوقَّتُونَ، مَا وَقَّتْنَا فِيهَا مَضَىٰ وَ لَا نُوقَّتُ فِيهَا يُسْتَقْبَلُ)^۱

«وقت گذاران دروغگویند، ما در گذشته زمان تعیین نکرده ایم و در آینده نیز زمان تعیین نمی کنیم.»

(۱۴) هجوم شبهات علمی و دینی

امام صادق علیه السلام خطاب به ابن سنان فرمودند:

«به زودی در شبهه ای خواهید افتاد و بدون نشانه ای نمایان و امامی رهنما خواهید ماند. از این شبهه رهایی نیابد مگر آن کسی که دعای غریق را بخواند. ابن سنان می گوید عرض کردم: دعای غریق چگونه است؟ فرمود: می گویی (یا الله یا رحمان یا رحیم، یا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ بَيْتِ قَلْبِي عَلِي دِينَكَ).
«خدایا! بخشایشگر! مهربانا! ای دگرگون ساز دلها! دل مرا بر دینت استوار گردان.»

عرض کردم: ... یا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ بَيْتِ قَلْبِي عَلِي دِينَكَ! حضرت فرمودند: البته خدای عزوجل دگرگون کننده دلها و اندیشه هاست. اما تو همان را بگو که من می گویم: یا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ بَيْتِ قَلْبِي عَلِي دِينَكَ^۲

(۱۵) نداشتن علم به چگونگی عبور از بحرانهای دوران غیبت

عبدالله بن سنان می گوید: من و پدرم به حضور حضرت صادق علیه السلام رسیدیم.

۱. الغيبة للطوسی: ۲۲۶/۲۶۲

۲. البحار: ۵۲/۱۴۹/۷۳

آن حضرت فرمود: چگونه اید شما اگر به روزی درافتید که نه امامی رهنما ببینید و نه نشانه ای نمایان؟! از آن سرگشتگی کسی رهایی نیابد مگر آن که دعای غریق را بخواند. پدرم گفت: به خدا قسم که این بلاست، فدایت شوم در آن هنگام چه کنیم؟ هرگاه چنین روزگاری آمد و امام زمان را ندیدی به آنچه در دست دارید (دین) چنگ آویزید تا امر برایتان آشکار شود.^۱

۱۶) بی صبری و تحمل نکردن مشکلات و ناگواریهای دوران غیبت

قال الصادق عليه السلام: (إِنَّ مَنْ إِنْتَظَرَ أَمْرَنَا وَصَبَرَ عَلَيَّ مَا يَرَى مِنَ الْأَذَى وَ

الْخَوْفِ هُوَ غَدًا فِي زُمْرَتِنَا)^۲

«هر کس منتظر امر (حکومت و دولت) ما باشد و بر آزارها و رعب و

وحشتی که به او می رسد، شکیبایی کند فردا در زمره ما باشد.»

۱۷) ظهور و بروز انواع مفسد اخلاقی، اعتقادی، اقتصادی و آلوده شدن به

آنها که در این زمینه روایات بسیار فراوانی وجود دارد و مطالعه‌ی دقیق آنها در

انسان تا حد زیادی مصونیت اخلاقی ایجاد می کند.

۱. الغیبه النعمانی: ۲/۱۵۹

۲. الکافی: ۷/۲۷/۸

مراتب و مقامات منتظران

انتظار فضیلتی است که دارای مراتب و درجات متعدد است. این درجات و مراتب براساس حالات منتظران و کسب حداقل تا حداکثر صفات یک منتظر خالص، تنظیم می‌شود. هر چه فرد در کسب صفات یک منتظر ایده‌آل بیشتر تلاش کند به درجات بالاتری نائل می‌گردد، تا آنجا که به مقام لقاء و وصال حضرت موفق می‌گردد و هر چه در احراز شرائط و صفات کوتاهی نماید از مراتب پایین‌تری برخوردار خواهد بود.

در بحث مفهوم شناسی آوردیم که انتظار، فضیلتی است که در خود عناصری از اخلاقیات را جای داده است. عناصری مانند معرفت، محبت، عزت‌طلبی، امید، تقوی محوری، مثبت‌اندیشی، کوشش عملی و...

حال هر چه این عناصر در فرد بیشتر تقویت و تولید گردد، انتظار فرد شدیدتر و واقعی‌تر خواهد بود و فرد منتظر را آماده‌تر برای ظهور امر منتظر خواهد نمود.

بر همین اساس در روایات باب انتظار تفاوتی در پاداش منتظران و آثار انتظار دیده می‌شود؛ این تفاوتها شاید براساس شدت و ضعف و نقص و کمال حالت انتظار در افراد، صادر شده باشد، در برخی از روایات با واژه (طوبی لشیعۃ قائمنا،

الْمُنْتَظَرِينَ لِظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ وَالْمُطْعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ) «خوشا به حال شیعیان قائم
ما، کسانی که در غیبتش منتظر ظهور او هستند و در حال ظهورش نیز فرمانبردار
اویند» آمده است.^۱

در برخی از روایات با واژه انتظار الفرج من الفرج (انتظار فرج، نشانه فرج و
گشایش است)^۲ آمده است.

در روایتی از حضرت باقر علیه السلام اینچنین آمده است:

(الْعَارِفُ مِنْكُمْ هَذَا الْأَمْرَ الْمُنْتَظَرُ لَهُ، الْمَحْتَسِبُ فِيهِ الْخَيْرَ كَمَنْ جَاهَدَ وَاللَّهُ مَعَ
قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام بِسَيْفِهِ)

«آن کس از شما که این امر را بشناسد (و بدان معتقد باشد) و منتظر آن باشد
و خیر و خوبی را در آن بداند، به خدا قسم همچون کسی است که در کنار قائم
آل محمد عليه السلام با شمشیرش جهاد کند.»

سپس می‌فرمایند: (بَلِ وَاللَّهِ كَمَنْ جَاهَدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ عليه السلام بِسَيْفِهِ)

«بلکه به خدا قسم همانند کسی است که در کنار رسول خدا عليه السلام با شمشیر او
جهاد کند.»

سپس می‌فرمایند: (بَلِ وَاللَّهِ كَمَنْ اسْتَشْهَدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ فِي قُسْطَاطِهِ)^۳

«بلکه به خدا قسم همچون کسی است که همراه رسول خدا عليه السلام در خیمه او
طلب شهادت کند.»^۴

همچنین در برخی از روایات از پیامبر اکرم عليه السلام آمده است که فرمودند:

۱. امام صادق علیه السلام / بحار الانوار / ج ۵۲ / ۱۴۹

۲. امام کاظم علیه السلام / الغیبه للطوسی ۴۵۹ / ۴۱۷

۳. بحار الانوار ج ۲۴ / ص ۳۸

۴. بحار الانوار ج ۲۴ / ص ۳۸

(إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ بِالصَّبْرِ عِبَادَةٌ)^۱

«صبورانه در انتظار فرج بودن عبادت است.»

و در برخی از عبارات آمده است: (أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ)^۲

«برترین عبادات، انتظار فرج است.»

این مجموعه روایات دلالت بر وجود رتبه‌های گوناگون در منتظرین دارد. علاوه بر این با توجه به بحثی که تحت عنوان خیل منتظران داشتیم، معلوم گشت تمامی انبیاء و اولیاء و معصومین علیهم السلام و اولیاء الهی از منتظرین امر فرج و استقرار دولت کریمه می‌باشند و واضح است که مقامات اولیاء و انبیاء یکسان نیست و لذا منتظران امر فرج دارای رتبه‌های گوناگون می‌باشند.

۱. الدعوات للرواندى : ۴۱ / ۲۰۱

۲. البحار : ۵۲ / ۱۲۵ / ۱۱

جمعه‌های انتظار تا جمعه‌ی ظهور

در فرهنگ دینی ما جمعه روزی مقدس و ارزشمند قلمداد می‌شود که دارای آداب و احکام و امتیازات ویژه می‌باشد.

✓ در روایات اهل بیت علیهم‌السلام از جمعه به عنوان سید الايام (سرور روزها) یاد شده است.

قال رسول الله ﷺ

(يَوْمُ الْجُمُعَةِ سَيِّدُ الْاَيَّامِ وَ اَعْظَمُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ يَوْمِ الْاَضْحَى وَ يَوْمِ

الْفِطْرِ)^۱

«روز جمعه برترین روزهاست و نزد خداوند عزوجل از روز عید قربان و روز عید فطر نیز ارجمندتر است.»

✓ جمعه خود روزی ارزشمند است و اعمال خیر و صدقات در آن دارای تأثیری دو چندان خواهد بود.

قال الباقر عليه السلام: (الْخَيْرُ وَالشَّرُّ يُضَاعَفُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ)^۲

«خیر و شر در روز جمعه دو چندان می‌شود.»

۱. البحار: ۵/۲۶۷/۸۹

۲. البحار: ۲۸/۲۸۳/۸۹

قال الباقر عليه السلام:

(الصَّدَقَةُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ تُضَاعَفُ لِفَضْلِ يَوْمِ الْجُمُعَةِ عَلَى غَيْرِهِ مِنَ الْأَيَّامِ)^۱

«در روز جمعه (ثواب) صدقه دو چندان می شود، زیرا روز جمعه بر دیگر روزها فضیلت دارد.»

✓ این روز، روز عبادت و ذکر خدا و روز شادمان نمودن خانواده است. خداوند متعال در سوره جمعه آیه ۹ می فرماید:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ)

«ای کسانی که ایمان آورده اید هرگاه شما را برای نماز جمعه بخوانند به سوی ذکر خدا بشتابید و کسب و تجارت را رها کنید که اگر بدانید برای شما بهتر است.»

قال علي عليه السلام: (أَطْرَفُوا أَهَالِيَكُمْ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ بِشَيْءٍ مِنَ الْفَاكِهَةِ، كَسَىٰ يَفْرَحُوا

بِالْجُمُعَةِ)^۲

«هر روز جمعه مقداری میوه به خانواده خود نوبر دهید تا از آمدن جمعه خوشحال شوند.»

✓ روز جمعه روز ظهور حضرت عليه السلام و آغاز رهایی انسانها از ظلم و ستم ستمگران و ظالمان است.

قال علي عليه السلام:

وَ يَخْرُجُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَيَصْعَدُ مِنْبَرَ دِمَشْقَ وَ هُوَ أَوَّلُ مَنْبَرٍ يَصْعَدُهُ ثُمَّ يَخْطُبُ وَ

۱. ثواب الاعمال : ۱/۲۲۰

۲. البحار : ۲۴/۷۳/۱۰۴

يَأْمُرُهُم بِالْجِهَادِ وَيُبَايِعُهُمْ عَلَى أَنَّهُمْ لَا يُخَالِفُونَ أَمْرَهُ رِضْوَةً أَمْ كَرْهًا^۱

حضرت مهدی علیه السلام روز جمعه، خروج (ظهور) می کند و بر فراز منبر دمشق قرار می گیرد و آن نخستین منبری است که او بر آن بالا می رود، آن گاه خطبه می خواند و مردم را به جهاد فرمان می دهد و از آنها بیعت می گیرد که هرگز با او مخالفت نکنند چه بر طبق خواسته هایشان باشد و یا برخلاف آن.

قال الباقر علیه السلام:

(قَالَ لَهُ رَجُلٌ كَيْفَ سُمِّيَتْ الْجُمُعَةُ؟ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ جَمَعَ فِيهَا خَلْقَهُ لَوْلَايَةِ

مُحَمَّدٍ وَوَصِيَّتِهِ فِي الْمِيثَاقِ فَسَمَّاهُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ لِجَمْعِهِ فِيهِ خَلْقَهُ.)^۲

مردی به امام باقر علیه السلام عرض کرد: چرا جمعه، جمعه نامیده شد؟ حضرت فرمودند: (زیرا خداوند متعال بندگان خویش را برای گرفتن عهد و پیمان جهت ولایت و محبت محمد صلی الله علیه و آله و وصی او (حضرت علی علیه السلام) در آن روز جمع کرد، پس آن روز را روز جمعه نامید به خاطر آنکه بندگان را در آن روز جمع کرد.

برای روز جمعه دعائی وارد شده است که ناظر به همین مساله می باشد:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي يَهْتَدَى بِهِ الْمُهْتَدُونَ وَيَفْرَجُ بِهِ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ،

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُهَذَّبُ الْخَائِفُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ النَّاصِحُ، السَّلَامُ

عَلَيْكَ يَا سَفِينَةَ النِّجَاةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ الْحَيَاةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ صَلَّى اللَّهُ

عَلَيْكَ وَعَلَى آلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ عَجَّلَ اللَّهُ لَكَ مَا وَعَدَكَ

مِنَ النَّصْرِ وَظُهُورِ الْأَمْرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ أَنَا مَوْلَاكَ عَارِفٌ بِأَوْلَاكَ وَ

۱. الزام الناصب / ص ۱۹۸

۲. الكافي / ج ۳ / ص ۴۱۵

أُخْرَاكِ أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِكَ وَبِآلِ بَيْتِكَ وَ أَنْتَظِرُ ظُهُورَكَ وَ ظُهُورَ الْحَقِّ عَلَى يَدَيْكَ وَ أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ يَجْعَلَ لِي مِنَ الْمُنْتَظَرِينَ لَكَ وَ التَّابِعِينَ وَ النَّاصِرِينَ لَكَ عَلَى أَعْدَائِكَ وَ الْمُشْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْكَ فِي جُمْلَةِ أَوْلِيَائِكَ، يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ صَلِّواتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَ عَلَى آلِ بَيْتِكَ هَذَا يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَ هُوَ يَوْمُكَ الْمَتَوَقَّعُ فِيهِ ظُهُورَكَ وَ الْفَرَجُ فِيهِ لِلْمُؤْمِنِينَ عَلَى يَدَيْكَ وَ قَتْلَ الْكَافِرِينَ بِسَيْفِكَ وَ أَنَا يَا مَوْلَايَ فِيهِ ضَيْفُكَ وَ جَارُكَ وَ أَنْتَ يَا مَوْلَايَ كَرِيمٌ مِنَ أَوْلَادِ الْكِرَامِ وَ مَأْمُورٌ بِالْإِجَارَةِ فَأُضِيفُنِي وَ أَجِرْنِي صَلِّواتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ^۱

«سلام بر تو ای حجت خدا در همه روی زمین، سلام بر تو ای دیده و چشم خدا در میان خلق، سلام بر تو ای نور خدا که به این نور اهل هدایت به حق هدایت می یابند و به این نور برای اهل ایمان فرج حاصل می شود، سلام بر تو ای پاکیزه جان و هراسان، سلام بر تو ای ولی خدای و ناصح مردم، سلام بر تو ای کشتی نجات خلق، سلام بر تو ای سرچشمه آب زندگانی، سلام بر تو باد درود خدا بر تو و بر خاندان تو که همه خوبان و پاکان عالمند، سلام بر تو باد، خدا آن وعده نصرت و ظهور سلطنت که تو را وعده داده به زودی مقرر فرماید. سلام بر تو باد ای مولا، منم غلام تو و دوستدار تو، شناسای مقام اول و آخر شما (از پیغمبر تا امام زمان) به واسطه تو به درگاه خدا تقرب می جویم و به انتظار ظهور تو و ظهور سلطنت حق به دست قدرت تو می باشم و از خدا درخواست می کنم که درود فرستد بر محمد و آل محمد ﷺ و مرا از منتظران ظهور تو و از پیروان و یاری کنندگان تو بر علیه دشمنانت قرار دهد و از جمله دوستانی که به فیض شهادت در

رکاب تو می‌رسند، بگرداند. ای مولای من ای صاحب الزمان! درود خدا بر تو باد و بر آل بیت تو، این روز جمعه است که متعلق به توست که در این روز همه انتظار تو را دارند و فرج و فتح برای اهل ایمان به دست قدرت شما و قتل و هلاکت کفار به شمشیر توست و من ای مولایم در این روز مهمان تو و در پناه تو هستم و تو مولای کریم و از خاندان کرم و بزرگواری هستی و از جانب خدا مأمور به مهمان نوازی و پناه دادن خلقی، پس مرا به مهمانی پذیر و در جوار خود پناه ده. درودهای خدا بر تو و بر خاندان تو باد که همه از پاکان عالمند.»

مرحوم آیه الله سید محمد تقی موسوی اصفهانی در کتاب شریف مکیال المکارم ص ۷۱ چنین می‌فرماید:

بدان که روز جمعه از چند جهت به مولایمان حضرت حجت العظیم اختصاص و انتساب دارد که مقتضی اهتمام ورزیدن بیشتر در این روز به دعا کردن برای آن بزرگوار است که به برخی از جهات اشاره می‌کنیم:

- (۱) واقع شدن ولادت باسعادت آن حضرت در آن روز.
- (۲) در این روز مقام مقدس امامت به او منتقل گردیده است.
- (۳) ظهور و آشکار شدن آن حضرت در این روز واقع خواهد شد.
- (۴) در این روز بر دشمنانش پیروز می‌گردد.
- (۵) در این روز خداوند برای آن بزرگوار و پدران گرامیش پیمان گرفته است.
- (۶) روزی است که خداوند آن حضرت را به لقب قائم اختصاص داد.
- (۷) این کلمه جُمعه از جمله القاب شریف آن جناب می‌باشد.

راه‌های کسب انتظار

یکی از مباحث کاربردی و ضروری در مبحث انتظار، ارائه راه کارهایی برای تحصیل و آراسته شدن به این فضیلت اخلاقی است. در کتب اخلاقی یکی از مباحث بسیار مهم، بررسی کیفیت تحصیل فضائل اخلاقی است؛ علمای اخلاق، کیفیت تحصیل فضائل را به دو راه علمی و عملی تقسیم می‌نمایند.

راه علمی

از نظر علمی راه‌های کسب فضیلت انتظار عبارتند از:

- (۱) تفکر و اندیشه در فوائد و نتایج انتظار تا در نتیجه آن شوق و انگیزه به تحصیل آن در انسان حاصل گردد.
- (۲) مطالعه و دقت در سختی‌ها و مشکلات عصر غیبت، چرا که پس از آن انسان به دنبال فرج و گشایش خواهد بود.
- (۳) تأمل و دقت در فوائد عصر ظهور و حکومت طلایی امام عصر (علیه السلام)، زیرا حتی تصور آن دوران طلایی انسان را نسبت به درک آن دوران مشتاق و علاقه‌مند می‌سازد.

(۴) مطالعه مبانی فلسفی و سیر تکامل اجتماعی تاریخ، چرا که با این مطالعه ثابت خواهد شد حرکت تاریخ روندی تکاملی و رو به رشد دارد و انتظار عدالت و امنیت، انتظاری معقول و فلسفی است، همچنان که اعتقادی دینی و معنوی است.

(۵) دقت و مطالعه در آیات و روایات در باب انتظار و مهدویت

(۶) مطالعه احوالات و خاطرات منتظران خالص، کسانی که در طول تاریخ با مجاهدتهای فراوان در نیمه راه اصلاحات مانده‌اند و در انتظار رؤیت خورشید بوده‌اند.

(۷) تقویت مثبت اندیشی و روحیه امیدواری نسبت به آینده خود

(۸) آشنایی علمی با مبانی نظری انتظار از دیدگاه دینی و فلسفی

(۹) شناخت انواع انتظار و تعریف صحیح و سازنده از آن داشتن

(۱۰) مطالعه و تحقیق در ادیان و مکاتب غیر شیعی و بررسی نظرات و

دیدگاههای آنان نسبت به منجی

راه عملی

از نظر عملی نیز اعمالی در حفظ و کسب این فضیلت انسان را یاری می‌دهند

که لازم است نسبت به تحصیل آنها اهتمام ورزید.

(۱) تهذیب نفس و کسب نزاهت اخلاقی

(۲) کسب و تقویت فضیلت‌های زمینه ساز انتظار، مانند امید به آینده، صبر،

عزت طلبی، تقوی و...

(۳) ایجاد آمادگی جسمانی و نظامی در خود

(۴) کار و تلاش جهت یارگیری (پرورش سرباز) برای آن حضرت علیه السلام

(۵) مداومت بر خواندن دعای عهد و زیارت عاشورا

(۶) زنده نگه داشتن فرهنگ عاشورا

(۷) درخواست فضیلت انتظار از خدا

در دعای روز جمعه در این خصوص می خوانیم:

(... و اسألُ اللهَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ يَجْعَلَني مِنَ الْمُنْتَظَرِينَ

لَكَ وَ التَّابِعِينَ وَ النَّاصِرِينَ لَكَ عَلَي أَعْدَائِكَ وَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْكَ فِي جُمْلَةِ

أَوْلِيَائِكَ)

(۸) انجام اعمال و آداب توصیه شده در عصر غیبت امام زمان علیه السلام

خیل منتظران

با یک سیر اجمالی در تاریخ گذشته، با توجه به وجود دو جبهه حق و باطل و درگیریهای همیشگی این دو جبهه با یکدیگر و با توجه به پیروزی ظاهری باطل و باطل نماها و شکست یا ناتمام ماندن تلاش و ایده‌های علمی و عملی اولیاء خدا و سلسله انبیاء و امامان در گذشته، این سؤال پیش می‌آید که آیا روزی خواهد آمد تا این آرزوها و اهداف سامان گیرد و جنبه عینیت پیدا نماید؟! تحلیل فلسفی تاریخ بر اساس تئوری حاکمیت نظام احسن بر هستی حکم می‌کند که روند حرکت تاریخ رو به رشد و مثبت و با افقی روشن و زیبا باشد، چرا که در صورت وجود ظلم و تاریکی و حرکت انحطاطی، حکیمانانه بودن خلقت و حقانیت اولیاء الهی و وعده‌های مکرر آیات قرآنی و اولیاء الهی زیر سؤال خواهد رفت، بشارتهای آیات قرآن و قانون فطرت همسوی با نظام احسن، گویای وعده‌های روشن و پایان طلایی برای تاریخ می‌باشد و بر همین اساس همه اولیاء الهی در هر عصر و زمانی از منتظران و منجی جویان بوده و هستند و تلاش‌ها و مجاهدتهای خود را بر اساس هموار شدن زمینه‌های ظهور ایام طلایی تاریخ شکل داده‌اند. باید توجه داشت که هیچگاه دامنه انتظار، محدود به انتظار یک شخص (امام زمان علیه السلام) نبوده بلکه گستره‌ی انتظار، گستره‌ی ظهور، توحید، دیانت، امنیت و تقوی و ظهور و ورود اولیاء الهی به صحنه حکومت و از جمله ظهور امام

زمان ^{الکلیله} بوده است.

در بین القاب حضرت بقیة الله یکی از القاب معروف «منتظر» می باشد، یعنی کسی که انتظار او کشیده می شود.

(اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَىٰ وَكَلِيِّ أَمْرِكِ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ...)

«خدایا درود فرست بر سرپرست دستورات، آن امام قائم که مایه ی امید است و آن عدل و دادی که همه چشم به راهش هستند.»

در کمال الدین از امام جواد ^{علیه السلام} روایت شده که فرمودند: امام بعد از (امام) حسن (عسگری) پسر او، قائم به حق است که منتظر می باشد. راوی پرسید: چرا او را منتظر نامیده اند؟ فرمود: زیرا برای او غیبتی است که روزهای آن بسیار خواهد بود و مدت آن به طول خواهد کشید. پس مخلصان، انتظار خروج او را خواهند کشید و تردید کنندگان او را انکار خواهند نمود و جاحدین به یاد کردنش استهزاء نمایند و وقت تعیین کنندگان دروغ گویند و شتاب کنندگان در آن غیبت هلاک خواهند شد و آنانکه گردن به تسلیم گذارند و به اینکه سبب توقف چیست و چرا حضرت ظهور نمی کند، کاری ندارند (و تسلیم محض تقدیر خدا هستند) در آن ایام رستگار می شوند.

همچنین در دعای ندبه می خوانیم:

✓ (أَيْنَ الْمُنْتَظَرِ لِأَقَامَةِ الْأُمَّتِ وَالْعَوَجِ)

(کجاست آن کسی که برای راست کردن کجی ها و نادرستی ها انتظار او

می رود.)

✓ (بِنَفْسِي أَنْتَ أُمْنِيَّةٌ شَائِقٌ يَتَمَنَّى مِنْ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ ذَكَرًا فَحَنَّا)

«به جانم سوگند، تو آخرین امید و آرزوی هر مشتاقی هستی که آرزوی تو را می‌کند، همان مرد مؤمن یا زن مؤمنه‌ای که تو را یاد نموده و از دل ناله سر می‌دهد.»

این عبارات می‌رساند که همه اولیاء خدا، انتظار تبدیل کجی‌ها و نادرستی‌ها را داشته‌اند و انتظار آمدن او در طول تاریخ از سوی اولیاء خدا کشیده شده است. بر این اساس و از یک دیدگاه همه اولیاء خدا بلکه هستی از منتظران ظهور و فرج هستند، اما در یک نگاه ویژه خیل منتظران فرج عبارتند از:

الف) فرشتگان آسمان

امام باقر علیه السلام در پاسخ به پرسش ابو حمزه ثمالی از علت نامگذاری آن حضرت به قائم فرمودند: (چون جدم حسین علیه السلام کشته شد فرشتگان با گریه و فغان به درگاه خداوند عزوجل فریاد برآوردند که: ای خدای و سرور ما! آیا از کسی که برگزیده تو و فرزنده تو و بهتر آفریده تو را می‌کشد، چشم می‌پوشی؟ خداوند عزوجل به آنان وحی فرمود که: فرشتگان من آرام بگیرید، به عزت و جلالم سوگند که از آنان انتقام خواهم گرفت گرچه به طول انجامد. آن گاه خداوند امامان نسل حسین علیه السلام را به فرشتگان نشان داد و فرشتگاه بدان شادمان گشتند. در میان آنها یکی ایستاده بود و نماز می‌خواند. خداوند فرمود: با این قائم از آنان انتقام می‌گیرم.)

ب) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام

قال رسول الله: (مَعَاشِرَ النَّاسِ أَبْشِرُوا بِالْفَرَجِ فَإِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ لَا يُخْلَفُ وَ

قضاؤه لا یردُّ و هو الحکیم الخبیر و ان فتح الله قریباً^۱

«ای مردم بشارت باد شما را به فرج و گشایش زیرا که وعده خدا راست و تخلف ناپذیر است و حکم و قضای او برگشت ندارد و اوست حکیم و آگاه و حقیقتاً فتح خدا نزدیک است.»

قال رسول الله ﷺ (لا تقوم الساعة حتی یقوم قائمٌ للحقِّ مِنَّا وَ ذلک حین یأذنُ اللهُ عزوجلَّ له)^۲

«قیامت بر پا نشود تا اینکه قائم بر حق ما قیام کند و این قیام زمانی رخ می دهد که خداوند به او اجازه دهد.»

قال علی العقیلا (لتعطفنَّ عَلینا الدُّنیا بَعْدَ شِمالِها عَطْفَ الضُّروسِ عَلی وَ کدها ثُمَّ قَرَأَ «وَ تُریدُ أَنْ نَمُنَّ عَلی الَّذینَ اسْتُضِعِفُوا فی الأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثینَ»)^۳

حضرت علی العقیلا فرمودند: (دنیا پس از چموشی هایش دوباره به ما روی خواهد کرد و مهربان خواهد شد، آنگونه که ماده شتر بدخوی، با بچه‌ی خود مهربان می شود. آنگاه این آیه را تلاوت فرمود: و می خواهیم بر کسانی که در زمین فرودست نگه داشته شده اند، منت نهیم و آنان را پیشوایان (مردم) قرار دهیم و ایشان را وارث (زمین) گردانیم.)

۱. اهل بیت در قرآن و حدیث ۱۱۷۱

۲. اهل بیت در قرآن و حدیث ج ۱۱۷۴

۳. اهل بیت در قرآن و حدیث، ح ۱۱۸۴

ج) امام باقر و امام صادق علیهما السلام

زمانی که هشام و درباریان او شروع به نکوهش و ملامت کردن امام محمد باقر علیه السلام نمودند؛ حضرت در جواب آنها فرمود: (...اینها الناس، أين تذهبون؟ وأین یراد بکم؟ بنا هدی الله اولکم و بنا یختم آخرکم، فان یکن لکم معجل فان لنا ملکاً مؤجلاً و لیس بعد ملکنا ملک لنا أهل العاقبة یقول الله عزوجل و العاقبة للمتین) «ای مردم! به کجا می روید و می خواهید شما را به کجا ببرند؟ به وسیله ما (خانواده) بود که خداوند، پیشینیان شما را هدایت کرد و (کار هدایت) آینده گان شما نیز به وسیله ما انجام می پذیرد. اگر شما را سلطنتی زودگذر است، ما را در آینده سلطنتی خواهد بود و بعد از حکومت ما حکومتی نباشد، زیرا عاقبت کار از آن ماست و خدای می فرماید: عاقبت از آن پرهیزکاران است.»^۱

قال الصادق علیه السلام: (إن لنا آیاماً و دولةً یتی بها الله إذا شاء)

«ما را ایام و دولتی است که هر زمان خداوند بخواهد، آن را خواهد آورد.»

قال الصادق علیه السلام:

(أما إنی لو ادركتُ ذلك لأستبقتُ نفسی لصاحبِ هذا الأمر)^۲

حضرت صادق فرمودند: آگاه باشید که همانا اگر زمان ظهور او را درک

می کردم هر آینه جانم را برای صاحب این امر نگه می داشتم.

د) امام زمان علیه السلام

یکی از منتظران امر فرج خود امام زمان علیه السلام هستند، لذا یکی از القاب

۱. کافی ج ۱ ص ۴۷۱

۲. غیبه النعمانی / ۲۷۳

شریف ایشان «منتظر» می باشد.

✓ (اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّ الْحَسَنِ وَوَصِيِّهِ وَوَارِثِهِ الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ وَالْغَائِبِ فِي خَلْقِكَ وَالْمُنْتَظَرِ لِإِذْنِكَ)^۱

«خدایا درود فرست بر محمد و خاندانش و درود فرست بر جانشین امام حسن (عسگری) علیه السلام و وصی و وارث او، همانکه قیام می کند به دستور تو و غائب از مردم و منتظر دستور تو (برای قیام) می باشد.»
و در جای دیگر می خوانیم:

✓ (اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ الْمُنْتَظَرِ لِأَمْرِكَ الْمُنْتَظَرِ لِفَرَجِ أَوْلِيَاءِكَ)^۲

«پروردگارا! درود و صلوات بفرست بر ولی خودت که منتظر امر (ظهور و فرج) و دستور توست و برای گشایش و فرج اولیائت (توسط اولیاء خودت) مورد انتظار واقع شده است.»

۵) رجعت کنندگان

گروه زیادی از منتظران امر فرج و ظهور امام عصر علیه السلام کسانی هستند که خداوند متعال با توجه به روح بلند و فعال و اصلاح طلبی که داشتند فرصت زندگی آرمانی مجدد به آنان می بخشد. بازگشت کنندگان به دنیا در روایات، افراد و گروههای زیادی از اقوام و ادیان گوناگون از جمله از بین مسلمین هستند.
قال الصادق علیه السلام: (يَخْرُجُ مَعَ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ ظَهْرِ الْكُوفَةِ سَبْعٌ وَعِشْرُونَ رَجُلًا خَمْسَةَ عَشَرَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ الَّذِينَ كَانُوا يَهْدُونَ بِالْحَقِّ

۱. مفاتیح الجنان - ذکر صلوات بر حضرت صاحب الامر ص ۸۸۷

۲. دعای فطر روز عید قبال الاعمال ص ۲۸۴

و بِهِ يَعْدِلُونَ وَ سَبْعَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكَهْفِ وَ يَوْشَعُ بْنُ نُونٍ وَ سَلْمَانُ وَ ابُودْجَانَةُ
الْأَنْصَارِيُّ وَ الْمُقَدَّادُ وَ مَالِكُ اشْتَرَفِيكُونُونَ بَيْنَ يَدَيْهِ أَنْصَاراً وَ حَكَّاماً^۱

«همراه قائم العزیز بیست و هفت نفر از پشت کوفه ظهور می کنند. پانزده تن
آنان از قوم موسی العزیز هستند، همانان که به راه حق هدایت می کردند و به عدالت
فرا می خواندند، هفت نفر از اصحاب کهف هستند و نیز یوشع بن نون و سلمان و
ابودجانة انصاری و مقداد و مالک اشتر که همگی در خدمت او و از یاران و
کارگزاران وی هستند.»

فهرست منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه، دشتی
۳. بحار الانوار، علامه مجلسی (ره)
۴. منتخب الاثر، لطف الله صافی گلپایگانی
۵. مکیال المکارم، مرحوم آیت الله سید محمدتقی موسوی اصفهانی
۶. قیام و انقلاب مهدی علیه السلام، علامه شهید مطهری (ره)
۷. کمال الدین و تمام النعمة، شیخ صدوق (ره)
۸. تفسیر تسنیم، حضرت آیت الله جوادی آملی
۹. کشف الغمة، علی بن عیسیٰ اربلی
۱۰. تفسیر نور الثقلین، حویزی
۱۱. الدعوات للراوندی
۱۲. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی (ره)
۱۳. الکافی، ثقة الاسلام کلینی
۱۴. الغیبة للنعمانی، ابی عبدالله محمد بن ابراهیم نعمانی
۱۵. بصائر الدرجات - ابی جعفر محمد صفار
۱۶. میزان الحکمة، حجت الاسلام ری شهری
۱۷. عیون اخبار الرضا علیه السلام، شیخ صدوق (ره)

۱۸. الغيبة للطوسی
۱۹. مشکاة الانوار، ابوالفضل علی طبسی
۲۰. التهذیب، شیخ طوسی (ره)
۲۱. شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید
۲۲. کنز العمال، علاء الدین علی الهندی
۲۳. المحاسن برقی
۲۴. أمالی الطوسی
۲۵. تفسیر البرهان، محدث بحرانی
۲۶. تفسیر العیاشی، ابی النضر محمد بن مسعود عیاشی
۲۷. تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی
۲۸. نهج الفصاحة، ابوالقاسم پاینده
۲۹. إقبال الاعمال، سید بن طاووس (ره)
۳۰. اهل بیت در قرآن و حدیث، حجت الاسلام ری شهری
۳۱. مهج الدعوات، سید بن طاووس (ره)
۳۲. بشارة المصطفی، عماد الدین ابی جعفر طبری
۳۳. تنبیه الخواطر، ابی الحسین ورام
۳۴. ثواب الاعمال، شیخ صدوق (ره)
۳۵. الزام الناصب، شیخ علی یزدی حائری